

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



# پیامِ ہا آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی  
پایہ ہتم



دورہ اول متوسطہ

نام کتاب:	پیام‌های سلسله‌ای پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۹۷۴
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش‌های علمی و پژوهشی آموزش
مدیریت برنامه‌ریزی دبیرس و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده استاندارد ملی و تألیف:	پرویز قرایی، ارمال امام‌الایلی، خوران، احمد مودت، محمدرضا اعجاز، محمدرضا اعجاز، سید صابری پیشانی، سید محمد حسین تقوی، سید محمد تقوی، کبری دهقانی، ابوالفضل سلطانی، احمد مراد سنگری، سید حسین شکرانی، سید سعادت علی‌نقی، نژاد، اصفهانی، حبیب و محمود، مترجم آراس (اعضای تولیدی برنامه‌ریزی)
مدریس و آماده‌سازی هنری:	جلال کاظمی، امین‌رضا، مهدی‌گنجی، کارشناسان گروه تعلیم و تربیت اسلامی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری (حسن‌حسین آوریان)
موضوعات آموزشی هنری:	تألیف کلی، نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده استاندارد ملی:	احمد مراد، امین (تصویر)، ارمال، خوران، جواد صابری (تصویر هنری)، محسن زاهد (طراحی گرافیک)، فرح خندان، سید وکیلی (تصویر)، (مصحح)، سعید قویلی، احمد (مصحح)، سعید قویلی، احمد (مصحح)، احمد خواجه‌سین (تصویر)، (مصحح)، تقوی، سید، سید آناه پناک، سعید، شادمان، (مصحح)، گنجی، حسین، (مصحح) پژوهش‌های علمی، احمد، ثابت، کتابخانه، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)
ناشر، سازمان:	تولیدی، خیران، نشر علمی، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح) تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۳۱۱۴۱۴، آدرس: تهران، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح) وبسایت: <a href="http://www.chapash.ir">www.chapash.ir</a> و <a href="http://www.intelbook.ir">www.intelbook.ir</a>
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح) آدرس: تهران، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)، (مصحح)
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، شعبه خاص
سال انتشار و تیراژ:	چاپ پنجم، ۱۳۹۲

کلیه حقوق هنری و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش‌های علمی و پژوهشی آموزش  
وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی  
و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، شبیه‌سازی، ترجمه،  
تکرار، پخش، نمایش، تهیه فیلم و دیگر روش‌ها، بدون کسب مجوز از این  
سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



### یکی از کردارهای امام:

امام خمینی (ره) به نماز اول وقت خیلی اهمیت می‌داد. روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: «اگر کسی نمازش را بیگ بشمارد، از ششادشتین معزوم می‌شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شماردن نماز شایسته به این معنی باشد که شخص نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت بخواند.» گفتند: نه، اینکه خلاف شرع است. مطلقاً امام صادق (ع) این فرموده است که وقتی ظهر می‌شود و فرد نماز اول وقت نماز نمی‌خواند، نماز واقع به چیز دیگری رجعت داده است.

## فهرست

### فصل سوم: راهنماشناسی

درس پنجم



۶۳

پیمانبر رحمت

درس ششم



۷۵

آسوه فداکاری و عدالت

درس هفتم



۸۷

بزرگترین مآثر

### فصل اول: خداشناسی

درس اول



۱۵

بینای شهریان

درس دوم



۲۵

استماع از خداوند

### فصل دوم: معاد

درس سوم



۳۹

تلخ با شیرین

درس چهارم



۴۹

عبور آسان

## فصل چهارم: راه و توبه



درس هشتم

انعام بندگان

۹۹



درس نهم

به ساری پاکان

۱۰۷



درس دهم

استون تین

۱۱۷



درس یازدهم

نماز جماعت

۱۲۷

## فصل پنجم: اخلاق



درس دوازدهم

نشان عزت

۱۳۹



درس سیزدهم

بر مال فرشتگان

۱۴۹



درس چهاردهم

کمال هم نشین

۱۵۷



درس پانزدهم

مزهوران شیطان

۱۶۵

## سلام علیکم

به شما تبریک می‌گوییم که توفیق هدایت نسل‌های آینده را در یک همان رسالت الهیست. به عهده دارید. بی‌شک انجام مخلصانه این مسئولیت رسالتی است که هیچ میزانی در دنیا قابلیت ستایش آن را ندارد و پاداش آن در عالم طبیعت قابل برداشت نیست.

غریب جایگاهی در جامعه به جایگاه معلم نمی‌رسد؛ چرا که در دنیا هیچ موجدی به شأن انسان نمی‌رسد و انسان امانت در دست معلم است. نقش معلم خارج کردن انسان‌ها از قلمت گمراهی به نور هدایت و صراط مستقیم است. معلم کسی است که اولین نقش‌های نیک باید را می‌تواند بر لوح سفید و آماده‌الذهن دانش‌آموزان بنماید و این چنین دست توانای معلم، چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند. معلم می‌تواند جامعه را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خردپرست، اهل علم یا گم‌باز از علم، منصف و پاکدامن یا بی‌بندوبار بسازد؛ بنابراین اگر قرار باشد جامعه اصلاح شود، این اصلاح باید از مدرسه آغاز شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید بیش از آموختن به دیگران، خود را با الهام روحی کند و ادب رفتاری اش، بیش از ادب گفتاری اش باشد». تمامی رفتارهای معلم در کلاس؛ نگاه، اشاره، لبخند، احم کردن، لباس پوشیدن و... بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد و هر فردی در زندگی خود عمیق‌ترین احساسات و عواطف را از معلمش دریافت می‌کند؛ بنابراین شبیه است این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام «غزوة حمزه گروشان باشد که «ای علی! اگر خداوند به دشمن تو السلفی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابنده برای تو بهتر است»<sup>۱</sup>.

کتابی که بیش زوی شما قرار دارد حاصل رحمت چندین ساله کارشناسان متعدد در حوزه‌های مختلف دینی و تربیتی است. این کتاب با نظرات شفا دبیران زحمت‌کش و مسوول به نفع رسیده است و امید می‌رود باز هم با تلاش‌های مخلصانه شما، در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان مومن اسلامی‌مان، ایران عزیز، بیشترین تاثیرگذاری را داشته باشد. در تکلیف این کتاب از تشییع ارزشیابی‌های صورت گرفته از کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی»<sup>۲</sup>

۱- دینی، شیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

۲- دینی، ج ۱۶، ص ۱۶۸. مستند به عن تصحیح ج ۳، ص ۶۵۳ و ۶۹۱.



سابق، و جناب‌های اول کتاب «پیام‌های آسمان»، بهره گرفته شده و محتوای آن بر اساس اهداف و آرمان‌های «برنامه درسی ملی» بازتألیف شده است.

همان‌گونه که منت‌حضریه کتاب «پیام‌های آسمان»، علاوه بر تغییر در محتوا و سبک نگارش، جابجایی رویکردهای نوین تربیتی و آموزشی است. جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم ساختن آنها در مراحل تدریس، از مهم‌ترین رویکردهای کتاب است. بر این اساس، بهترین روش تدریس کتاب، روش تدریس فعال است که در آن دست کم بیست دقیقه از زمان هر جلسه تدریس به مشارکت دانش‌آموزان در مباحث و شبیه‌سازی نظرات آنان اختصاص می‌یابد. شایسته است دبیران محترم در این زمان صرفاً به جهت‌دهی مناسب و اصلاح خطاهای احتمالی دانش‌آموزان در طرح نظرات بپردازند. گروه‌بندی دانش‌آموزان کلاس، اختصاص دادن زمان مناسب به پرسش‌ها و ایجاد فرصت گفت‌وگو برای آنان و دسترسی در پاره نظرات یکدیگر از ملزومات این روش است. محدود ساختن روش‌های تدریس به روش سخنرانی و تبدیل دانش‌آموز به یک شنونده صرفاً در تعارض با اهداف تربیتی است و به آنکت بزرگ حافظه‌محوری در دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

راهنمای برنامه درسی «تعلیم و تربیت دینی» دوره اول متوسطه، شیوه‌نامه خاصی را برای کتاب‌های درسی این دوره طراحی کرده است. اجرای کامل این شیوه‌نامه، موجب تحقق تمامی اهداف آموزشی و تربیتی مدنظر خواهد شد. در همین راستا دفتر تألیف کتاب‌های درسی از همکاران انتظار دارد همواره این شیوه‌نامه را مدنظر قرار داده و مطابق آن ارزشیابی‌های مستمر و پایانی را اجرا نمایند.

### شیوه‌نامه ارزشیابی

ارزشیابی درس پیام‌های آسمان در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» و «ارزشیابی ابزاری» انجام می‌گیرد. در ارزشیابی تکوینی بیشتر به مهارت‌ها توجه می‌شود و جنبه کیفی و توصیفی دارد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. ضرورت برگزیدن ارزشیابی «میزان یادگیری» هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌تواند و نظر خود را ارزیابی می‌کنند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های آ‌همکاران محترم می‌تواند جهت مطالعه راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه «مشاهده متن کتاب قبل از شروع برآورد مطالعه راهنمای محتوای کتاب پیام‌های آسمان» بر رفتار معلمان، سؤالات امتحانی، اظهار هرگونه بی‌ظنه و اشتباه در آن، کتاب، طرح پرسش‌های مختلفی است که در وقت جواب‌گویی آن‌ها سؤالاتی می‌تواند از سؤالات مختلف ارائه شده به رنگ، گروه، قدرت و معارف «به‌کار» می‌تواند در این زمینه استفاده نماید.

انجام شده. میزان یادگیری دانش آموز را شبیه به ابزار کتبی می‌کنند و به صورت شماره ارائه می‌دهند. ارزشیابی پایانی دارای آزمون کتبی است. در این آزمون میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید پوشش متناسبی از سطوح یادگیری را دربرگیرد. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقیاسه، تطبیق، تعمیمی استدلال و تآوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه شود.

ارزشیابی «پیام‌های آسمان» دارای اصولی است که از همکاران انتظار می‌رود حتماً آنها را مدنظر قرار دهند و به صورت کامل اجرا نمایند تا تمامی اهداف کتاب در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان محقق شود:

۱- ارزشیابی تکوینی (اعم از کتبی و شفاهی) بیست نمره دارد و ارزشیابی کتبی پایانی نیز بیست نمره دارد.

۲- ارزشیابی پایانی نوبت اول از مضمون تدریس شده همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم از تمام محتوای کتاب به عمل می‌آید.

۳- ابزارهای ارزشیابی عبارتند از: آزمون‌های کوتاه پاسخ، چهارگزینه‌ای، جورکردنی، تصویری، چک لیست مشاهده رفتار، فعالیت‌های تحقیقی و پیشنهادی، فعالیت گروهی، مشارکت در مباحث، بیان مطالب تکمیلی و مفید، ارائه سؤالات کاربردی، بروز رفتار مثبت و مثبت آن.

۴- در کلیه ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی، درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حفظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.

۵- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمه آنها برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از معنوم، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد. عدم یکی از فصل‌های کتاب (راه و روش) برای آموزش احکام است که اساس آموزش آن بر حفظ موارد متعدد تکیه دارد و فعالیت کلاسی این درس‌ها نیز حتمی خواهد بود و حال آنکه اگر (راه پاسخ) ندارد، بنابراین از فعالیت‌های کلاسی این فصل‌ها می‌توان در ارزشیابی مستمر و پایانی بهره برد.

۶- بخش «خودت را امتحان کن» شامل پرستی‌های هنگام (پسته پاسخ) است و در ارزشیابی پایانی به کار می‌رود. این بخش به‌عنوان تکلیف توسط دانش‌آموز در حواله انجام می‌شود و در جلسه بعدی به منظور جمع‌بندی، تصحیح و تثبیت یادگیری به کار می‌رود.



۸- مطالب بخش «فعالیت کلاسی» به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس است و می‌تواند نقش مهمی در ارزشیابی های دانش‌آموز داشته باشد.

۹- بخش «بیشتر بدانیم» هر درس فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است. چیزی محترم می‌تواند برای توضیح درس از آنها استفاده نمائید و با نمره تشویقی برای این بخش در نظر بگیرید اما نباید در ارزشیابی تکوینی یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۱۰- بخش «پیشنهاد» دانش‌آموزان را در درک بهتر مفاهیم و اهداف درس یاری می‌کند. انجام این بخش و سایر فعالیت‌هایی که از سوی معلم یا دانش‌آموز پیشنهاد می‌شود کاملاً اختیاری است و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره جداگانه دو نمره علاوه بر بیست نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش‌آموز نخواهد بود و نمی‌تواند به نمره ارزشیابی پایانی اضافه شود.

۱۱- بخش «الهی» در هر درس برای جمع بندی در انتهای درس قرار گرفته است که در ارزشیابی تکوینی و پایانی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

۱۲- نمره بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (بیست نمره) به شرح زیر است:

الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب و پرسش‌های بخش «خودت را امتحان کن» (۸ نمره)

ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب و سایر فعالیت‌هایی که در کلاس توسط دانش‌آموز و یا دبیران محترم تعریف می‌شود (۸ نمره)

ج) مشارکت در فرایند تدریس، گفت‌وگو و کار گروهی (چهار نمره)

فعالیت‌هایی ذیل این عنوان عبارتند از: تهیه شعر متناسب و قرائت آن در کلاس، اجرای سرود در موضوعات مرتبط با مفاهیم درس، اجرای عملی در مناسبت‌هایی مرتبط با درس‌ها، توجه‌خوانی، اجرای نمایش که شامل داستان‌های داخل کتاب درسی و سایر داستان‌های مرتبط با عناوین و موضوعات درس می‌شود. ارائه گفتارهای پیرامون مفاهیم درس‌ها، آماده ساختن و ارائه قطعه‌ای از فیلم‌هایی متناسب با موضوعات و مفاهیم درس‌ها، تهیه و ارائه اسلایدهای کمک‌کننده به مفاهیم درس‌ها، تهیه کار دستی و ...

د) داشتن پوشه کار خوب و منظم توسط دانش‌آموز (دو نمره)

۱۳- نمره پایانی هر نوبت عبارت است از مجموع نمرات ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی آن نوبت، تقسیم بر دو.

## دانش آموزان گرامی!

### سلام

شش سال گذشت. شش سال از بهترین روزهای عمرش. شش سال از زمان ورودش به مدرسه. کافی است نگاهی به همه این سال‌ها داشته باشی. حتماً خواهی گفت: چقدر زود گذشت!

و حالا وارد شش سال دوم دوران تحصیل خود شستی. این دوران نیز همچون گذشته به سرعت خواهد گذشت و فقط کسی در این گذر زندگی، سربلند و پیروز خواهد بود که برای خود سرمایه‌های بیشتر و با تلاش و پشتکار، غیب‌ها و متعنت‌هایی خود را بر طرف کند و بر علم و دانش خود بیفزاید.

دوست من! شعاع این دوران تحصیلی: جدید، روزهای بسیار شیرینی را تجربه خواهید کرد. خروج از دوران کودکی، ورود به دوران نوجوانی، تغییر برخی از اخلاق‌ها و رفتارها، آموختن برخی درود به عرصه دانشگاه، کار و... —

اگر از برابر هر یک از این مراحل آگاهانه علم برداری، به یاری خداوند یا موفقیت آن مرحله را پشت سر خواهی گذاشت و در پایان، احساس رضایت و نشاط خواهی کرد و اگر سستی و کوتاهی به خرج دهی قطعاً در پایان این بخش از عمر خود، احساس پشیمانی و ضرر خواهی نمود.

اکنون انتخاب یا نوست. چه راهی را انتخاب می‌کنی؟ اگر تصمیم گرفتی با آگاهی وارد این دوران شوی و با عمل به دستورات الهی، ایامی سرشار از خیر و نیکی را برای خود بسازی، این کتاب را بخوان. خوب هم بخوان.

- رنگ «پیام‌های آسمان» همراه نوست، آیا پاسخ سوال هایت را در آن بیابی؟
- خداوند مهرتان چقدر به تو نزدیک است و چگونه از تو محافظت می‌کند؟
- چگونه می‌توانی از خداوند توانا و حکیم در کارهایت کمک بگیری؟
- سرانجام زندگی‌ات چیست و بعد از این دنیا چه سرنوشتی در انتظار توست؟
- چه هنگام بالغ می‌شوی و وظیفه‌ات بعد از بلوغ چیست؟

– چگونه می‌توانی احکام دینش را بیاموزی و به آنها عمل کنی؟

– لغال چه احکامی دارد و چگونه می‌توان بر لغال جماعت و جامعه شرکت کرد؟

– علم و دانش چه ارزش و جایگاهی دارد و چه چیزی آن را تکمیل می‌کند؟

– هفتادین خوب و بد چگونه بر زندگی‌ات می‌تواند تأثیر بگذارد و تو چگونه می‌توانی

هفتادین خوب را بشناسی و آن را انتخاب کنی و از هفتادین بد دوری کنی؟

– صفات ناپسند اخلاقی کدام‌اند و چگونه می‌توانی از آنها دوری کنی؟

امیدواریم بتوانی این مرحله را نیز مانند مراحل قبل با سر بلندی پشت سر بگذاری و با عمل

به آنچه فرامی‌گیری، هر لحظه به مقصد زیبایی که در پیش روی داری نزدیک و نزدیک‌تر

شوی.

معنی گذر درس هایت را خوب بیاموزی. به آموخته‌های خوب فکر کنی و دربارۀ آنها با

هم‌کلاسی‌هایت گفت‌وگو کنی. اگر نظر و پیشنهادی داشتی، حتماً آن را برای معلم

مگراینی. اما بازگو کنی بدان که خداوند به تو توفیق داده است که اگر بخوای، می‌توانی از

پس هر کاری برتویی؛ پس، از خداوند باری بخواه و تلاش را آغاز کن؛ تلاش برای دستیابی

به موفقیت‌های بزرگ...

سال گذشته با حضرت خالق و یکتایی خداوند آشنا شدیم، امسال در هر درس با سایر صفات خداوند مهربان آشنا می‌شویم:

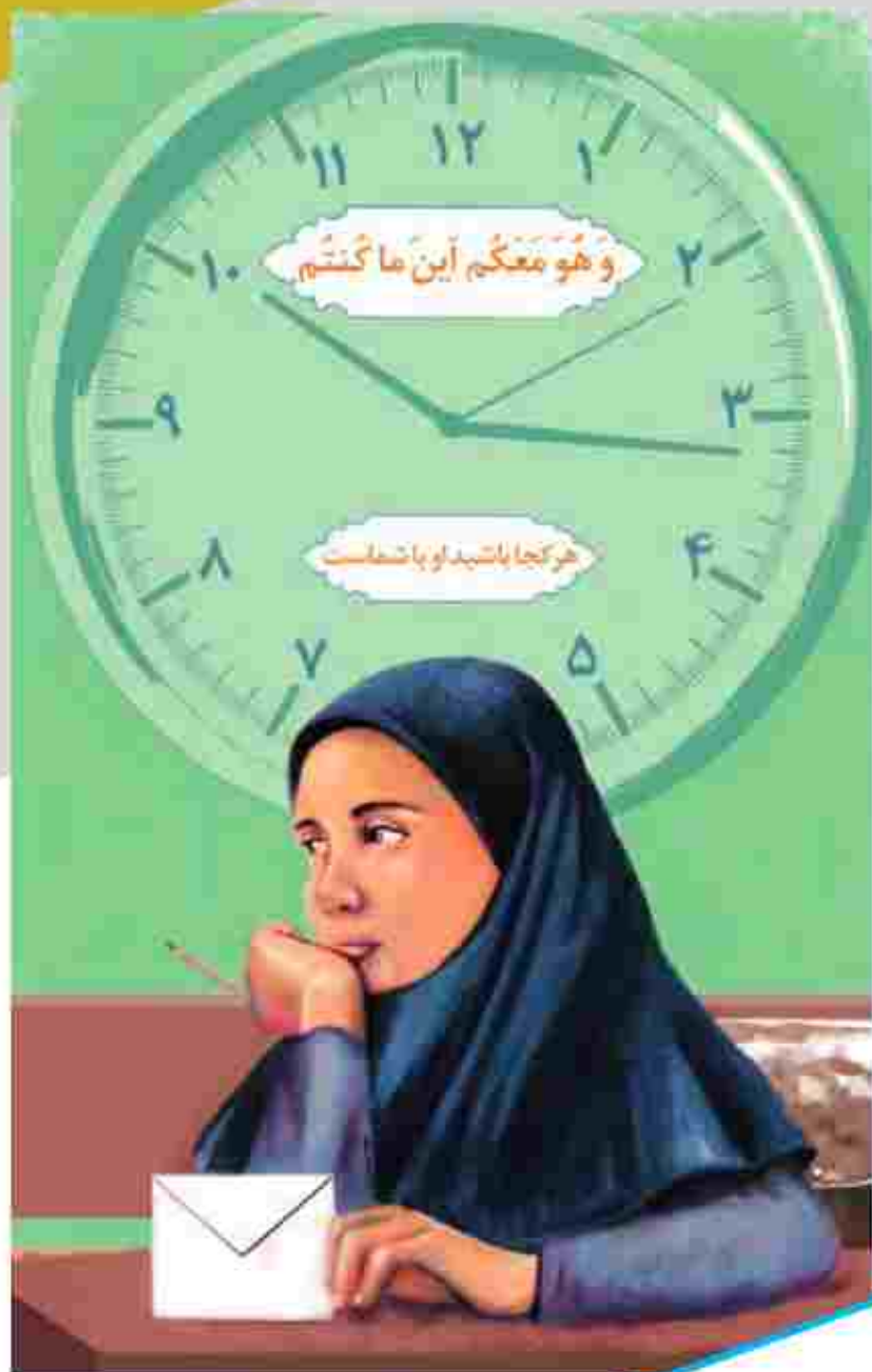
♦ **درس اول (یشای مهربان):** خداوند ناظر تعامی اعمال ماست و همواره نسبت به کارهای ما بینا و متواضع است. او محافظ ما در برابر خطرات و گرفتاری‌هاست. این درس به ما می‌آموزد که وظیفه ما در برابر این نعمت خداوند، شکرگزاری از او و استفاده صحیح و بجا از نعمت‌هاست.

♦ **درس دوم (استعانت از خداوند):** تمام جهان هستی در دست خداوند است و بلاخره از او قدرتی وجود ندارد؛ بنابراین انسان باید از کمی کمک بخواهد که بیشترین قدرت را دارد. این درس شیوه‌های کمک خواستن از خداوند را می‌آموزد.



فصل اول

# خداشناسی



وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ

هَرَجًا يَأْتِيهِمْ لِيُؤْتُوا مَسَاسِدَهُمْ



دقایق آخر کلاس، خانم فهیمی چند پاکت نامه به نماینده کلاس داد و گفت: این پاکت‌ها را به بچه‌ها بدهید. سپس گفت: بچه‌ها داخل پاکت‌ها سؤال مسابقه این ماه است که باید آن را در خانه جواب دهید و هفته آینده بیاورید. مسابقه این ماه یک تفاوت با مسابقه‌های قبلی دارد؛ یعنی یک شرط دارد؛ شرطش این است که شما باید در جایی پاکت‌ها را باز کنید و به سؤال مسابقه پاسخ دهید که کسی شما را نبیند.  
آن روز تا زنگ آخر در این فکر بودم که پاکت مسابقه را کجا باز کنم؟ ...

هفته بعد بچه‌ها پاکت‌های مسابقه را تحویل دادند. وقتی پاکت‌ها جمع شد، خانم فهیمی پرسید: همه پاکت‌هایشان را تحویل دادند؟

ما هم یک صدا و بلند گفتیم: بله.

ناگهان یکی گفت: خانم اجازه؟ من نیآوردم.

همه تعجب کردیم. مریم بود، مریم احمدی. او دانش آموز منظم و درس‌خوانی بود و به مسابقه خیلی علاقه داشت.

خانم فهیمی گفت: چرا جواب را نیآوردی؟ مگر خودت هر هفته از من سراج مسابقه را نمی‌گرفتی؟  
♦ چرا! من هم خیلی دوست داشتم برنده مسابقه باشم. خیلی هم فکر کردم، ولی هرچه گشتم نتوانستم جایی را پیدا کنم که هیچ‌کس مرا نبیند.

من تازه متوجه پاسخ اصلی مسابقه شدم و منظور مریم را فهمیدم. یا خودم گفتم: چرا من به این نکته توجه نکردم؟

خانم فهیمی ناگهانی به بقره بچه‌ها کرد و گفت: بچه‌ها! مسابقه این ماه فقط یک برنده دارد.... هفته بعد که خانم فهیمی جایزه مریم را داد، بعد از پایان کلاس با اصرار بچه‌ها، مریم جایزه‌اش را باز کرد. یک ساعت دیواری که روی صفحه آن با خطی زیبا نوشته شده بود:

وَهُوَ تَعَكُّمَ آيِنَ مَا كُنْتُمْ

هر کجا باشید او با شماست.



خداوند مهربان‌ترین است و از حال همه خبر دارد، او چون همه ما را بسیار دوست دارد، از ما و تمامی آفریده‌هایش به خوبی مراقبت می‌کند.

قَالَهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ<sup>۲</sup>

خداوند بهترین نگهدارنده است و ارهم‌بان‌ترین مهربانان است.



اِذَا كَانِي اَسْمَانِهَا بِه دَلِيلِ بِي دَقْتِي يَا كَادَانِي وَ كَاهِي هَم بِه دَلِيلِ اِمْتِحَانِ هَيَا اَلِهِي دِجَارِ جَادِيهِ  
می‌شوند.

### فقالیت کلاسی

خاطره‌ای از خود یا اطرافیان‌تان تعریف کنید که توجه و مراقبت ویژه خداوند در آن مشاهده شده است.

### نشانه‌های محبت

به نظر شما علاوه بر مراقبت و توجه دائمی، چه نشانه‌های دیگری از محبت خداوند نسبت به ما وجود دارد؟

۱- سوره حديد آيه ۲۰  
۲- سوره بقره آيه ۲۶۴

خداوند مهربان انسان را بر سایر موجودات برتری داده و با بدل نعمت‌هایی ارزشمند، راه رسیدن به دستگیری را برای او هموار ساخته است. نعمت‌هایی که هر کدام نشان‌دهی از محبت خداوند به انسان است و بدون آنها زندگی برای او بسیار سخت و دشوار خواهد بود. آیا تاکنون به بازی یک کودک در میان هم‌سالانش توجه کرده‌اید؟ به دعاها و خرامته‌هایشان چطور؟

وقتی چشمان کودک به اسباب بازی دیگران می‌افتد، می‌خواهد آن را بردارد و اگر نتواند این کار را بکند، شروع به سر و صدا یا گریه می‌کند. برای او فرقی نمی‌کند که اسباب بازی مورد علاقه‌اش مال کیست. او فقط می‌خواهد اسباب بازی را بردارد و خودش با آن بازی کند. حتی اگر با گرفتن آن، کودک دیگری به گریه بیفتد.

ولی وقتی همین کودک بزرگ می‌شود، یاد می‌گیرد به حقوق دیگران احترام بگذارد و چیزی را بدون اجازه صاحبش برندارد. او وقتی می‌بیند کودکی گریه می‌کند، برای خوشحالی او و وسایل خودش، راهی او می‌دهد و به این کار افتخار هم می‌کند.

بنابراین خداوند مهربان ما را طوری آفریده است که به مردمی توانیم کارهای خوب را یاد بگیریم و انجام دهیم و کارهای بد را بشناسیم و از آنها دوری کنیم.

### فعالیت کلاسی

توانایی یادگیری، یکی از هزاران نعمتی است که خداوند به ما داده است. به کمک هم کلامی‌های خود چند نعمت دیگر را که مخصوص انسان است، نام ببرند.

### شکرگزاری

حال که خداوند این همه به ما ترحم دارد و بزرگ‌ترین نعمت‌ها را به ما داده است، وظیفه ما چیست؟

ما چگونه می‌توانیم شکرگزار نعمت‌هایی ارزشمند و بی پایان خداوند باشیم؟

وقتی کسی در انجام کاری به ما کمک می‌کند، به او می‌گوییم: «متشکرم» و یا در حق او دعایی می‌کنیم. در برابر نعمت‌های خداوند نیز گاهی به زبان می‌گوییم «الحمد لله». این ساده‌ترین نوع تشکر است، که به آن «شکر زبانی» گفته می‌شود.

علاوه بر شکر زبانی، راه دیگری نیز برای تشکر و شکرگزاری وجود دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

♦ ۱ | نهمه هوش بالایی دارد و لزان برای یادگیری قرآن و مطالب فزیمی استفاده می‌کند.



- ۲♦ بیژاد جسم تو مندی دارد، به همین دلیل به هر کس که می‌رسد زور می‌گوید.
- ۳♦ میخندد از هر فرصتی برای کمک به پدرش استفاده می‌کند.



در تعاضی موارد فوق، هر کس با نعمت‌هایی که دارد، به گونه‌ای رفتار کرده است، استفاده صحیح و بیجا از نعمت، شکر نعمت (شکر عملی) و استفاده ناصحیح از آن، نامیاسی در برابر خداوند است.

## نتایج شکرگزاری

با شکرگزاری، خداوند ته تنها از ما راضی می‌شود بلکه نعمت‌های بیشتری نیز به ما می‌دهد.

## لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

اگر شکرگزاری کنید، ما قطعاً [نعمت‌ها را] برایتان زیاد می‌کنیم.

شکر نعمت، نعمت افزون کند      کفر، نعمت از کفایت بیرون کند

البته باید توجه داشته باشیم شکر واقعی این است که از نعمت‌های خداوند در راه نافرمانی او و انجام کارهای حرام استفاده نکنیم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

شکر نعمت آن است که از آنچه خداوند حرام کرده است دوری کنی.

### فعالیت کلاسی

جدول زیر را کامل کنید.

نمونه‌های نعمت	شکر نعمت	نعمت خداوند
	بیرونی از فرمایش‌های آنها	پیامبران و امامان
	اجترام به معلم	معلم
دروغ گفتن		زبان
		محوش

کتابخانه: *کتابخانه*  
تاریخ: *...*



## خودت را امتحان کن

- چرا برخی انسان‌ها با وجود اینکه خداوند از آنها مراقبت می‌کند، دچار حادثه می‌شوند؟
- استفاده صحیح از نعمت..... و استفاده ناصحیح از نعمت..... است.
- شکر واقعی نعمت چیست؟ توضیح دهید.

امام صادق (ع) روزی با یاران خود نشسته بود، مردی آمد و گفت: فقیرم، کمکم کنید.

امام از طرف انگوری که مقابلش بود خیمه‌ای برداشت تا به او بدهد.

♦ انگور می‌خواهم چه کار؟! پول بدهید!

آن حضرت انگور را برگرداند و فرمود: خداوند ان‌شاءالله مشکلات را حل کند!

مرد فقیر رفت ولی خیلی زود بازگشت.

♦ همان انگور را بدهید.

امام این بار چیزی به او نداد و فقط همان دعا را تکرار کرد. خداوند ان‌شاءالله مشکلات را حل کند.

کمی بعد، مرد فقیر دیگری آمد.

♦ فقیرم، کمکم کنید...

امام حسامی (ع) چند دانه انگور به او داد. آن مرد انگورها را گرفت و گفت: مپاس خدایی را که مرا روزی داد.

امام به محض شنیدن این سخن، فرمود: همان چایمان.

مپاس دوست خود را پر از انگور کرد و به او داد. مرد فقیر گفت: الْجَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام دوباره فرمود: همان جا بمان.

میس از یکی از همراهان خود پرسید: چه مقلدان پول به همراه داشتی؟

♦ بیست مکه

♦ همه را از طرفه من به این مرد بده.

مرد فقیر مسکها را گرفت و گفت:

♦ خدایا، شکر و سپاست می گویم. اینها همه از توست. بگانه ای و هیچ شریکی

نداری.

امام باز فرمود: همان جا بمان.

آن گاه عیبی خود را به او داد و فرمود: این عیب را بپوش.

مرد فقیر آن را پوشید و گفت: خدایوند به شما خیر دهد.

مرد یا خوشحالی بازگشت و امام با نگله مهربان خود او را بدرقه کرد.



ای خداوند مهربان که مرا آفریدی  
 و به من نعمت‌های بسیار دادی،  
 سپاسگزار نعمت‌های تو هستم؛  
 تو را سپاس می‌گویم که مرا آفریدی؛  
 تو را شکر می‌گویم که مراد را من پر مهر خانواده  
 پروردی؛

و غذای گوارا روزی‌ام کردی،  
 اینک ای خدای مهربان، به من توفیقی بده  
 تا با زبان، گوش و چشم خود کار حرامی انجام  
 ندهم  
 و همواره سپاسگزار واقعی نعمت‌هایت باشم.

ترجمه اگر بنخواهی می‌توانی چند جمله یا پروردگارت  
 میخند بگویی

.....  
 .....



استعانت<sup>۱</sup> از خداوند

روزی عذّه ای از درباریان هارون (خلیفه مغرب و ظالم عباسی) در حضورش نشسته و مشغول چایپلومی بودند که بهلول زیرک وارد شد.

هارون رو به بهلول کرد و گفت: ای بهلول مدت زیادی است که ما را می شناسی و به دربار ما می آیی؛ اما برخلاف دیگران، تاکنون چیزی از ما نتخواسته ای. امروز از ما چیزی بخواه تا به تو ببخشیم!

بهلول درنگی کرد و گفت: ای خلیفه بزرگ، بگران گناهانم هستم. می ترسم در روز قیامت باعث عذاب شومند. از شما می خواهم گناهان مرا ببخشید.

خلیفه خنده ای سر داد و گفت: ای نادان، من نمی دانم نخودم در روز قیامت چه حال و روزی خواهم داشت. چگونه در آن روزه تو را نجات دهم؟ چیز دیگری بخواه.

♦ ای خلیفه، من زود بیمار می شوم. از شما می خواهم بیماری ها را از من دور کنید. هارون با نازاحتی گفت: این کار هم از من مباحته نیست. چیز دیگری بخواه.

♦ جناب خلیفه، این کشور پهناور و همه ساکنانش فرمانبردار شما هستند. من هر وقت می خواهم استراحت کنم، پشه ها و مگس های مزاحم، اذیتم می کنند و نمی گذارند بخوابم. اگر ممکن است به آنها دستور دهید یا من کاری نداشته باشم تا بتوانم راحت استراحت کنم.

هارون که از عصبانیت نمی توانست خردش را کنترل کند، فریاد کشید: نادان! اینها چیست که از ما می خواهی؟ چرا کارهایی را از ما می خواهی که انجامشان از هیچ کس بر نمی آید؟ نکند ما را مسخره کرده ای؟

بهلول آرام و استوار جواب داد: جناب خلیفه، من قصد مسخره کردن شما را نداشتم. فقط...  
بهلول این را گفت و سپس در میان سکوت و حیرت اطرافیان قصر را ترک کرد.

- ♦ به نظر شما، بقلول از این درخواست‌ها چه منظوری داشت؟
- ♦ اگر شما جای بقلول بودید، چه درخواست‌های دیگری مطرح می‌کردید تا ناتوانی هارون را به وی نشان دهید؟

ما در هر شبانه‌روز، صیبت کم‌ده مرتبه سوره حمد را می‌خوانیم و در آن می‌گوییم:

[خدایا] تنها تو را می‌پرستیم  
و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

إِنَّا لَكَ نَبِئُونَ  
وَإِنَّا لَكَ نَسْتَعِينُ



اگر کسی به زندگی روزانه خود فکر کنیم، درمی‌یابیم که ما نمی‌توانیم تمام نیازهای زندگی خود را به تنهایی برطرف کنیم. ما برای حل مشکلات، نیازمند کمک دیگران هستیم. از طرفی دیگران نیز همگی مانند ما هستند و فقط خداوند، بدون آنکه نیازی داشته باشد، می‌تواند به همه یاری برساند. حال ما چگونه می‌توانیم از یاری خداوند برخوردار شویم؟

### راه‌های بهره‌مندی از یاری خداوند

♦ **صبر و تقوا:** یکی از راه‌هایی که می‌توان یاری خداوند را جلب کرد، صبر کردن و تقوا داشتن است. اگر ما بتوانیم در برابر مشکلات و سختی‌ها، صبر کنیم و در هر موقعیتی، از گناهان دوری کنیم، خداوند بیش از پیش، یاری خود را نصیب ما خواهد کرد. به نمونه صفحه بعد توجه کنید:



بعد از جنگ احد، دیگر برای مسلمانان رمقی باقی نمانده بود. تعداد زیادی شهید و یقیناً هم به سختی مجروح شده بودند. لشکر مشرکان که پس از جنگ، در راه بازگشت به مکه بودند، با خود گفتند: اکنون که پیروز شده‌ایم، چرا کار را یکسره نکنیم؟ بهتر است به مدینه حمله کنیم و مسلمانانی که زنده مانده‌اند را بکشیم و دارایی‌های شهر مدینه را نیز غارت کنیم. یا این کار برای همیشه خیال ما از محقر و پیروانش آسوده خواهد شد...

خیلی زود به مسلمانان خبر رسید که لشکر مشرکان دوباره به طرف آنها در حرکتند.

شرایط بسیار سختی به وجود آمده بود. آنان دیگر توان جنگیدن نداشتند.

در حالی که مسلمانان ناامید شده بودند، ناگهان فرشته وحی برای پیامبر اکرم ﷺ پیام مهمی آورد:

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا  
وَيَأْتِيَكُم مِّن قَوْمٍ هُدًى

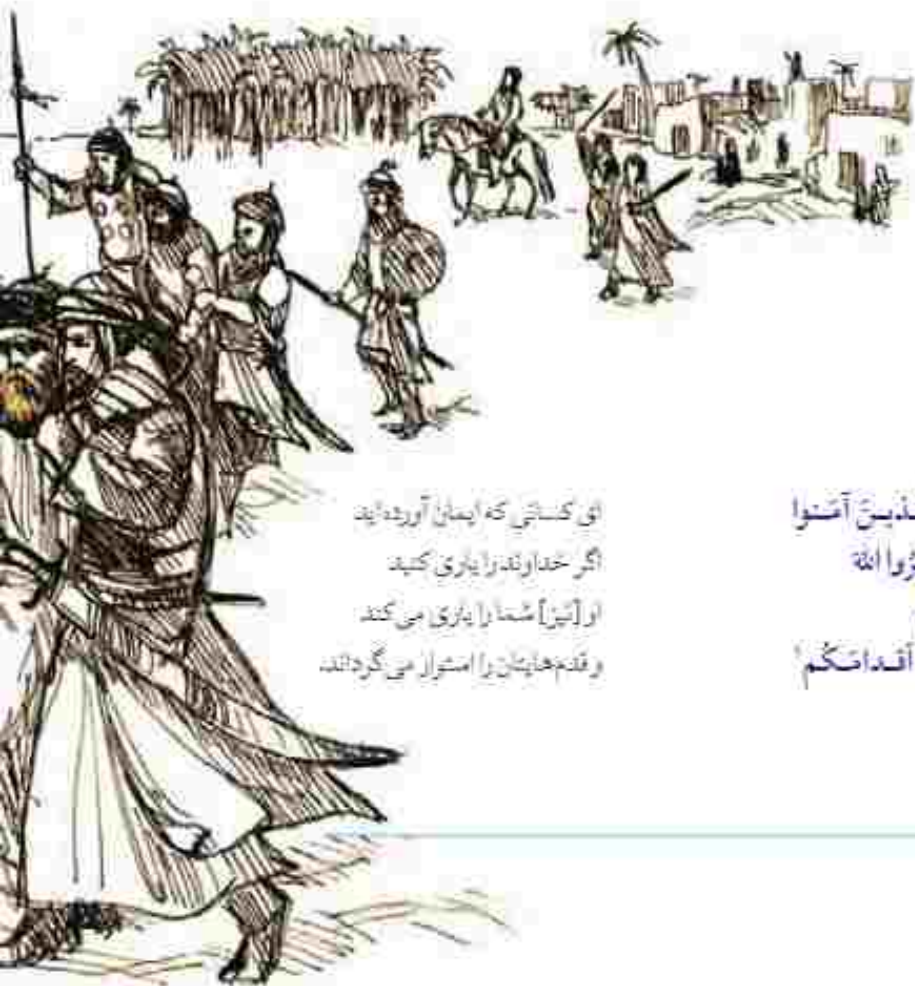
آری، اگر صبر کنید و تقوا پیشه نمایید،  
هنگامی که دشمنان با خروش و خروشان بر شما  
بنازند.

يُسَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ  
بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُتَوِّبِينَ

پروردگارتان شما را یاری خواهد کرد  
با پنج هزار نفر از فرشتگان  
که نشانه‌هایی با خود دارند.

این پیام به مسلمانان چنان روحیه‌ای بخشید که حتی زخمی‌ها هم برای نبرد به راه افتادند. مشرکان که نمی‌توانستند باور کنند این لشکر امیدوار و با روحیه همان لشکر شکست خورده باشد، به گمان اینکه لشکری تازه نفس به سراغشان آمده است، از وحشت پا به فرار گذاشتند. آری، صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و جبران اشتباه و غفلت خود در جنگ احد آنان را شایسته این پیروزی کرد.

❖ ۲ یاری دادن خداوند خداوند خداوند به کسانی که او را یاری کنند وعده یاری داده است. منظور خداوند از یاری او، توسط ما بندگان، یاری دین اوست؛ یعنی ما یا جهاد در راه خدا، دفاع از دین یا جان و اموالمان و یا عمل به مشورات خداوند در انجام واجبات و ترک محرمات، در واقع خداوند را یاری کرده ایم و موجب ثبات و پایداری دین او شده ایم. این کار آن قدر نزد خداوند ارزشمند است که آن را یاری خودش دانسته است و در مقابل، وعده یاری و کمک قطعی به کسانی داده است که او را یاری می کنند.



ای کسانی که ایمان آورده اید  
اگر خداوند را یاری کنید  
او [تین] شما را یاری می کند  
و قدم های پتان را استوار می گرداند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
إِنْ تَصُورُوا اللَّهَ  
يَنْصُرْكُمْ  
وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ



۱۳ دعا: یکی از مهم‌ترین و ساده‌ترین راه‌ها برای جلب یاری خداوند، دعا کردن است. خداوند  
مهربان درباره دعای بندگانش می‌فرماید:

و پروردگارتان گفته: مرا بخوانید  
تا [دعای] شما را بپذیرم.

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي  
أَسْتَجِبْ لَكُمْ



این آیه به روشنی نشان می‌دهد که دعای هیچ یک از بندگانش از خداوند پنهان نمی‌ماند و او  
در خواست هیچ کس را این پاسخ نمی‌گذارد، البته گاهی اوقات از خداوند چیزهایی را درخواست  
می‌کنیم که به مصلحتمان نیست. خداوند که بیشتر از هر کس دیگری از سود و زیان ما آگاه است،  
به جای خواست ما چیزی را که مفیدتر و مناسب‌تر است به ما می‌دهد. رسول خدا ﷺ درباره  
این گونه دعاهای فرماید:

هیچ مسلمانی خداوند را نمی‌خواند مگر اینکه دعایش یا در همین دنیا مستجاب می‌شود، یا  
خداوند آن را برایش در روز قیامت ذخیره می‌کند و یا در برابر آن دعا، بخشی از گناهانش را  
می‌آورد.<sup>۱</sup>



یکی از بهترین حالت‌هایی که دعا در آن مستجاب می‌شود، هنگام نماز است. نمازگزار در  
بخش‌های مختلف نماز با خداوند سخن می‌گوید و از او یاری می‌طلبد. در این حال که آسمان  
به خداوند توجه بیشتری دارد، خداوند نیز با لطف و رحمت بیشتری با او رفتار می‌کند.

### فقالبت کلاسی

بمنظر شما چه کارهایی دیگری موجب جلب یاری خداوند می‌شود؟ به کمک  
دوستان خود موارد دیگری را نام ببرید.

۱. عبودة محمد، ص ۲۰۶.  
۲. صحیح بخاری، ج ۱۰، ص ۳۲۹.



## خودت را امتحان کن

- ۱ توضیح دهید چرا بهلول هرگز چیزی از هارون درخواست نمی‌کرد؟
- ۲ آیا خداوند همه دعاهای ما را مستجاب می‌کند؟ توضیح دهید.
- ۳ خداوند در جنگ احد، مسلمانان را با چه شرایطی یاری کرد؟
- ۴ توضیح دهید ما چگونه می‌توانیم خداوند را یاری دهیم.

## امداد فسی

چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، نیمه‌های شب در حالی که مردم خوابیده‌اند، هواپیماهای بالگردهای آمریکایی مخفیانه وارد ایران می‌شوند و پس از پیمودن هزار کیلومتر در اطراف شهر مفس فرود می‌آیند. آنان می‌خواهند بناموسان آمریکایی را که در ایران دستگیر شده‌اند، آزاد کنند و سپس با همپایان جمعی از (مترادف امام خمینی) و کودتایی نظامی در ایران، حکومت را در پیله به دست بگیرند.

آمریکایی‌ها بهترین تکنورهای خود را پنج ماه آموزش حتی ویژه‌دهنده‌اند تا بتوانند این مأموریت مهم را با پیروزی پشت سر بگذارند.

مهاجره‌های اداره هواشناسی مرکزی آمریکا هوای امشب ایران را کاملاً صاف و مهتابی اعلام کرده‌اند.

برای اینکه این عملیات سری فاش نشود آنها باید بلافاصله پس از سرخسگری دوباره به پرواز درآیند و قبل از روشن شدن هوا کار را پاکسره کنند.

ظاهراً همه چیز طبق نقشه پیش می‌رود و از همین حالا باید عملیات را تمام شده دانست که ناگهان:

طوفان شدیدی تمام منطقه را فرا می گیرد. تندباد صحرایی دانه های ریزش را با خود همراه می کند و در یک چشم به هم زدن همه را زمینگیر می کند. دیگر چشم چشم رانسی بیند. طوفان شن رالارهای پشرفته را هم از کنار انداخته است. فرمانده با تلاش فریاد با وزارت جنگ آمریکا تماس می گیرد

«این چه وضعیتی است؟ مگر شما هوا را پیش بینی نکرده بودید؟ ما اینجا گیر افتاده ایم! اینجا جهنم است! از جهنم هم بدتر! هر چه زودتر دستور نجاتی را صادر کنید. اگر این وضع ادامه پیدا کند باید ۱۰۰۰۰ و دویازده ارتباط قطع می شود.

در این حال، یکی از یالگرها که برای سوختگیری به هواپیمای سوخت رسانی نزدیک می شود، به دلیل عدم دید کافی با هواپیماهای دیگر برخورد می کند. ناگهان با صدایی عجیب تمام جنح را روشن می شود. خلبان و هشت نگار در یک چشم به هم زدن کشته می شوند.





مسئله نکلورها و حشمت زده از بالگردها پایین می پرند و فرار می کنند. هرکس سعی می کند جان خودش را نجات دهد. دو بالگرد دیگر که هم زمان قصد فرار دارند. یکدیگر را نمی بینند و در یازده صدایی مهیب ...

آتش انفجار بالگردها و مهمات درین آنها، هواپیداها و بالگردهای دیگر را هم به آتش می کشد و ...

چه کسی باور می کند؟! هواپیماها و بالگردهایی که در هیچ جنگی شکست نخورده بودند، تمام آن پیش بینی ها و تمرین ها، آن همه مهمات و نیروها، ... دانه های ریز شدن همه را شکست داد. این همان اتفاقی است که رئیس جمهور آمریکا پس از مدت ها درباره آن می گوید: من هنوز هم کنیوس وحشاک طیس را می بینم!

در ماجرای شکست آمریکا در طیس، خداوند بندگان خود را به دلیل قیام برای یاری دهن، یاری کرد. ماجرای که نمونه آن بارها در تاریخ تکرار شده است. یکی از این موارد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است جنگ خندق است. در این جنگ خداوند یزاقی شکست مشرکان و خلیج کردن مسلمانان از محاصره تلبادی را فرستاد که لشکر مشرکان را از هم پاشید و آنان را مجبور به عقب نشینی کرد:

ای کسانی که ایمان آورده اید،

نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید

که وقتی لشکر یابی الجوه [برای تلبودیتان] به سراغ شما آمدند.

پس ما بر آبلان تلبیلا فرستادیم

و مبدیانی که شما آنها را نمی دیدید.

[تا بداند که] خداوند به آنچه می کنید بینامست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودُ

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا

وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا

وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

۱) سوره قیل را بخوانید و شباهت‌های میان آن و ماجرای طیس را در کلاس برای دوستانتان بیان کنید.



۲) آیا می‌دانید تنها شهید واقعه طیس چه کسی بود و چگونه به شهادت رسید؟ در این باره تحقیق کنید.



ای نعمت دهنده! و ای اجابت کننده دعاها!  
 به سوی تو می شتابم؛  
 تو را صدا می زنم؛  
 به تو پناه می برم؛  
 از تو یاری می خواهم؛  
 به تو ایمان می آورم؛  
 تو نیز یاری ام کن آنچه را می خواهم؛ تنها از تو  
 بخوام.  
 تو ای که اگر بخوای نعمت می دهی، و اگر  
 بخوای محروم می کنی!  
 مرا از دریای نعمت هایت سیراب کن.

تو هم اگر بخوای می توانی چند جمله یا پروردگارت  
 سخن بگویی:

.....  
 .....

«هدیه‌های آسمان» به ما آموخت که ما غیر از زندگی در این دنیا، در جهان دیگری به نام آخرت به زندگی خود ادامه خواهیم داد. همچنین آموختیم که پاداش تمامی کارهای خود - چه کوچک و چه بزرگ - را در جهان آخرت به صورت کامل دریافت خواهیم کرد. در کتاب «پیام‌های آسمان» با دو موضوع دیگر درباره معاد آشنا می‌شویم:

♦ **درس سوم (تلخ یا شیرین):** انسان زیرک کسی است که برای زندگی خود در جهان آخرت توشه فراهم کند و همواره به فکر زندگی ابدی خود باشد. در این درس بیان می‌شود که اگر فقط سرگرم زندگی این دنیا شویم، سرانجامی جز حسرت و پشیمانی نخواهیم داشت.

♦ **درس چهارم (عبور آسان):** کسانی می‌توانند به راحتی از این دنیا به جهان دیگر منتقل شوند که کارهای نیک انجام دهند. این درس سه نمونه از این کارها را به ما معرفی می‌کند؛ یکی به پدر و مادر، خوش اخلاقی و همدردی دادن.



فصل دوم

معاد





## زیرک

بر روی تخت گران قیمت قصر نشسته بود و به حادثه‌های عجیب امروز فکر می‌کرد:

«این دیگر چه زمعی است؟ چرا مردم شهر همگی در مقابل دروازه شهر جمع شده بودند؟ چرا تا مرا دیدند، به طرفم دویدند؟ چرا مرا روی شاه‌هایشان نشاندند و به قصر آوردند؟ مگر این شهر حاکم و فرمانروا ندارد؟ شاید مرا یا مشخص دیگری اشتباه گرفته‌اند!...»

همه چیز برایش مثل یک رؤیا بود، نمی‌توانست باور کند؛ صبح وقتی برای اولین بار وارد این شهر می‌شد، مسافری تنها و خسته بود و امشب، سلطان مردم این مرز و میاب!

روزها یکی یکی می‌آمدند و می‌رفتند، ولی کمی به پرسش‌های پادشاه جزایب درستی نمی‌داد. این رفتار مرموز اطرافیان، او را بیشتر نگران می‌کرد، تا اینکه روزی...

منخبانه لباس مردم عادی شهر را پوشید و از قصر بیرون رفت.

همین طور که قدم‌زنان به اطراف نگاه می‌کرد، از بازار شلوغ شهر سر درآورد. در شلوغی و سروصدای بازار، هر کس مشغول کاری بود، با کجکامی به اطراف نگاه می‌کرد که ناگهان گرمی دمی را روی شاه‌هایش احساس کرد. سر جایش میخ کوب شد. سرش را که برگرداند پیرمرد مهربانی را دید.

♦ «جناب سلطان! شما اکنون باید در قصر باشید. یا این سر و وضع در بازار چه می‌کنید؟!» دست و پایش را گم کرد، نمی‌دانست چه جوابی بدهد. پیرمرد او را شناخته بود، بریده بریده گفت: می‌خواستم، می‌خواستم، آخر می‌دانید....

پیرمرد لیچندی زد و گفت: از روز اول هم معلوم بود که آدم زیرکی هستید. حتماً می‌خواهید بدلیل در این شهر چه خیر است و علت رفتار عجیب مردم این شهر چیست. حالا خوب گوش کنید تا من برایتان توضیح دهم.

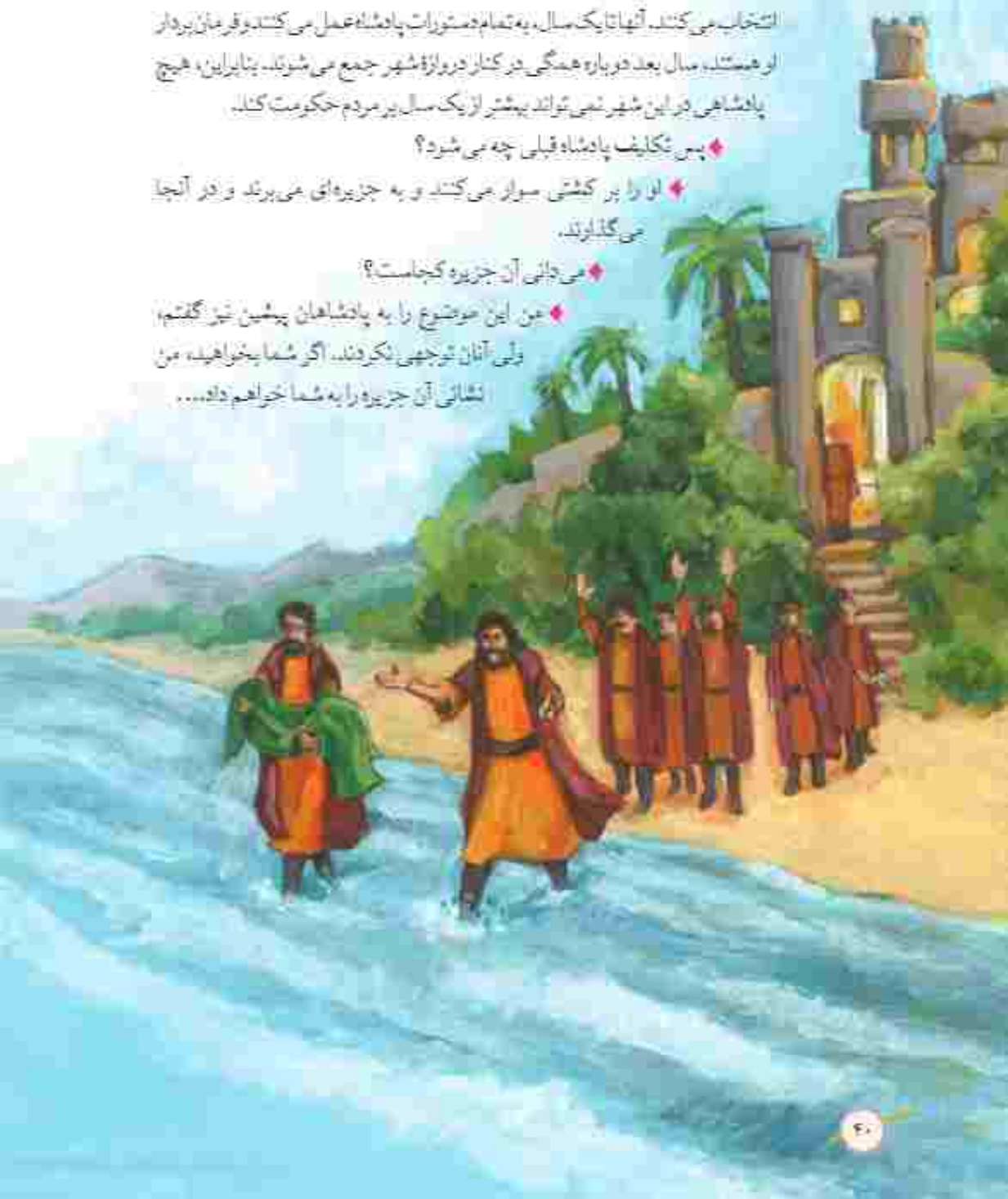
مردم این شهر طبق رسم قدیمی، در روز معینی کنار دروازه شهر جمع می‌شوند. آنان اولین کسی که وارد شهر می‌شود را به دولت‌ش می‌گیرند و او را به عنوان پادشاه خرد انتخاب می‌کنند. آنها تا یک سال، به تمام دستورات پادشاه عمل می‌کنند و فرمان‌بردار او هستند. سال بعد دوباره همگی در کنار دروازه شهر جمع می‌شوند. بنابراین، هیچ پادشاهی در این شهر نمی‌تواند بیشتر از یک سال بر مردم حکومت کند.

♦ پس تکلیف پادشاه قبلی چه می‌شود؟

♦ او را بر کشتی سوار می‌کنند و به جزیره‌ای می‌برند و در آنجا می‌گذارند.

♦ می‌دانم آن جزیره کجاست؟

♦ من این موضوع را به پادشاهان پیشین نیز گفتم. ولی آنان ترجیحی نکرده‌اند. اگر شما بخواهید، من نشانی آن جزیره را به شما خواهم داد...



آن شب تا نزدیک صبح در قصر قدم می‌زد و فکر می‌کرد:  
 می‌توانم تا سال بعد در این قصر در کمال آسایش زندگی کنم و از حکومت لذت ببرم. الان همه  
 چیز شهر در اختیار من است. اصلاً نیلی ندارد یا فکر کردن به آینده، خودم را ناراحت کنم ...  
 اما فقط یک سال! بعد از آن چه کار کنم؟ اگر بخوانم این یک سال را به خوش گذرانی بپردازم،  
 در آن جزیره بدون آب و غذا، بدون خانه و سریناق چگونه زندگی کنم؟  
 انتخاب سختی بود. آسایش یک ساله و رفح همیشگی یا یک سال زحمت و در غرض و راحتی  
 همیشگی؟

بالاخره نزدیک صبح تصمیمش را گرفت:

از فردای آن روز، در کنار

رسمیگی به کارهای مردم

و تلاش صادقانه برای

حل مشکلات آنان،



با راهنمایی های پیر مرد دانا، چند دوست قابل اعتماد پیدا کرد و برنامه اش را برای آنان توضیح داد. او تمام هدایایی را که مردم شهر می آوردند، به دوستان نزدیکش می داد تا با آنها برایش مصالح ساختمانی، نهال های درختان و گله های گوسفند خریداری کنند. او هیچ چیز از اموالش را در قصر نگه نمی داشت.

از آن پس هر چند روز یک بار، بدون اینکه کسی خبردار شود، یک کشتی از ساحل شهر به جزیره می رفت و مصالح ساختمانی، نهال های درختان و گله های گوسفندان را با خود به آنجا می برد. کشاورزان و کارگران مورد اعتماد پادشاه نیز هر روز به همراه خدمتکاران نزدیک وی به جزیره می رفتند و...

همه چیز طبق برنامه پیش می رفت تا اینکه یک شب نیمه های شب ناگهان احساس کرد نمی تواند کمینش را حرکت دهد. چشمانش را که باز کرد با صحنه عجیبی روبه رو شد. نگهبانان قصر دست و پای سلطان را بسته بودند و می خوامند او را با خودشان ببرند.

♦ ببخشید جناب سلطان! دوره یک ساله حکومت شما به پایان رسیده است و شما همین حالا باید به همراه ما بیاید.

♦ کمی به من فرصت بدهید تا آماده شوم.

♦ متأسفانه چنین چیزی ممکن نیست.

♦ پس لااقل بگذارید وسایل شخصی ام را بردارم....



♦ خبلی متأسفم! ما چنین اجازه ای نداریم. دوره حکومت شما تمام شده و ما باید شما را در هر حالی که باشید به همراه خود ببریم.

وقتی او را از در قصر بیرون می بردند، در میان جمعیت انبوهی که آمده بودند تا برای آخرین بار پادشاه را ببینند، چشمش به پیر مرد دلموز و دانا افتاد که با رضایت به او نگاه می کرد.

همین که کشتی به جزیره رسید، مأموران، سلطان را نزدیک ساحل به آب انداختند و بازگشتند. آنها نمی دانستند که عده زیادی در جزیره منتظر ورود دوست عزیزشان، یعنی پادشاه هستند و قصر بزرگ و زیبای او را که در میان باغی قرار داشت برای آمدنش آماده اند.

سال ها بعد، مردم آن شهر بزرگ از دریا نوردان می شنیدند که در وسط دریا شهری زیبا و بی نظیر هست که...

الف) به نظر شما اگر پادشاه زیگ به جای کنار و زحمت یک مسأله خوش گذرانی و زندگی راحت در قصر را انتخاب می‌کرد، چه سرانجامی در انتظار او می‌بود؟  
 ب) اگر کمی فکر کنیم در می‌یابیم که داستان زیگ شباهت‌های زیادی با زندگی خود ما در دنیا دارد، این شباهت‌ها را پیدا کنید و مانند نمونه، جاهای خالی زیر را پر کنید:

۱) زیگ که اولین یاربه آن شهر آمده بود، به راهنمایی نیاز داشت، ما نیز که تنها یک بار به این دنیا می‌آییم، برای خوشبختی نیازمند راهنمایی پیامبران هستیم.

۲) او می‌توانست تمام وقتش را به استراحت در قصر بپردازد، ما نیز ممکن است...

۳) زمان پادشاهی اش خیلی زود سپری شد، زمان زندگی ما...

۴) گمان نمی‌کرد که نگهبانان ناگهان نیمه شب به سراغش بیایند، ما نیز...

۵) نگهبانان هنگام رفتن به او اجازه هیچ کاری را ندادند، به هنگام رفتن ما نیز...



۶ او در آن جزیره زیبا در جایی زندگی می کرد که خردش ساخته بود.

...

۷ اگر زیرک وارد این شهر نمی شد، هرگز نمی توانست روزی پادشاه جزیره زیبا و ساکنان آن شود.

...

مشابهت ها را با مشهورت دوستان و راهنمای معلمان بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

## سرانجام زندگی

با توجه به شباهت های فراوانی که میان زندگی ما و زیرک وجود دارد، می توان گفت: این داستان تنها یک قصه مان ندارد بلکه هر کدام از ما می توانیم نقش این پادشاه را در زندگی خود بازی کنیم.

همان گونه که خواندیم حالت پادشاهان مختلف در هنگام رفتن از شهر به سوی جزیره، با یکدیگر متفاوت بود. وضعیت ما انسان ها نیز در هنگام رفتن از این دنیا به انسان های دیگر متفاوت است.



خداوند حکیم در قرآن می فرماید:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ

يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

همان کسانی که فرشتگان جانشان را  
بدر حالی که پاکند، می مثلند،  
آویزه آبلان می گویند، درود بر شما باد،  
به [پاداش] آنچه انجام می دادید به  
بهشت وارد شوید.

و در جای دیگری از قرآن کریم می فرماید:

وَلَوْ تَسَوَّغُوا آلَ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّلَامَةَ

يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

و اگر می ندادید هدیه ای که فرشتگان  
جان کافران را می گیرند  
به صورت و پشت هدیشان می زدند  
و می گویند! عذاب سوزان را بچشید.

به مفهوم این دو آیه توجه کنید. از مقایسه این دو آیه چه نتیجه ای می گیرید؟

کسانی که در زندگی خود به خدا و پیامبرانش ایمان دارند و به فکر زندگی پس از مرگ هستند  
مانند پادشاه زیرک اند که رفتن از شهره هیچ ترسی برایش نداشته؛ چرا که می داند در زندگی  
چلبه خرد نیز در آرامش و راحتی به سر خواهند برد.

اما کافران و بدکارانی که در تمام زندگی خود به گناه و سرپیچی از فرمان خدا می پردازند و برای  
سفر خود توشه ای آماده نمی کنند (اصلاً دوست ندارند از این دنیا بروند؛ زیرا می دانند مرگ برای  
آنها به معنای پایان خوشی ها و سر آغاز سختی هاست.

اکنون این پرسش باقی می ماند که ما باید در دنیا چه کارهایی انجام دهیم تا هنگام سفر به جهان  
آخرت با سلام و درود فرشتگان رویه رو شویم؟  
در درس بعد به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.

## خودت را امتحان کن



۱) چرا پادشاه زیرک از رفتن به جزیره هیچ ترمیمی در دهن نداشت؟

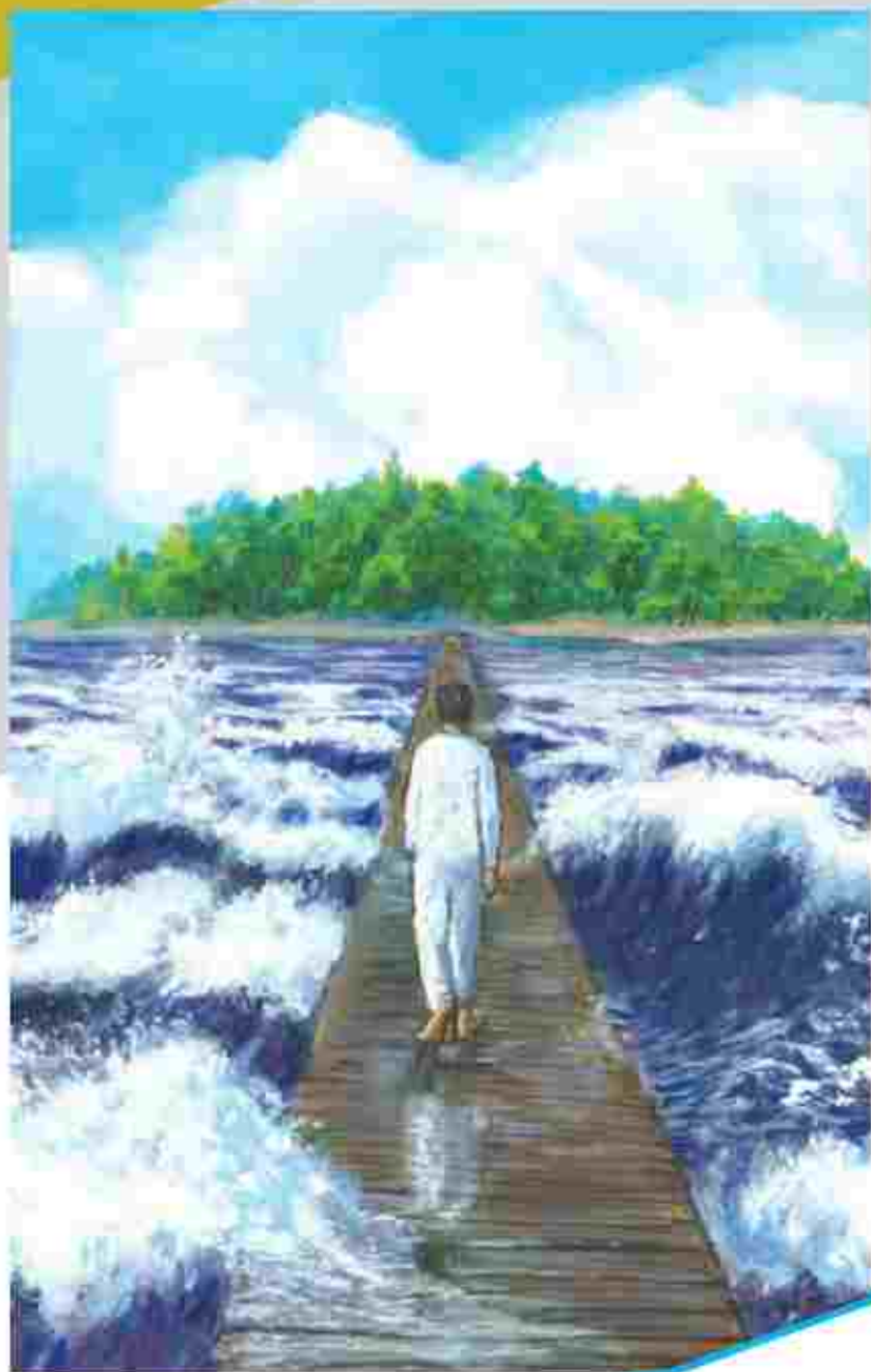
۲) مرگ برای چه کسانی وحشتناک و ناخوشایند است؟ چرا؟

۳) حالت مؤمنان را در هنگام مرگ توضیح دهید.



بر محمد و خاندانش درود فرست  
 و ما را آن گونه به انجام کارهای شبانه موفق کن  
 که در رسیدن به گوی تو حریص تر گردیم؛  
 طوری که مرگ برای ما خانه آراستی شود تا در  
 آن بنیاسیم؛  
 و جایی دوست داشتی که مشتاقانه بدان در آییم؛  
 پس چون مرگ را به ما نزدیک ساختی،  
 با دبدار آن ما را نیک بخت گردان،  
 و آمدنش را سب آراش ما کن  
 و آن را دری از درهای بخشش،  
 و کلیدی از کلیدهای رحمت خود گردان.

دعای امام سجاد علیه السلام در هنگام باد آوری مرگ،  
 سجده سجدیه، دعای پنجم.





مرفق از ایوب‌قر بر رسید؛ چرا اما از مرگ می‌ترسیم؟

ایوب‌قر جواب داد:

زیرا شما دنیا پستان را آباد کرده‌اید و آخرتتان را خراب و ویران؛ و معلوم است که دوست ندارید از آبادانی به ویرانی برسید.

### فعالیت کلاسی

آیا تاکنون به مرگ فکر کرده‌اید؟ به نظر شما چرا از شهدا همواره با افتخار یاد می‌شود؟

عده‌ای از رویه‌رو شدن با مرگ وحشت دارند، عده دیگری هم مرگ برایشان مانند رفتن به مراسم اهدای جایزه است. حال علت این تفاوت چیست؟ ما در این درس به بررسی کارهایی می‌پردازیم که انجام آنها منجر به آسانی زندگی در دنیا و آخرت می‌شود.

#### ❖ نیکی به پدر و مادر

«مداوا دیگر فایده‌ای ندارد! بیماری آن قدر پیش رفته است که آمیدی به بهبودی نیست.»

هنوز این جملات طبیعتاً تمام نشده بود که جوان دوباره به هوش آمد:

«نه! نه!... کمک! کمک کنید!... شما را به خدا نجاتم دهید...»

با وحشت به اطرافش نگاه می‌کرد و فریاد می‌کشید، این چندمین بار بود که تا به هوش می‌آمد با

التهام کمک می‌خواستند. گویا در این لحظات پیش از مرگ، چیزهایی زامی دید که نمی‌توانست

آنها را به زبان بیاورد و این بار هم پس از مدت کوتاهی دوباره از شدت ترس بی‌هوش شد...

«ای رسول الله، جوان مسلمانان با وضعی رقت‌انگیز در حال جان دادن است، اگر به خانه‌اش

بیاید و برایش دعا کنید، شاید آموده شود!»

پیام‌آور رحمت و مهربانی به خانه جوان آمد. جوان به هوش آمد و نا چشمش به چهره نورانی و

مهربان پیامبر اکرم افتاد، با الهام و گریه گفت: ای رسول خدا، کمک کن! باز هم آن در موجود

و خشتناک می‌آیند. آتیامی خواهند مرا بخورد به عزیز خیرند، می‌دانم زمان مرگم فرارسیده

است، به فریادم برس و مرا از دست آنها رها کن. خراهنش می‌کنم...

و دوباره بی‌هوش شد.





رسول خدا رو به مادر آن جوان کرد و فرمود:

❖ از بسرت ناراضی هستی، همین‌طور است؟

بعضی مادر ترکیب و با صدای بلند شروع به گریه کرد:

❖ ای رسول خدا، من برای بزرگ کردن پسرم خیلی زحمت کشیدم و رنج بردم. چه شب‌ها

که بیدار ماندم تا او بیدار شود. خورد گرمه می‌ماندم و غذایم را به او می‌دادم. با این همه وقتی به

من جوانی رسید زحمت‌های مرا یکسره فراموش کرد و با پر خاش و تشنگی با من سخن گفت و

احترامم را نگه نداشت، حتی گاهی هم زبان به دشنام می‌گشود. ای پیامبر خدا، اولدم را شکسته

است و من نیز از او به خدا شکایت کرده‌ام.

رسول خدا فرمود: از او راضی شو.

مادر رنج دیده نگاه ترحم آمیزی به فرزندش افکند و گفت: خدایا، به خاطر پیامبر گرامی تو فرزندانم

را ببخشیدم، تو هم او را ببخش.

پیامبر نیز برای جوان از خدا طلب آمرزش کرد.

دعای پیامبر و رضایت مادر کار خود را کرد. جوان در آخرین لحظه‌های

عمرش دوباره چشمش را باز کرد و با تبسم گفت: یا رسول الله، آن

در موجود ترمسناک رفتند و حالا در فرشته زیبا و خندان به

سوی من می‌آیند. سپس به یگانگی خدا و پیامبری

حضرت محمد ﷺ گواهی داد و با لبخند،

برای همیشه چشم‌هایش را بست.



امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس پیوند خود را با بستگانش محکم کند و با پدر و مادرش بسیار خوش رفتار و مهربان باشد، دشواری های مرگ بر او آسان می شود و در دنیا نیز هرگز لقیر و نهی دست نمی شود.



### فعالیت کلاسی

ما چگونه می توانیم پدر و مادرمان را از خود رهایی ندهیم؟  
دریازه این پرسش در کلاس گفت و گو کنید و نتیجه را با پدر و مادر خود در میان بگذارید.

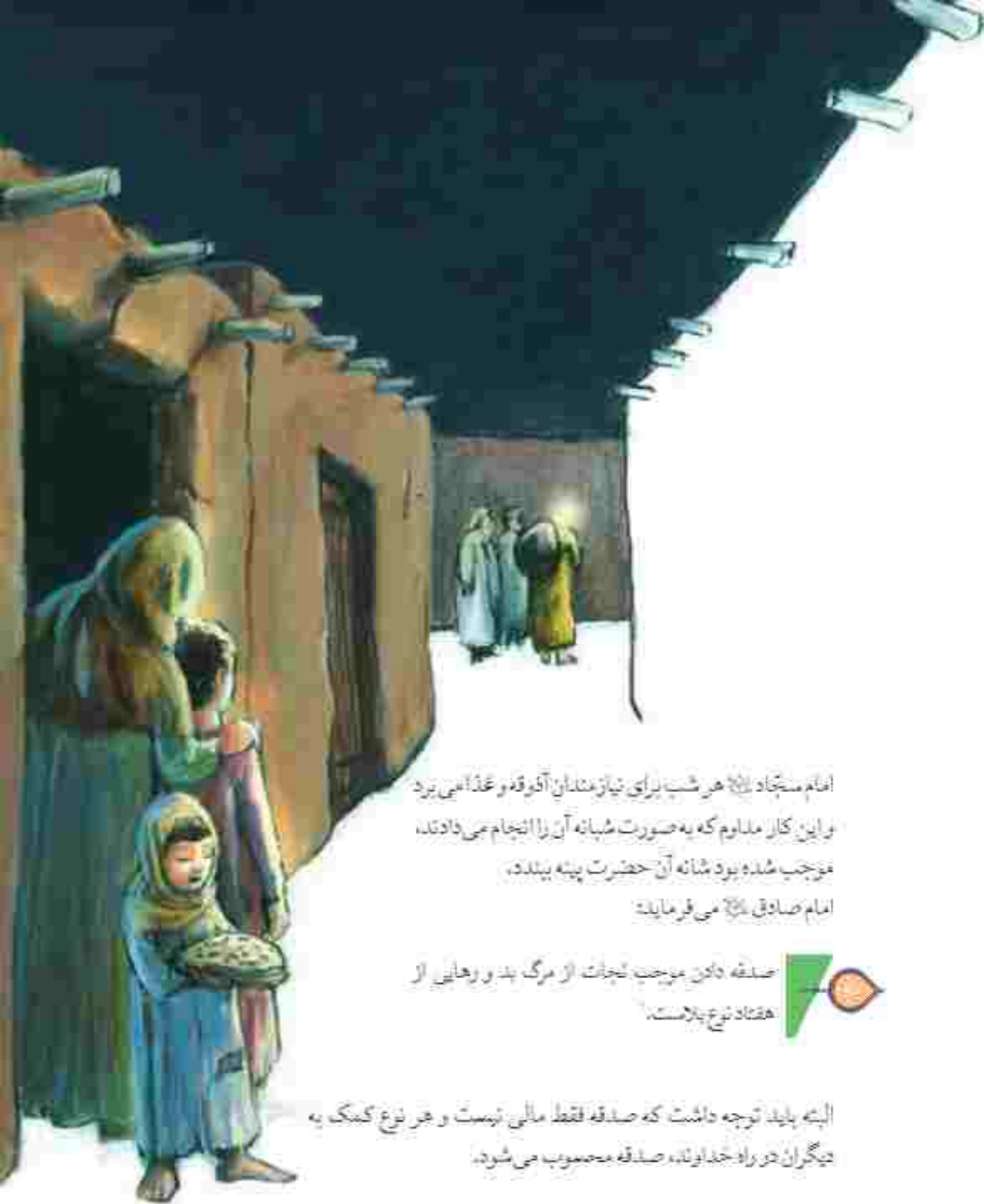
### ۲ | صدقه دادن

ادرس می سرد امام متجدد علیه السلام را دیدم که کیسه ای از گندم بر پشت خود حمل می کرد.  
گفتم ای فرزند رسول خدا این چیست؟  
فرمود: منفی در پیش دارم که توشه آن را آماده کرده ام تا در جای امنی بگذارم.  
گفتم: مقام شما بالاتر از این است که باری را حمل کنید. اجازه دهید غلام من به شما کمک کند.  
امام اجازه ندادند.  
گفتم: پس اجازه بدهید من خود این بار را حمل کنم.  
فرمود: نه، من باری را که نجات دهنده من در سفرم است، از دوش خود بر نمی دارم. تو را به خدا قسم می دهم تا مرا رها کنی.  
من به سخن امام گوش دادم و ایشان را ترک کردم.  
فرمای آن روز ایشان را دیدم و گفتم ای فرزند رسول خدا می بینم شما به آن منفی که می گفتید توشه ایید.

امام لیختی زد و فرمود: منظورم از آن سفره سفر مرگ بود که برای آن آماده می شوم.



لیختی از تاریخ ۱۱ من ۵۶  
لیختی از تاریخ ۱۱ من ۵۶



امام متجدد بلا هر شب برای نیازمندان آذوقه و غذا می برد  
و این کار مداوم که به صورت شبانه آن را انجام می دادند،  
موجب شده بود شبانه آن حضرت پینه ببندد.  
امام صادق علیه السلام می فرمایند:

صدقه دکن موجب نجات از مرگ بد و رهایی از  
هفتاد نوع بلاست.



البته باید توجه داشت که صدقه فقط مالی نیست و هر نوع کمک به  
نیگران در راه خداوند، صدقه محسوب می شود.



### ♦ ۳ خوش اخلاقی

به رسول خدا ﷺ خبر دادند که سعدبن معاذ از دنیا رفته است. ایشان در تشییع جنازه سعد حاضر شد و با پای برهنه یک گوسنه تابوت او را به دوش گرفتند. هنگامی که به قبرستان رسیدند، با دست مبارکش او را در قبر گذاشت و بر روی خاک ریخت. از پیامبر اکرم ﷺ شنیدند که می فرمود: جبرئیل را دیدم که با فرشتگان در تشییع جنازه سعد حاضر بودند.

عادر سعد که این رفتار پیامبر خدا را دید رو به قبر پسرش کرد و گفت: ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد! رسول خدا ﷺ فرمود: این قدر با اطمینان سخن مگو! سعد اکنون در قبر عذاب می کشد. اصحاب با تعجب عفت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: عفت فشار قبر سعد این است که او با خانواده اش در خانه بد اخلاقی می کرد!





رفتار مشخصی بد اخلاق و خیرش اخلاقی را در هر یک از موارد زیر با هم مقایسه کنید:

خوش اخلاق:	فقیری از او کمک می‌خواهد.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	مادرش از او می‌خواهد در انجام
بد اخلاق:	کاری کمکش کند.
خوش اخلاق:	کسی نسبت به او انتباهی کرده
بد اخلاق:	و از او عذرخواهی می‌کند.

آنچه در این درس خواندیم، بخشی از کارهای نیک هستند که باعث آسانی عزت و زندگی پس از آن می‌شوند. البته کارهای نیک بسیاری وجود دارند که انجام آنها می‌تواند پاداش بزرگ خداوند را در هنگام رفتن از این جهان به دنبال داشته باشد. این کارها عبارت‌اند از انجام آنچه خداوند به آنها دستور داده است و ترک هر چیزی که خداوند از انجام آن نهی کرده است. از حضرت علی علیه السلام پرسیدند: شما چگونه خود را برای عزت آماده کرده‌اید، که از آن هراسی ندارید؟ امام علیه السلام فرمود:

کسی که از گناهان بپرهیزد و به واجباتش عمل کند و خود را به اخلاق نیکو بیازاید، دیگر برایش فرقی ندارد چگونه بمیرد، به خدا قسم برای پسر ابو طالب فرقی ندارد که او به سراج مرگ برود یا اینکه مرگ به سراغش آید.





## خودت را امتحان کن



۱. نیکی به پدر و مادر چه تأثیری بر زندگی ما در دنیا و آخرت دارد؟
۲. علت آزار و فشار قبر معذبین معاذ چه بود؟
۳. چه مزیدی از آثار صدقه دادن را بنویسید.
۴. حضرت علی علیه السلام چگونه خود را برای مرگ آماده کرده بود که از آن هراسی نداشت؟

روزی حضرت عیسی علیه السلام از قبرستانی می گذشت. در کنار قبری صدای ناله صناخ بفراموشید که به خاطر گناهانش در عذاب بود. عیسی علیه السلام به راه خود ادامه داد و از قبرستان گذشت. یک سال بعد اتفاقاً از همان مکان عبور می کرد که متوجه شد خبری از عذاب نیست و دیگر صدایی از قبر نمی آید. گفت: پروردگارا، پارسال که از اینجا می گذشتم، صاحب این قبر در عذاب بود ولی اکنون خبری از عذابش نیست. علت چیست؟  
خداوند فرمود:

«این مرد فرزندان صالحی داشت که اکنون بزرگ شده است. او در این مدت دو کار نیک انجام داده است. اول اینکه راه عبور مردم را که خراب شده بود، درست کرد و مشکل مردم را حل کرد؛ دوم اینکه به تلاقی بیعی را پناه داد. من به خاطر اعمال صالح این فرزندان، پدرش را بخشیدم و او را از عذاب نجات دادم.»»



پیش  
توبه کنیم

حالا خودتان قضاوت کنید، آیا کسی که بعد از فوت پدر و مادرش برای آنها دعا می‌کند، قرآن می‌خواند و یا کارهای خیر دیگری را انجام می‌دهد یا کسی که پس از مرگ والدینش آنها را قلمبوس کرده و حتی با کارهای بد آبلال را آزار هم می‌دهد، مساوی هستند؟

### پیشنهاد

فکر می‌کنید کمالاتی که از این دنیا رفته اند چه انتظارهایی از فرزندان خود دارند؟ برای پاسخ به این پرسش از پدر یا مادرتان کمک بگیرید و پاسخ را برای دوستان در کلاس بازنویس کنید.



خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست  
 خدایا! چنان کن که من در حق پدر و مادرم  
 همچون مادری مهربان و دلسوز نیکی کنم،  
 و نیکی در حق ایشان را برای من.

از آب خنک در کام تشنگان گوارا تر ساز؛  
 تا خواسته ایشان را بر خواسته خویش ترجیح  
 دهم؛

و نیکی خود را در حق آنان اندک بینم، اگر چه  
 بسیار بود.

خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست؛  
 و به پدر و مادر من برترین پاداش را عطا کن.  
 ای مهربان‌ترین مهربانان!

تو هم اگر خواهی من توانی چند جمله با پروردگارت  
 سخن بگویی.

.....  
 .....

سال گذشته آموختیم که وظیفه ما در برابر پیامبران و امامان؛ دومی نسبت به آنان و پیروی از دستوراتشان است. همچنین فراگرفتم که بزرگان دین همواره با ظلم و ظالمان مبارزه کردند و به دفاع از دین خداوند پرداختند. کتاب «هدیه‌های آسمان» برخی از ویژگی‌های اخلاقی امامان و وظیفه ما در زمان غیبت امام مهدی علیه السلام را به ما آموخت. در این کتاب با سایر موضوعات نبوت و امامت آشنایی شویم.

♦ **درس پنجم (پیامبر رحمت):** خداوند برای هدایت ما، انسان‌هایی را به عنوان پیامبر برگزید و به آنان راه درست را آموخت تا دیگران را هدایت کند. آخرین پیامبر خداوند حضرت محمّد صلی الله علیه و آله از تمامی پیامبران گذشته، مقام بالاتری دارد و در واقع تمامی ویژگی‌های اخلاقی آنها را داراست. در این درس با سه ویژگی اخلاقی ایشان آشنا می‌شویم. این صفات عبارت‌اند از: بزرگواری و محبت، عزت نفس و امانتداری.

♦ **درس ششم (اسوه فداکاری و عدالت):** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دین را به صورت کامل به مردم آموخت و برای دوران پس از خود، کسانی را به عنوان الگو و راهنما معرفی کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام برترین شاگرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که پیامبر همواره مردم را به الگوگیری از ایشان توصیه می‌کرد. در این درس با برخی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان آشنایی می‌شویم. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: شجاعت، عدالت‌طلبی و فداکاری.

♦ **درس هفتم (برترین بانو):** حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مایه خشنودی قلب ایشان بود. ایشان همسر امیرالمؤمنین و مادر امام حسن و امام حسین علیهم السلام و الگویی برای همه مسلمانان است. در این درس با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان آشنایی می‌شویم.



فصل سوم

راهنما شناسی







قطعاً در فرستادن خداوند [پیامبر اکرم]  
برای شما  
الگوی نیکویت  
برای هر کس که به خدا و روز آخرت  
ایمان دارد  
و خداوند را بسیار یاد می کند.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ  
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ  
لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ  
الْآخِرَ  
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا



پیامبران تنها کسانی هستند که می توانند با آوردن دین آسمانی، مسیر صحیح زندگی را به ما نشان دهند. همانطور که گفتار پیامبران راه دستیابی به رمزگشایی است. رفتار آنها نیز الگوی عملی زندگی ماست. پیامبران الهی، چون خود عبادت یافته بودند، بهترین میکت زندگی را انتخاب می کردند. بنابراین زندگی آنها به صورت کامل می تواند الگوی زندگی ما قرار گیرد. هر کدام از پیامبران دارای ویژگی های اخلاقی پندیده فراوانی بوده اند؛ اما در این میان، پیامبر اکرم ﷺ دارای همه ویژگی های اخلاقی پیامبران گذشته است و تمامی رفتارهای ایشان شایسته پیروی است.

در اینجا با سه ویژگی اخلاقی و رفتار اجتماعی ایشان آشنا می‌شویم:

#### ۱۶ بزرگواری و محبت

کفار و مشرکین مکه همگی با چهره‌هایی ترسان و قدم‌هایی لرزان خود را به سپاه پیامبر رسانده بودند تا ببینند ایشان چه دستوری درباره آنان می‌دهد. مکه تومنت پیامبر و یارانش فتح شده بود و اکنون بهترین فرصت برای انتقام بود. پیامبر چهره‌های یگانه‌ای از آن نظر گذراند. هر چهره‌ای برای ایشان یادآور خاطره‌ای تلخ بود. یکی سنگ به صورتش زده بود، دیگری دندانش را شکسته بوده یکی فحش و ناسزا گفته بود و دیگری بارها به جنگ با پیامبر آمده بود.

با یادآوری این خاطرات، اشک از دیدگان پیامبر فروریخت. مردم مکه نیز با فیلن این صحنه به شدت گریستند. پیامبر رو به آنان کرد و گفت: من امروز به شما همان چیزی را می‌گویم که برادرم یوسف به برادرانش گفت، بر آن اینکه، امروز دیگر تکره‌هایی بر شما نیست. خداوند از گناهان شما درگذرد، او مهربان‌ترین مهربانان است. بروید که شما آزاد شده‌اید.

این گوشه‌ای از رفتار پرهیز و محبت پیامبر بود. همین رفتارها بود که او را در بین مردم به پیامبر رحمت معروف کرد. رفتار پیامبر با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم او را برای خود پدری مهربان و دلسوز می‌دانستند و در دشواری‌ها و مشکلات به او پناه می‌بردند.

خداوند مهربان درباره اخلاقی نیکو و مهربانی پیامبر اکرم می‌فرماید:

بی‌شک برای شما پیامبری از خودتان آمده است،  
بر او شهادت است شما در سختی بیفتید  
به [هدایت] شما اشتیاق فراوان دارد،  
نسبت به مؤمنان بسیار دلسوز و مهربان است.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ  
عَرِيفٌ عَلَيْهِ مَا فِي بُحُورِكُمْ  
خَرِيصٌ عَلَيْكُمْ  
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ



و نجات دادن رسول خدا برای آن مرد ندادن، عتاقی شده بود و به آن افتخار هم می کرد. هر روز سر راه پیامبر خدا می نشست، تا ایشان را آزار دهد. گاهی دشنام می داد، گاهی مسخره می کرد و گاهی هم با عتق ای ندادن به آن حضرت سنگ می زد. گاهی هم روی بام خانه اش می رفت تا بر سر مبارک پیامبر خاک بر رویه بریزد.

این وضعیت ادامه داشت تا اینکه ناگهان همه چیز تمام شد. دیگر نه خیری از آن مرد بود و نه از آزار و اذیت هایش. چند روزی که گذشت، رسول خدا از مردم سراغ او را گرفت. گفتند بیمار شده و حالش هم خوب نیست.

رسول خدا که از بیماری او آگاه شد به عیادتش رفت. همین که چشمان آن مرد به رسول خدا افتاد، تمام کارهای رشتش را به یاد آورد. از سخنانی که شنیده است چه بگویی، زبانش بند آمده بود و حرف شرم از پیشانی اش سرزیر بود. با خودش می گفت: آخر چگونه ممکن است یک انسان این قدر بزرگوار باشد؟ من این همه لورا لذت کردم، به او دشنام دادم، مسخره اش کردم... اما حالا که بیمار شده ام، به عیادت من آمده است، این رفتار انسان معمولی نیست...

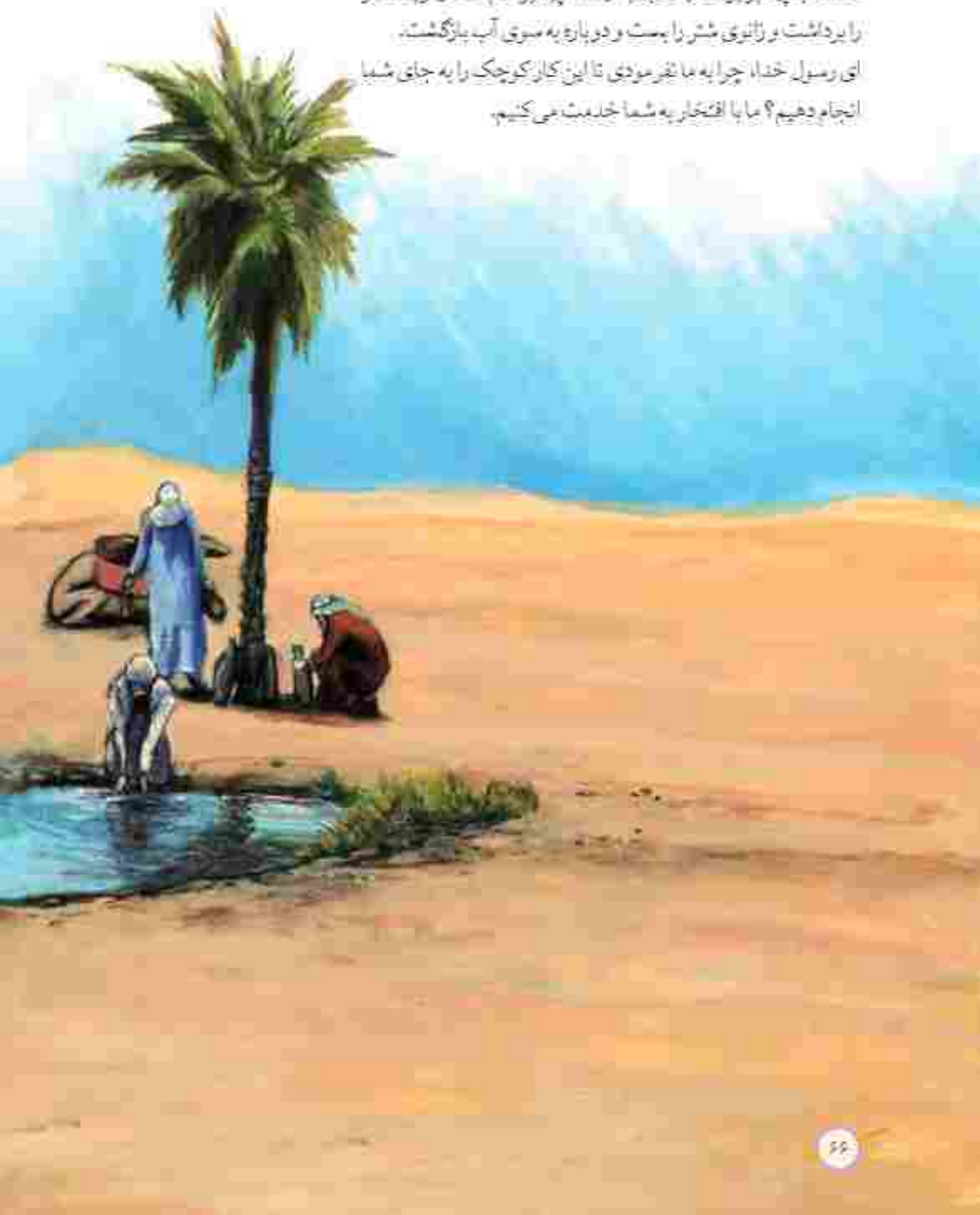
#### ۲۴ | عزت نفس

عزت نفس اختصاصاً با ارزش بودن است؛ یعنی اینکه خودمان را پیش دیگران کوچک نکنیم. یکی از چیزهایی که ما را کوچک می کند، درخواست انجام کارهایمان از دیگران است. کسی که ارزش خود را می داند هیچ گاه خود را با درخواست از دیگران کوچک و خوار نمی سازد. پیامبر اکرم ﷺ هیچ گاه حاضر نبود در انجام کارهای شخصی خود از دیگران درخواستی کند، حتی اگر دیگران به انجام آن کارها افتخار هم می کردند.

آثار خستگی در چهره افراد قافله نمایان شده بود. پس از ساختن هزاره رفتن در بیابان، برای اسب ها و شترها هم رمقی باقی نمانده بود، همین که چشم کاروانیان به آب افتاد توقف کردند، همین جا امشراحت می کنیم.

رسول خدا شترش را خواباند و از آن پیاده شد و مثل افراد دیگر به طرف آب حرکت کرد. اما هنوز چند قدمی نرفته بود که ناگهان بازگشت.

نگاهها به پیامبر بود که با تعجب دیدند، پیامبر خم شده و آئینده شتر  
را برداشت و آئینده شتر را بست و دوباره به سوی آب بازگشت.  
ای رسول خدا، چرا به ما نفرمودی تا این کار کوچک را به جای شما  
انجام دهیم؟ ما با افتخار به شما خدمت می کنیم.







## آن حضرت فرمود:

«هیچ وقت انجام کارهای [شخصی] خود را از دیگران نخواهید، حتی اگر کوچکترین چیزی مثل [درخواست برقی چوب خلال دندان]»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام درباره سادگی معنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«هرگاه لباس و کفش رسول خدا پاره می شد، خودش آنها را می دوخت. وقتی در می زدند خودش در را باز می کرد و با دستان خودش گندم و جو را آسیاب می کرد و آب می آورد، او در انجام کارهای سخت، به خانواده خود کمک می کرد و...»<sup>۲</sup>

### فقالبت کلاسی

به نظر شما، چگونه می توان عزت نفس خود را حفظ کرد؟ درباره این موضوع در کلاس گفت و گو کنید.

علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد. او از سال ۱۳۶۰ به مدت پنج سال فرمانده نیروی زمینی ارتش بود. شهید صیاد شیرازی در دوران دفاع مقدس فرماندهی عملیات های بزرگی را بر عهده داشت که لاشرایط آنها می توان به آزادسازی خرمشهر، هزیزه، بستان و سایر مناطق از دست دشمنان اشاره کرد، او همچنین با فرماندهی عملیات مرصاد، شکست سنگینی بر منافقان وارد ساخت. شهید صیاد شیرازی سرانجام در ۲۱ فروردین ۱۳۷۸، به دست منافقان به شهادت رسید.

«بهترین فرصت بود، حدس زدم خواب است، پویشش را از جلوی سنگر برداشتم و دویدم روی آفتابزخانه، فرجه وطنی و کس را برداشتم و شروع کردم.

هنوز یک شنگه مانده بود که یکی از افسرها آمد، حدس زدم که آمده دنبال پویش مردار. به روی خودم نیاوردم، حتی از جلیم هم بلند نشدم، بلند و نکل فرجه

بیشتر بدانیم

<sup>۱</sup> انوشیروانی، ج ۱، ص ۹۲  
<sup>۲</sup> مسجدالانوار، ج ۱۲، ص ۱۹۱



منی کشیدم. یک دفعه خودش آمد. به آن افسر گفتم: «شما گفتید پوتین هدی من را  
واکس بزنند»<sup>۴۲</sup>

♦ نخیر، به هیچ وجه!

آمد طرفم. نزدیکم که رسید، گفتم: «بسم، شما خریدت باید دو سال خدمت  
مربلایت را انجام بدی، من هم باید خودم پوتین هادیم را واکس بزنم.»  
نشست روی زمین. پوتین هادیم را گرفت و شروع کرد به فرچه کشیدن.  
دست خودم نبود، دوشش داشتم.»



### ♦ ۳ | امنیت داری

با وجود هشدارهای فراوان پیامبر اکرم به یهودیان، آنان باز هم دست به پیمان شکنی زدند و به  
دشمنان اسلام کمک مالی و نظامی کردند. یهودیان حتی مشرکان را تحریک به جنگ و نابودی  
مسلمانان می کردند. تا اینکه پیامبر اکرم دستور حرکت لشکر به سوی قلعه های خیبر را داد...  
روزهای زیادی از محاصره دل خیبر می گذشت. مدت ها بود که آذوقه مسلمانان به پایان رسیده  
بود. یک روز که همه بی رمق و ناتوان گوشه ای افتاده بودند، صدایی گله گوسفندان همه را  
متوجه خود دست کرد. صدای در چهره سربازان نمایان شد. برخی به سوی گله رفتند و چوپان و  
گوسفندان را نزد پیامبر آوردند.

♦ سلام بر تو ای جوان، کیستی و اینجا چه می‌کنی؟

♦ چوپانی هستم که به‌ودیان این قلعه گوسفندهايشان را برای چرا به من سپرده‌اند. چند وقتی بود که علوفه این منطقه کم شده بود و من به ناچار گوسفندان را عدسی به چراگاه آوردمتی برده بودم.

♦ مسلمانی؟

♦ نه، اما نام اسلام را زیاد شنیده‌ام و خیلی دوست دارم با آن آشنا شوم.

پیامبر خدا این اسلام را به آن جوان معرفی کرد و چوپان همان جا اسلام آورد.

آن‌گه بویه پیامبر کرد و گفت: اکنون من مسلمان شده‌ام، این گوسفندان را در اختیار شما قرار می‌دهم. چشمان صدها سرباز که درادور پیامبر حلقه زده بودند، منتظر بود تا پیامبر اجازه استفاده از گوسفندان را به آنها بدهد.

پیامبر رو به چوپان کرد و فرمود: «در دین ما خیانت به امانت از بزرگ‌ترین گناهان است. این گوسفندان نزد تو امانت است پس بر تو لازم است همه گوسفندان را به دست صاحبانش برسانی.» یکی از ویژگی‌های بارز پیامبر اعظم، امانت‌داری بود. ایشان قبل از می‌خواست شدن به پیامبری، در بین مردم به «محقق‌امین» مشهور بود. از سفارش‌های همیشه‌گی پیامبر، بازگرداندن امانت حتی به صاحبان غیر مسلمان آن بود. کفار مکه با وجود آنکه به شدت مخالف او و دین اسلام بودند با اطمینان خاطر، نفیس‌ترین اشیای خود را نزد ایشان به امانت می‌گذاشتند. آن هنگام هم که پیامبر به دلیل شدت آزار کافران ناچار شد به صورت ناگهانی و متغیبه از مکه خارج شود و به مدینه هجرت کند، از حضرت علی رضی الله عنه خواست چند روزی برای پس دادن امانت‌های کفار در مکه بماند.

پیامبر اکرم همدوره می‌فرمود:

«شخصی که در دنیا به امانت خیانت کند، و آن را به صاحبش پس ندهد، اگر ببرد بر دین من نمرده است و خلفا را در خالی ملاقات نخواهد کرد که از او چشم‌پوشی است.»<sup>۱</sup>



این ویژگی‌های اخلاقی، در کنار ویژگی‌های بسیار دیگر، موجب شد خداوند ایشان را رحمتی برای تمام جهانیان بداند:

ما تو را جز به عنوان رحمت برای  
تمام جهانیان نفرستادیم.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>

و اخلاق ایشان را «بسیار نیکو» معرفی می‌کند:

به امسی که تو دارای اخلاقی بسیار  
نیکو هستی.

وَأَنْتَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ<sup>۲</sup>

بنابراین اگر مردم جهان بخواهند به بهشت زیبای خداوند راه یابند و رحمت بی‌کران الهی آنان را دربرگیرد، کافی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگویی عملی زندگی خود قرار دهند. اگر پیش از این، از ما خواسته می‌شد که نعمت‌های بزرگ پروردگار را بشماریم، شاید توجیحی به این نعمت بسیار بزرگ نداشتیم و نمی‌دانستیم بدون این نعمت، رسیدن به بهشت ممکن نیست، اما حالا که دانستیم خداوند مهربان با فرستادن پیامبرانش چه لطف بزرگی به ما کرده است، تلاشی می‌کنیم با پیروی از راهنمایی‌های آنها پیامگزاران این نعمت بزرگ الهی باشیم.

### فعالیت کلامی

به نظر شما، چگونه می‌توان پیامبر اکرم را سرمشق کامل زندگی قرار داد؟

<sup>۱</sup> سوره انعام، آیه ۱۰۸

<sup>۲</sup> سوره قلم، آیه ۴

## خودت را امتحان کن



۱) زندگی چه کمالاتی می‌تواند بهترین انگیزه زندگی ما باشد؟ چرا؟

۲) با ذکر یک نمونه عزت نفس را تعریف کنید.

۳) با توجه به سخن پیامبر، عاقبت خبیثان در امانت چیست؟



بر محمد که امانتدار وحی تو و مخلص ترین  
 بندگان توست، درود فرست؛  
 کسی که پیشوای رحمت  
 و قافله سالاری کی  
 و کلید گنجینه های برکت است؛  
 زیرا او در انجام فرمان تو خود را به رنج افکند،  
 جسمش را در راه تو در معرض هلاکت قرار داد،  
 خویشش را در رساندن پیام تو خسته کرد،  
 و در راه دعوت مردم به آیین تو، رنج ها برد.  
 خدا یا! او را به پاس رنجی که در راه تو تحمل کرد  
 تا بالاترین مرتبه های بهشت بالا ببر.





## أسوة فداکاری و عدالت

فرشته وحی، پیامبر اعظم ﷺ را از نقشه خطرناک، مشرکان یا خیر می‌سازد، او باید همین اصشب منگه را ترک کند، وگرنه کشته می‌شود و رسالتش نیمه‌کاره می‌ماند، اما چگونه؟ کافران رفت و آمد رسول خدا را به شدت زیر نظر گرفته‌اند.



- ♦ علی جان! آیا می‌توانی مرا در اجرای امر الیهی یاری کنی؟
- ♦ یا رسول الله! چگونه شصتا را یاری کنم؟
- ♦ مشرکان می‌خواهند مرا شبانه در بسترم بکشند، خداوند مرا از تصمیم آنها آگاه ساخته و به من فرمان هجرت داده است، اگر بسترم در این شب خالی بماند، آنان متوجه خواهند شد و مرا تعقیب خواهند کرد، پس باید کمی در بسترم بخواهد تا فرصت کافی برای دور شدن از حلقه داشته باشم. کار خطرناکی است، ممکن است کشته شوی.
- ♦ در این صورت آیا شما به سلامت خواهید بود؟

هنوز پاسی از شب نگذشته است که مشرکان خانه پیامبر خدا را محاصره می کنند. آنها مطمئن اند پیامبر در خانه است و امشب می توانند نقشه خود را اجرا کنند. پس با قلب‌هایی مرساز از کینه به انتظار می نشینند... و ناگهان در نیمه‌های شب با شمشیرهای کشیده از هر سو به اتاق پیامبر هجوم می برند. در این هنگام علی علیه السلام یک باره از جای برخاسته و فریاد می کشد: «اینها چه می کنید؟». مشرکان از تعجب بر جایمان میخکوب می شوند. این علی است، پسر ابوطالب یا حیرت از یکدیگر می پرسیدند: پس محقق کجاست؟ مشرکان کاملاً گیج شده اند. آنها که درمی یابند همه مراقبت‌ها و نقشه‌هایشان هدر رفته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله از دستشان گریخته است. با خشم فراوان به علی حمله می برند اما ایشان کلامی بر زبان نمی آورده. وقتی از او تا امید می شوند از خانه بیرون می روند و جستجو را برای یافتن آن حضرت آغاز می کنند.

فرشته وحی بر رسول خدا نازل می شود و در متابعت فدائری بی نظیر علی رضی الله عنه از طرف خداوند این آیه را نازل می کند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ

و از مردم کسانی جان خود را می فروشند  
[ندامی کنند]

تا خشنودی خدا را به دست آورند  
و خدا نسبت به بندگانش مهربان است.

إِيسَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ زَوَّاقٌ بِالْعِبَادِ

### فقالت کلاسی

به نظر شما بر اساس آیه فوق، چرا امیر مؤمنان بدون هیچ ترس و نگرانی خوابیدن در بستر پیامبر اکرم را پذیرفت؟

۱- مستدرک ج ۱، ص ۱۳۹، تاریخ طبری ج ۱، ص ۱۹۹، طبقات ابن سعد ج ۱، ص ۲۱۲ (تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹۱) تاریخ ابن کثیر ج ۲، ص ۲۴.

۲- نسیم بقیه ج ۲، ص ۲۰۷.

فداکار کسی است که برای خدمت به دین و جامعه خود، از مال، سلامتی، خانواده و حتی از جان خود می‌گذرد و آنها را در راه هدف پاک و بزرگ خود فدا می‌کند. دین اسلام افراد فداکار را ستایش کرده و به آنان وعده پاداش الهی داده است.

ماجرای از خودگذشتگی حضرت علی علیه السلام در شب هجرت پیامبر اکرم - که به لیلۃ المصیبت مشهور است - یکی از کامل‌ترین نمونه‌های فداکاری در راه خداست. زندگی این الگویی در خمشان الهی البریز از فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌هاست:

♦ وقتی عمرو بن عبیدود (جنگجوی نامدار عربی) در میدان جنگ خندق فریادی کلمید و مبارز می‌خواست، تنها کسی که برای شرف‌تن به تن با او دروطلب شد و او را از زمین برداشت، علی بود.

♦ وقتی در جنگ اُحُد بسیاری از مؤمنان به شهادت رسیدند و به چیز چند نفر انگشت‌شمار، بقیه از میدان جنگ گریختند و پیامبر خدا را در میان انبوهی از سپاهیان مشرک رها کردند، کسی که در کنار رسول خدا با شجاعت می‌جنگیده، علی بود.

♦ در جنگ خیبر که مسلمانان بارها به قلعه‌های بزرگ دشمنان یهودی حمله کرده و توانسته بودند پیروز شوند، کسی که جنگجوی خیبر را کشت و در قلعه را از جا کند و یهودیان را شکست داد، علی بود.



♦ وقتی خداوند آیات مهمی صرّحاً توبه را نازل کرد و قرآن شد یکی از مؤمنان به مکه برود و این آیات را در میان مشرکان بی رحم مکه با صدای بلند بخواند، کسی که این مسئولیت خطرناک را عهده‌دار شد، علی بود.



### شکست دهنده احزاب

دشمنان اسلام با هم متحد شدند تا برای همیشه کار اسلام را یکسره کنند، این خبر به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌رسد و ایشان با پیشنهاد مسلمان فارسی دستور می‌دهد خندق بزرگی حفر کنند تا هیچ یکی از کفار نتواند از آن بگذرد.

وقتی لشکریان یبوه دشمن به شهر رسیدند، ناگهان در چاهی خود می‌خکوب شدند، آنها به مانعی برخورد کردند که کسی نمی‌توانست از آن بگذرد، هر یک از دشمنان که سعی می‌کرد از خندق بگذرد، یا تیورهای مسلمانان مواجه می‌شد و در گودال می‌افتاد، آنها دریافتند که نمی‌توانند وارد مدینه شوند و تصمیم گرفتند برای از پای درآوردن مسلمانان شهر را محاصره کنند.

اما یک روز اتفاق عجیبی افتاد ...

یکی از پهلوانان نیرومند کفار به نام «عمرو بن عبدود» با دور خیزی زیاد با اسب تند و بزرگش از روی خندق پرید و خود را به میان مسلمانان رساند.

ترس و وحشت، مسلمانان را فرا گرفت، چرا که او جنگجوی بی نظیر بوده اما آنها نیز میان مسلمانان کسی هست که بتواند او را شکست دهد؟

«عمرو» مغرورانه در مقابل مسلمانان با امیث حرکت می‌کند و فریاد می‌زند کتاب یک از شما می‌خواهد او را به بهشت بفرستم؟ از بس فریاد زدم صدایم گرفت، کسی نیست جواب مرا بدهد؟

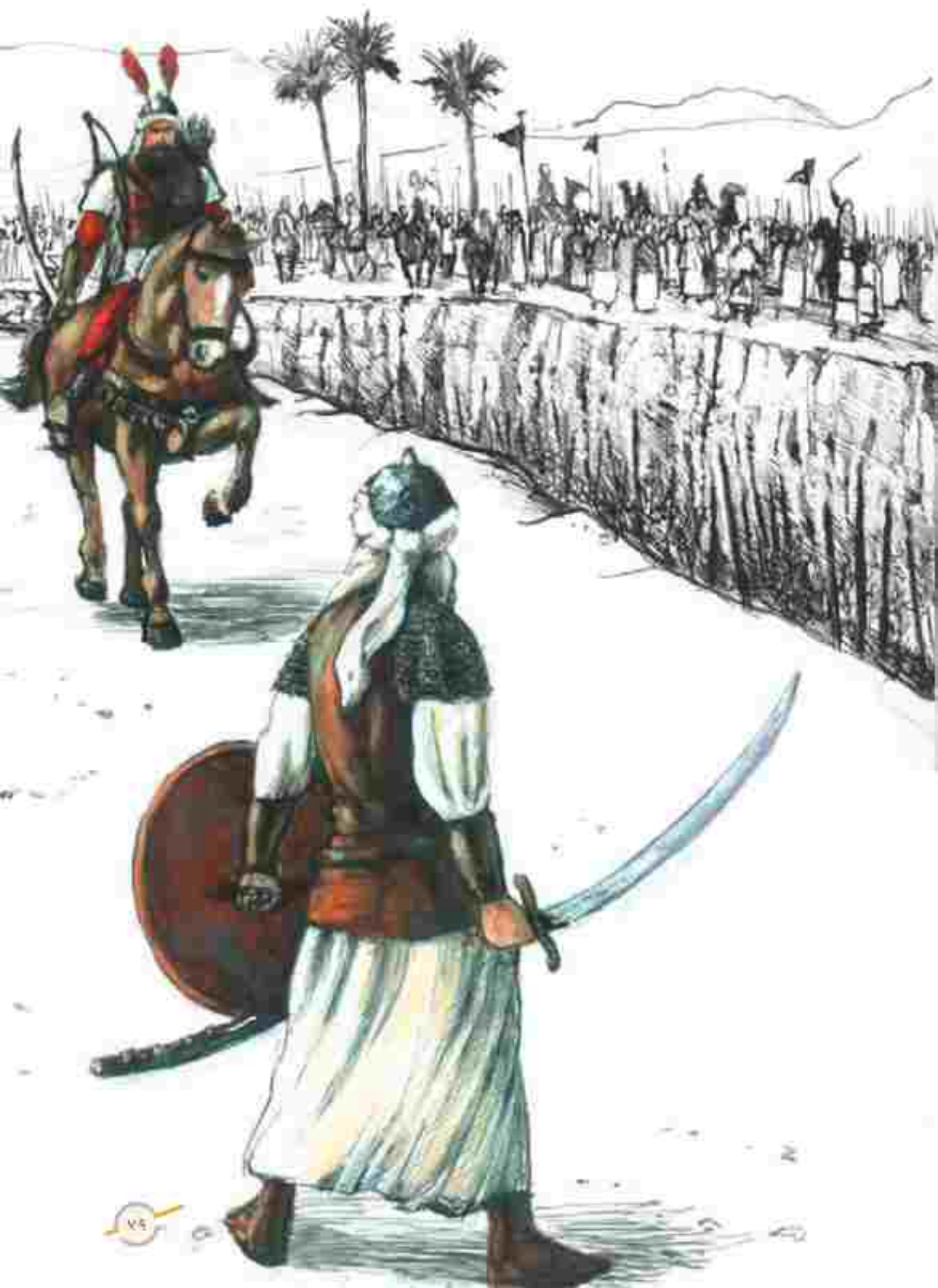
پیامبر به اصحاب نگاه می‌کند و می‌فرماید: آیا کسی می‌تواند صدای او را خاموش کند؟ سرها پایین است و پامخی بر زمین خیزد، ناگهان صدایی سکوت را می‌شکند: من آمادم! ای رسول خدا!

پیامبر اعظم می‌فرماید: نه علی جان، تو نشین!

رسول خدا دوباره سخن خود را تکرار می‌کند و باز هم کسی جز علی رضی الله عنه جرات نمی‌دهد.

وقتی برای سومین بار علی رضی الله عنه از پیامبر برای جنگیدن اجازه می‌خواهد، پیامبر موافقت می‌تواند، شمشیر خود را به ایشان می‌دهد و برایش دعا می‌کند.

نفس‌ها در سینه‌ها حبس شده است، هر دو سپاه در سکوتی عمیق فرورفته و با نگرانی چشم به میدان درخته‌اند، هنگامی که امیرالمؤمنین در مقابل عمرو قرار می‌گیرد.



پیامبر خدا می فرماید:

اکنون تمام اسلام در برابر تمام کفر ایستاده است.

جوانی کم سن و سال در برابر جنگجویی نامدار.

حضرت علی علیه السلام به عمرو می فرماید: اول از تو می بخورم مسلمان شوی.

♦ هرگز!

♦ پس برگرد و از جنگ دست بکش.

♦ من با خودم عهد کرده‌ام از محنت، انتقام بگیرم. تو برگرد؛ هنوز خیلی جوانی و من دوست ندارم تو را بکشم.

♦ پس از است پیاده شو تا با هم نبرد کنیم.

«عمرو» از استب پیاده می‌شود و جنگ منتهی در می‌گیرد. ضربه عمرو آن قدر محکم است که خیلی زود میر حضرت علی علیه السلام به دو نیم می‌شود و سر آن حضرت زخمی عمیق برمی‌دارد، ولی ایشان که از کشته شدن ترس ندارد و دلاورانه به نبرد ادامه می‌دهد...

گرد و غبار، میدان را فرا گرفته است و فقط صدای چکاچک شمشیرها به گوش می‌رسد. دشمنان که فکر نمی‌کردند کسی بشوالد تا این اندازه در برابر جنگاور عرب مقاومت کند، با تکرالی منتظر نتیجه این نبرد هستند. ناگهان صدای تکبیر علی علیه السلام در فضا می‌پیچد و «عمرو» تمش زمین می‌شود.

صدای تکبیر و شادق از سپاه اسلام برمی‌خیزد. قوی‌ترین جنگاوید عرب در میان ناباورتی همه، به دست شیرخانا، کشته می‌شود.

بقیه کفار که سر نوشت جنگجوییشان را می‌بینند، چاره‌ای جز فرار ندارند!

عدالت طلبی و مساوات خواهی، ویژگی بارز دیگری از شخصیت امیرالمؤمنین است. حضرت علی علیه السلام در شرایطی از منوی مردم برای اداره حکومت و خلافت انتخاب شد که مشکلات بسیاری جامعه اسلامی را فرا گرفته بود، ایشان دلیل پذیرفتن حکومت را این گونه بیان می‌کند:



اگر خدایوند از آگاهان عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر زیاد خراهی مسمگران، و گرمگی مظلومان، منکوت نکند [و حق مظلوم را از ظالم بستاند و به او بازگرداند]، حکومت بر شما را رهامی کردم و آنگاه می دیدید که [مقام های] دنیا بی شما نزد من لا عطفه لکم ای ارزش تر است»<sup>۱</sup>



امیرالمؤمنین حکومت را برای ایجاد عدالت بین مردم پذیرفت و در رعایت عدالت و مساوات بین مسلمانان، هیچ کس را بر دیگری برتری نداد. در حقوق عمومی و مسائل اجتماعی، با خانواده و نزدیکان خود نیز مانند مسلمانان دیگر رفتار می کرد. در هنگام تقسیم بیت المال همه چیز را به دقت و به صورت مساوی میان تمامی مسلمانان تقسیم می کرد و وقتی همه اموال به دست صاحبانش می رسید، در همان محل بیت المال به نماز می ایستاد.

### فقالبت کلاسی

به نظر شما چه ارتباطی میان تقسیم بیت المال و تعارض خواندین امیرالمؤمنین در همان مکان وجود دارد؟

### مرد مسیحی و زره حضرت علی (ع)

امروز نیز چون روزهای گذشته در حال عبور از بازار کوفه است.

هر روز سری به بازار می زند و از نزدیک اوضاع را می بیند تا کسی گران نفروشد و در حق کسی ظلم نشود.

در میانه بازار توجهش به دست فروشی جلب می شود. از لباس های دست فروش معلوم است مسیحی است. زرهی برای فروش آورده است. نزدیک می رود. زره را در دست می گیرد و با دقت نگاه می کند. زره خردش است! رویه آن مرد می گویند:

♦ ای مرد! این زره من است که چندی پیش آن را گم کرده بودم!

♦ شخیر، این زره از آن خودم است.

♦ اما من یقین دارم که این زره من است.

<sup>۱</sup>عطفه نیز اشاره به ارزش و کم اهمیت بودن دارد.

<sup>۲</sup>تبعیحه: سزا، عطفه: سر.

مرد مسیحی به تنهایی زره را می‌گیرد.  
 مردم که شاهد گفت‌وگوی خلیفهٔ مسلمان با مرد مسیحی هستند، هجوم می‌آورند تا با زره زره  
 را از آن مرد بگیرند.  
 اما ایشان اجازه نمی‌دهند و می‌فرمایند: به دادگاه می‌رویم تا قاضی میان ما حکم کند. من تسلیم  
 رأی دادگاهم.  
 قاضی که از دیدن خلیفهٔ مسلمان متعجب می‌شود از جابری می‌خیزد، دست بر سینه می‌گذارد و  
 ادای احترام می‌کند.  
 ناراحتی در چهرهٔ امام پدیدار می‌شود. زره به قاضی می‌فرماید:  
 قاضی باید با هر دو طرفهٔ دعوا برخورد یکسانی داشته باشد، حتی در نوع نگاه کردن و احترام  
 گذاشتن.





قاضی که متوجه اشتباهش می شود رویه مرد مسیحی می کند و مختصر مانده به او سلام می کند. آنگاه می گوید: اختلاف شما در چیست؟

♦ زهی که این مرد قصد فروش آن زرافه همان زهی است که من چندی پیش آن را گم کرده بودم.

♦ نه جناب قاضی! من سال هاست که این زره را دارم.

قاضی از حضرت علی علیه السلام پرسید: آیا شاهدی داری که تأیید کند این زره از آن شماست؟

♦ امام باقر می فرماید: نه شاهدی ندارم.

♦ بنابر این، ادعای شما ثابت نمی شود و زره باید در دست این مرد بماند.

مرد مسیحی با ناباوری به قاضی نگاه می کند. باورش نمی شود که قاضی ای که خلیفه خود او را به این میثت گماشته است، حکمی به زیان خلیفه بدهد.

با شنیدن رأی قاضی، حاضران شروع به خالرج شدن از دادگاه می کنند که ناگهان...

♦ ایذکی صبر کنید، می خواهیم سخنی بگویم. ... من ... من هنوز نمی توانم باور کنم که در دادگاهی حاضر شده ام که یک فرد مسیحی را با

پشوا و رهبر شما برابر می داند و حکم به سود من و به زیان او می دهد. رهبر شما در دادگاه حاضر می شود اما از موقعیت خود استفاده نمی کند. این گونه داوری را فقط در دین و مکتب پیامبران می توان دید. این دادگاه و داوری نشانه حقانیت دین شماست.

حرف هائی مرد به اینجا که می رسد اشک از چشمانش سرازیر می شود. دیگر پاهایش تحمل ایستادن ندارد. بر زمین می نشیند و با صدایی گریان می گوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَنْكَاهُ رُويهِ اميرالمؤمنان می گویند قسم به خدا این زره از آن توست. وقتی به جنگ صفین می رفتی، این زره از روی بار بر زمین افتاد و من آن را برداشتم. ای بزرگوار، مرا ببخش.

امیرالمؤمنین دستان مرد را می گیرد، او را از زمین بلند می کند و می فرماید: به احترام اسلام آوردنت زره را به تو بخشیدم. اسب من نیز از آن توست.

### خودت را امتحان کن

۱) سه نمونه از فداکاری های حضرت علی علیه السلام را به صورت خلاصه بیان کنید.

۲) بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند از آگاهان در برابر شکم با رگی مستمگران چه عهد و پیمانی گرفته است؟

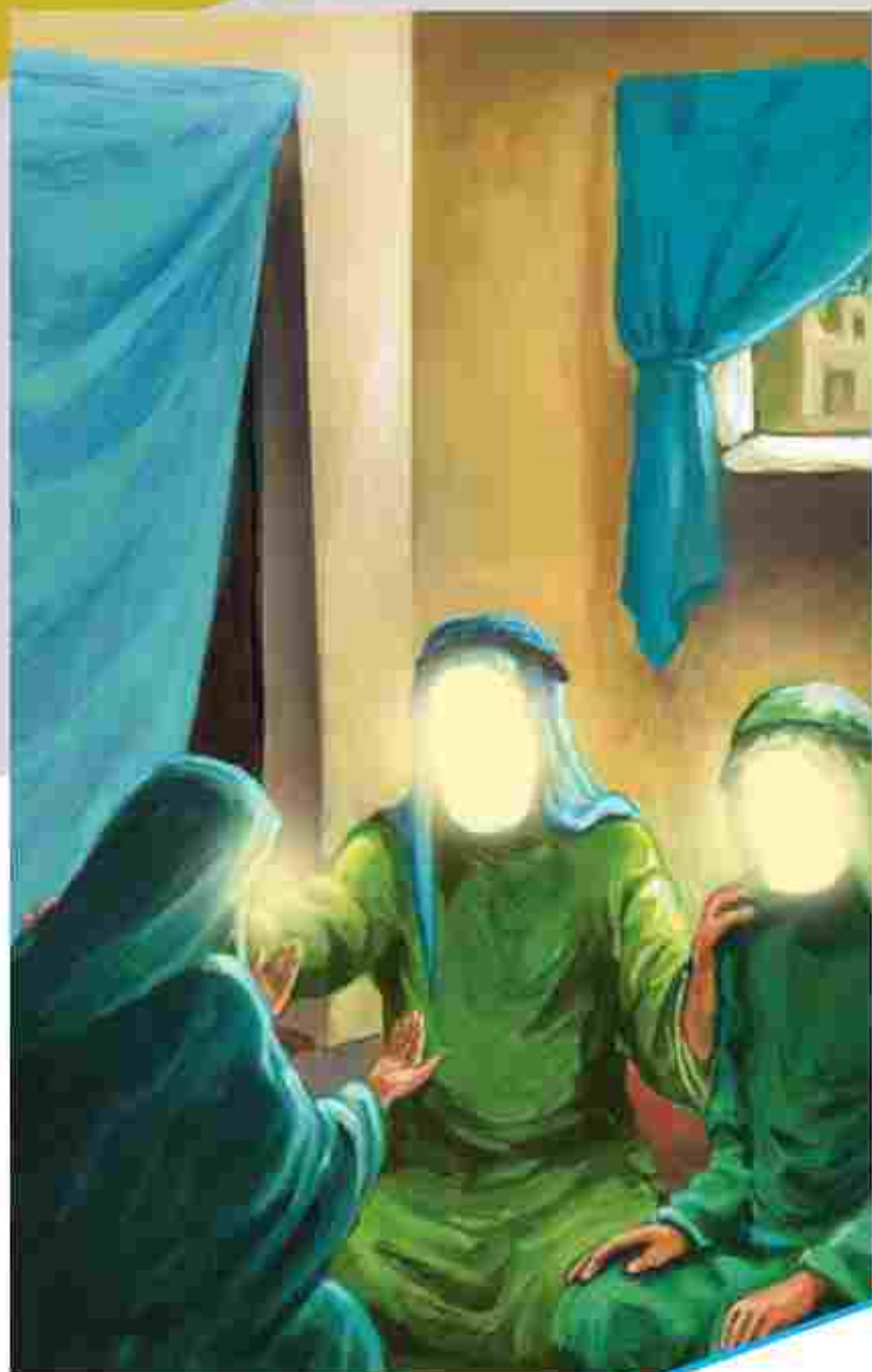
۳) مرد مسیحی چگونه به حقانیت دین اسلام پی برد و مسلمان شد؟

### پیشنهاد

به گنگ پندر و مافز خود داستانی از رشادتهای امیرالمؤمنین در میدان نبرد و یا رفتار اخلاقی و اجتماعی ایشان پیدا کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

من جز تو چه کسی را دارم تا از او بخواهم غم و  
رنجم را برطرف سازد؟  
اینک رو به سوی تو آورده‌ام  
و دست حاجت به درگاه تو دراز کرده‌ام.  
پس به عزت و جلالت قسم،  
دعایم را مستجاب گردان،  
و مرا به آرزویم برسان،  
و مرا ناامید مگردان.  
ای که از بندگانت بسیار زود راضی می‌شوی!  
بخش بر بنده‌ای که به جز دعا و تضرع هیچ ندارد.  
ای که نام تو دوی دردمندان،  
یاد تو شفای بیماران  
و اطاعت از تو بی‌نیازی در جهان است!  
رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید به توست  
و جز گریه اسلحه‌ای ندارد.

• بخشی از مناجات امیرالمؤمنین که به یکن  
از باران خود به نام کعبیل معروف است. این دعا  
به نام دعای کعبیل مشهور است.





در روزگاری که جاهلان داشتن فرزند دختر را سنگ و عار می‌دانستند و زن در نزد آنان ارزشی نداشت، خداوند به بهترین بنده خود بهترین هدیه را داد: فرزندی دختر. دختری که برخلاف رسوم غلط آن روز، نه موجب تنگ، بلکه به فرموده پیامبر اکرم ﷺ، موجب برکت و شادمانی زندگی بود.

## فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا با وجود اینکه داشتن دختر در میان مردم آن دوران مایه تنگ بود، خداوند به پیامبر اکرم ﷺ فرزند دختر عطا کرد؟

فرزند پیامبر در سال پیشتر نداشتند که مشرکان مکه، پیامبر و خویشانش را سه سال در شعب ابوطالب در محاصره قرار دادند. هنوز سختی محاصره تمام نشده بود که فاطمه مادرش خدیجه را از دست داد. فاطمه در تمام سال‌هایی که در مکه به همراه پیامبر زندگی می‌کرد، بارها و بارها شاهد آزار و اهانت پیامبر توسط مشرکان بود. اینها موجب شد ایشان در دوران کودکی، دشواری ترک شهر و دیار خود را بپذیرد و به دنبال پدر به مدینه هجرت کنند. این رنج‌ها نه تنها موجب ثباتی امس نشد بلکه او را مقاوم‌تر و استوارتر ساخت.

شاید این سخن پیامبر را شنیده‌اید که:

فاطمه سرور زنان آفرین و آخرین و برترین بانوی جهان است.<sup>۱</sup>

یعنی در بین زنان عالم چه در گذشته و چه در زمان حال و آینده کسی بهتر و والا مقام تر از ایشان نیست. پس با الگو گرفتن از زندگی ایشان می‌توانیم خود را تا حدی توان به شخصیت بهترین و برترین بانوی جهان نزدیک کنیم. اینک با برخی از ویژگی‌های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آشنا می‌شویم:

#### ۱۴ | حیا و عفت

هنوز چند روزی از پیوند آسمانی حضرت علی و حضرت زهرا نگذشته بود که نزد پیامبر خدا آمدند تا از راهنمایی‌های ارزنده ایشان، برای ادامه زندگی مشترکشان استفاده کنند. چه کسی بهتر از پیامبر خدا می‌توانست راه بهتر زندگی کردن را به آنها بیاموزد؟ پیامبر خدا مسأله‌های گوناگونی که به زندگی زیبای آن دو آرامش بیشتری بخشید! یکی از راهنمایی‌ها این بود:

علی بن ابی‌طالب، بهتر است شما کارهای بیرون خانه را بر عهده بگیری و دخترم فاطمه کارهای داخل خانه را.



وقتی این تقسیم کار انجام شد، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

خدا می‌داند چگونه خیرت‌حالم را اینکه رسول خدا، مرا از رویه و مندن با مردان نامحرم بی‌نیاز مینماید.



#### ۱۲ | حضور در اجتماع

آن حضرت با آنکه سعادت زنان را در دوزی از مردان نامحرم می‌دانست اما هرگاه نیاز به حضور زنان بود و یا هرگاه حتی به خطر می‌افتاد با حفظ حیا و وقار به میان مردم می‌آمد و به وظیفه خود عمل می‌کرد. سخنان و خطبه‌های آن حضرت در مسجد مدینه، نمونه‌هایی از حضور ضروری در اجتماع است.

ایشان به هنگام جنگ در خانه‌شان می‌نخست و آن را برای روزندگان می‌فرستاد و هرگاه نیاز بود در جبهه به مدارای مجروحان و آب‌رسانی به آنان مشغول می‌شد. معارف و احکام دین را به زنان می‌آموخت و با گشاده‌رویی به پرسش‌های آنان پاسخ می‌داد و هرگز از این کار خسته و آزرده نمی‌شد.

#### ۳۴ | علاقه شدید به پیامبر

حضرت فاطمه علیها السلام انس و علاقه بسیاری به پیامبر داشتند. هرگاه غذای خوبی تهیه می‌کرد، رسول خدا را نیز دعوت می‌کرد و نسبت به ایشان همچون مادر مهربان بود. در جنگ‌های سخت، با به خطر انداختن جان خود، در میدان نبرد زخم‌های پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین را مداوا می‌کرد. در لحظات پایانی عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیض از همه بی‌تابی می‌کرد تا اینکه پیامبر مرده داد که دخترم! تیر اولین کسی هستی که بعد از من، به من ملحق می‌شوی. اینجا بود که همه دیدند لبخندی در چهره فاطمه علیها السلام پدیدار گشت.

پیامبر نیز احترام فراوانی به ایشان می‌گذاشت و او را از جان و دل دوست می‌داشت. هنگام مسافرت با آخرین کسی که خدا حافظی می‌کرد حضرت فاطمه بود و هنگام بازگشت از مسافرت نیز اولین کسی را که دیدار می‌کرد فاطمه بود.

هرگاه حضرت فاطمه علیها السلام ولاد خانه می‌شد، پیامبر اعظم با خوشحالی از جای می‌خاست، به او خوشامد می‌گفت، دست‌نشان را می‌بوسید و او را در کنار خودش می‌نشاند و می‌فرمود:

فاطمه نایه شد مانی قلب من است.



#### فعالیت کلاسی

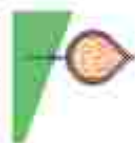
پیامبر اکرم در باره حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید:

خداوند فاطمه را دوست دارد و دوستداران فاطمه را نیز دوست دارد. خداوند با خوشحالی فاطمه خشنود و با خشم او خشمگین می‌شود.  
به نظر شما چرا خداوند با خوشحالی حضرت فاطمه علیها السلام خشنود و با خشم او خشمگین می‌شود؟ درباره این موضوع با هم کلامی هایتان صحبت کنید.

#### ۱۴ اهمیت دادن به خانواده و خاله داری

او که به فرموده پیامبر اکرم مرور همه زنان عالم است، کار خاله را عیب نمی دانسته. گندم را با دستمالی (آسیاب منگی کوچک) آرد می کرد و نان می پخت و گاه سختی کارهایش به خدی بود که دستمالش تا اول می زد. در زندگی مشترک با وجود تمام سختی ها مایه آرامش خانواده بود. آن گونه که امام علی علیه السلام درباره ایشان می گوید:

هرگاه به او می نگریستم غم و اندوه من بر طرفت می شد. خدا می داند که فاطمه در تمام مدت زندگی هرگز مرا خشنودگی نداشت و بزای خود چیزی از من نخواست. مندا که من نتوانم آن را فراهم کنم [و مشر شده شوخ]. فاطمه باوری نیکو در راه پیروی از خدا بود.<sup>۱</sup>



حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به تربیت و آموزش فرزندانش نیز توجه خاصی داشته. در شب هایی قدره به فرزندانش غذای مسکی می داد، تا بتوانند برای عبادت خدا شب را بیدار بمانند و از برکات این شب بهره مند گردند.

با وجود همه کارها و گرفتاری ها، خورد نیز به عبادت خدا توجه داشته. برخی شب ها تا صبح به راز و نیاز با خدا مشغول بود. اما با وجود این همه عبادت، باز هم نگران بودا نگران از سفر آخرت. به پیامبر خدا می گفت: می گند به خدا که اندوهم شدت می یابد آن گاه که می اندیشم من برای سفر طولانی آخرت چه آماده کرده ام!

#### ۱۵ ساده زیستی

با آنکه دختر پیامبر بود، اما همچون پدر بزرگوارش ساده می زیست. مبلغان فارسی که می گویند: عظمت شاهان و شاهزادگان ایران را دیده بود، هنگامی که دختر رسول خدا را می بیند، می گوید: شگفتا، دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت هایی از طلا می نشینند و پارچه های زوالت بر تن می کنند اما دختر رسول خدا نه چادر گران قیمتی بر سر دارد و نه لباس هایی فاخر بر تن.<sup>۲</sup>

با آنکه ایشان به هنگام ازدواج، خواستگاران زیادی از بزرگان و ثروتمندان شهر داشت و حتی برخی از آنان حاضر شده بودند به اندازه صد بار بیشتر پارچه های گران قیمت و هزاران دینار طلا

۱. کنفیه، ج ۱، ص ۲۵۴ بحار، ج ۴۶، ص ۱۱۷ و ۱۲۲.

۲. بحار، ج ۱، ص ۲۰۲.

مهتره ایشان کنند، اما فاطمه، علی را برگزید که از مال و ثروت دنیا جز یک شتر، یک زره و یک شمشیر چیزی نداشت؛ و ایمان را به ثروت برتری داد.

پس از ازدواج تا مدت زیادی در خانه‌ای که اجاره کرده بودند زندگی کردند تا اینکه بعدها توانستند در کنار منزل پیامبر خانم‌ای بسازند. خانه‌ای که فرش آن حصیری بود که تنها نیمی از اتاق را می‌پوشاند و نیم دیگر با شن نرم پوشیده شده بود.

#### ۱۶ | ایثار و بخشندگی

حضرت فاطمه علیها السلام رسیدگی به محرومان را نیز عبادت و اطاعت خدا می‌دانست. بارها فقرا به درب‌خانه او می‌آمدند اما با آنکه خود ثروتمند نبود، آنچه داشت به آنها می‌بخشید.

تسلیت رنگ پریده‌اش نشان از گرمی می‌دهد. پیرمرد با لباس‌هایی بسیار کهنه، آرام آرام پیش می‌آید و در مقابل رسول خدا می‌ایستد.

ای نبی خدا، گرمه‌ام، لباس عناسی ندارم.

رسول خدا با مهربانی می‌فرماید: اکنون چیزی ندارم، اما تو را به خانه‌ای که می‌فرستم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند؛ کسی که خدا را بر خود مقدم می‌دارد، سپس روزه با لاله می‌کند و می‌فرماید: او را به خانه فاطمه راهنمایی کن.



پشت در خانه پیر مرد با صدای بلند می گوید: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت!

♦ سلام بر تو، کیستی؟

پیر مردی هستم که به پیامبر خدا پناه آوردم. اگر می توانید در حقم بزرگواری کنید. فاطمه درون خانه را می نگرد، نه خوراکی برای سیر کردن فقیر دارم، نه لباسی برای پوشاندن او. فقیر را هم که نمی توان دست خالی بازگرداند. ناگهان چیزی به نظر ایشان می رسد. گردن بندی را که برایش خیلی ارزشمند و یادگاری از عزیزان امته از پشت در به فقیر می دهد.

♦ این گردن بند را بفروش. شاید در برابر آن، خداوند چیزهای بهتری به تو عطا کند. پیر مرد وارد مسجد می شود و ماجرا را بازگو می کند. دانه های اشک بر صورت پیامبر خدا جاری می شود.

عقار یا سر می گوید: گردن بند را به چند می فروشی؟

♦ به غذایی که سیرم کند، لباسی که مرا پوشاند و سکه ای که تا خانه ام برساند.

♦ آن را می خرم و علاوه بر آن، بیست سکه طلا و دو بیست سکه نقره نیز به تو می دهم.

♦ چقدر سخاوتمندی ای، حرف گردن بند را به تو فروختم.

عقار بغای گردن بند را می بردارد. سپس آن را به غلامش می دهد.

♦ این گردن بند را به رسول خدا تقدیم کن، تو و این گردن بند را به ایشان هدیه می دهم.

غلام نزد پیامبر اکرم می آید، رسول خدا می فرماید: آن را به دخترم فاطمه بده، تو را نیز به او می بخشم. او نزد حضرت فاطمه علیها السلام می آید و ماجرا را بازگو می کند. ایشان گردن بند را گرفته و غلام را در راه خدا آزاد می کند.

غلام از شادمانی آزادی، با صدای بلند می خندد و می گوید: عجب گردن بند پربرکتی، گرسنه ای را سیر کرده، برهنه ای را پوشانده، فقیری را بی نیاز کرده، بنده ای را آزاد ساخت و در پایان به صاحب اصلی اش بازگشت!





## فعالیت کلاسی

با توجه به این آیات که ویژگی‌های مؤمنان را ذکر کرده است، بگردید هر آیه به کدام قسمت داستان اشاره دارد:

	<p>يُؤْتِرُونَ عَمَلِنَ اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند هر چند خود نیازمند باشند.</p>
	<p>لَنْ تَسْأَلُوا السَّاعَتِي تَسْأَلُوا بِمَا تُحِبُّونَ هرگز به نیکی [از امتین] دست نمی‌بایند مگر آنکه از آنچه دوست دارید اتفاق کنید.</p>
	<p>مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا هر کس کار نیکی کند بهتر از آن را پاداش می‌گیرد.</p>

## خودت را امتحان کن

- چرا حضرت زهرا علیها السلام هرگز از امیرالمؤمنین چیزی درخواست نمی‌کرد؟
- دلیل ازدواج حضرت زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین، با وجود اینکه خواستگاران ثروتمندی داشتند، چه بود؟
- پیغام مورد از ویژگی‌های اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام را بنویسید.

۱- سنوا احقر، آیه ۹

۲- سنو العزیز، آیه ۸۲

۳- سنو العزیز، آیه ۸۹

### نام‌ها و لقب‌های حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام نام‌ها و لقب‌های زیادی داشتند که هر یک در بردارنده معانی بلند و پربرتری است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

بنوله: از زنان در تقرب بالاتر؛

حانیه: مهربان در حق شوهر؛

راضیه: رضی به خیر است خدا؛

زکیده: زشت یافته؛

زهرا: نورانی؛

صدیقه: دارای گنjar و کردار صادقانه؛

ظاهره: پاکیزه از صفات بد؛

فاطمه: دور شده از آتش؛

بیارکه: صاحب خیر و برکت؛

مرضیه: کسی که خدا از او خوشنود است؛

مظفره: از هر آلودگی و پلیدی دور است؛

منصوره: کسی که یاری می‌شود.

### پیشنهاد

با مراجعه به یکی از تفسیرهای قرآن کریم، بگویند سوره کوشر چه ارتباطی با محتوای این درس دارد.

مرا بہ رزقی کہ می دہی قانع ساز،  
و مادام کہ مرا زندہ نگہ می داری، سلامتہم بدار،  
و چون جانم را گرفتی مرا بیامرز و رحمت را بر  
من فرود آور.

خدا یا! بہ پدر و مادر من بہترین پاداشت را عطا کن.  
خدا یا! گذران عمر مرا در واہ عدقی کہ برای آن  
خلقم نموده ای، فرار دہ.

خداوند! مقام و منزلت خود را در دل من افزون  
ساز.

و فرمانبرداری از آنچه تو را خشتود می کند،  
و دوری از آنچه خشم تو را باعث می شود،  
بر دلم الہام کن.

ای مہربان ترین مہربانان!

تو ہم اگر بخوانی می توانی چند جملہ با پروردگارت  
متخین بگویی.

.....  
.....

• حاجات حضرت زہرا (ع)، نہ ما را لا تبار،  
ج ۹۲، ص ۴۰۶.

کتاب «هدیه‌های آسمان» ما را با احکام تحریم و نامحریم آشنا کرد. همچنین با احکام سفر، نماز مسافر، احکام عیدهای قربان و فطر نیز آشنا شدیم. در اینجا با احکام دیگری آشنا می‌شویم:

♦ **درس هشتم (افتخار بندگی):** در این درس با شرایط و احکام بلوغ و نیز با وظایف دوران بلوغ آشنا می‌شویم. همچنین شیوه‌ها را گرفتن احکام شرعی را نیز می‌آموزیم.

♦ **درس نهم (به سوی پاکی):** خداوند مهربان برای اینکه زندگی پاک و سالمی داشته باشیم، ما را به پرهیز و دوری از برخی چیزها توصیه کرده است. یکی از آنها نجاسات است که برای حفظ سلامتی روحی و جسمی باید از آنها دوری کنیم. در این درس با شش مورد از نجاسات و شیوه پاک کردن آنها آشنا می‌شویم.

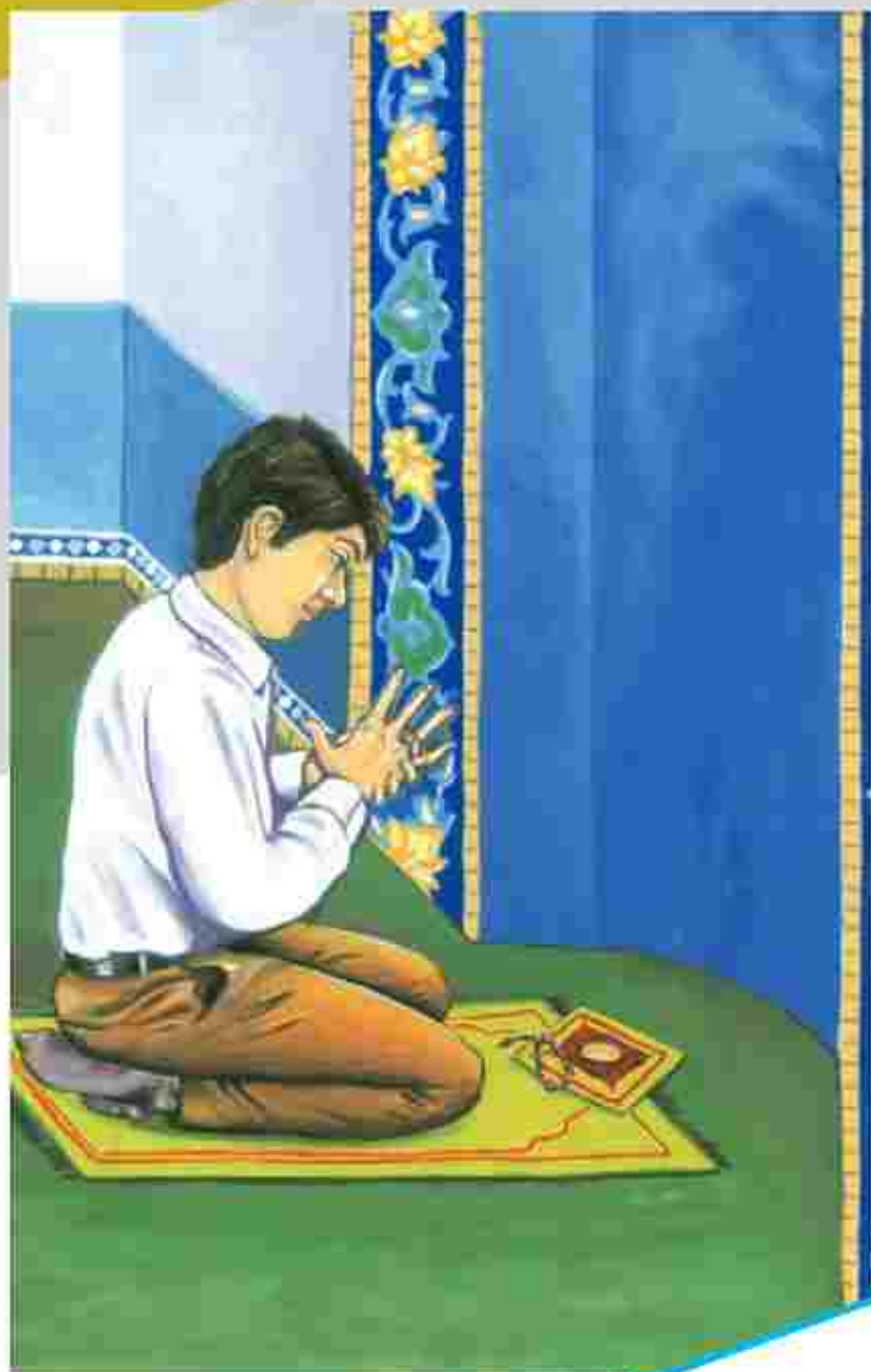
♦ **درس دهم (ستون دین):** زیباترین شیوه‌ها را از نیاز یا خداوند که بر ما واجب شده نماز است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز را ستون و پایه دین معرفی کرده است. در این درس با نمازگزاران واقعی، آداب و واجبات نماز، و اهمیت نماز اول وقت آشنا می‌شویم.

♦ **درس یازدهم (نماز جماعت):** یکی از زیباترین و کامل‌ترین شیوه‌های به جا آوردن نماز، به صورت جماعت است. در این درس با نماز جماعت و ارزش آن نزد خداوند، و نیز با نماز جمعه و شیوه اقامه آن آشنا می‌شویم. همچنین در این درس می‌آموزیم چگونه غسل کنیم.



فصل چهارم

راه و توشه





## روز به یاد ماندنی

- ♦ پسر، این هدیه را از من و عبادت پذیر، هدیه ای برای تبریک امروز، با خود گفتم؛ مگر امروز چه روزی است؟ یا کنبجکاوای هدیه را برداشتم و آن را باز کردم، انگشتر زیبایی نقره با نگینی از عقیق قرمز.
- ♦ ممتونم، اما واقعا من هنوز نفهمیده‌ام که امروز چه روزی است و این هدیه برای چیست؟
- ♦ امروز روز مهمی در زندگی توست؛ تو از امروز به تکالیف می‌رسی.
- ♦ ولی تا روز تکالیف من هنوز چند ماهی باقی مانده است.
- ♦ اگر به سال شمسی حساب کنی، چند ماه مانده است، ولی من تکالیف را به سال قمری حساب می‌کنم، تو امروز وارد مرحله جدیدی از زندگی استی یعنی شوقی دورانی که در آن مسئولیت‌های جدیدی بر عهده می‌گیری.
- ♦ با خود گفتم: درست است، از امروز باید این افتخار بزرگ را قدر بدانم و از این پس نمازهایم را به موقع به جا بیاورم، از امروز خداوند مرا به حضورت رسمی در جمع بندگانش پذیرفته است. احساس خوبی داشتم، انگشترم را در دست کردم و به آن نگاه کردم. احساس می‌کردم مهم‌تر شده‌ام و شخصیت من رسمیت یافته است، زیرا لب گفتم: انگشتر را نگاه می‌دارم که یادگار روز مهمی در زندگی من است، آن را نگاه می‌دارم تا هرگز این روز را فراموش نکنم، نه این روز را و نه مسئولیت‌هایم را...

بلوغ شرعی منرا آغاز واجب شدن تکالیف دینی است؛ یعنی بر هر دختر و پسری واجب می‌شود مانند بزرگسالان، به احکام دینی خود مانند نماز، روزه، حجاب و... عمل کنند. ممکن است انجام تکالیف در ابتدا با دشواری همراه باشد؛ مثلاً:

♦ هر روز باید پس از اذان صبح برای نماز صبح بیدار شویم.

♦ در ماه رمضان باید از اذان صبح تا اذان مغرب روزه بگیریم.

♦ در هنگام روی آوردن با نامجرمان، باید نگاه خود را کنترل کنیم و...

حال اگر خداوند ما را دوست دارد که مطمئنیم دوست دارد پس چرا این کارها را بر ما واجب کرده است که انجام برخی از آنها برای ما دشواری دارد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال به مثال زیر توجه کنید:

فدزشکاری را تصور کنید که مریضی برای پیروزی او بر حریف و رسیدن به مقام و منزلت، تمرین‌های سختی به او می‌دهد. آیا ورزشکار به مریض خود اعتراض می‌کند؟ یا چنین می‌داند لازمه پیروزی در مسابقه، ورزشی و آمادگی بیشتر است، از آنها استقبال می‌کند و از مریض خود نیز تشکر می‌کند؟

برای اینکه ما انسان‌ها هم توان مقابله با شیطان و رسیدن به پادشاهی را داشته باشیم، خداوند تکالیفی را بر ما واجب کرده است؛ زیرا او ما را آفریده است و به توانایی‌ها و ضعف‌هایی ما بهتر از خودمان آگاه است. او می‌داند چه چیزی به سود ما و چه چیزی به زیان ما است، و دوست داشتن یا نداشتن ما دلیل خوبی یا بد بودن کاری نیست.

وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا

وَ عَسَىٰ خَيْرٌ لَّكُمْ

وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا

وَ عَسَىٰ شَرٌّ لَّكُمْ

وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

شاید چیزی را خوش نداشته باشید

و آن برای شما بهتر باشد

و شاید چیزی را دوست ندارید

و آن برای شما بدتر باشد

و خدا [اصلاح شما را] می‌داند و شما نمی‌دانید

### فقاهت کلاسی

به کمک دوستانتان در کلام، کارهای دیگری را نام ببرید که انجام آنها نیازمند تلاش، تعریف و رحمت است ولی موجب رشد و پیشرفت انسان می‌شود.

## تغییرات دوران بلوغ

در دوران بلوغ علاوه بر تغییراتی که در جسم به وجود می آید، تحولات روحی و شخصیتی مهمی نیز در نوجوانان پدیدار می شود. به عنوان نمونه:

پرمش های جنید در ذهن به وجود می آید. در این دوران، نوجوانان در دانسته های قبلی خود دچار تردید می شوند و تلاش می کنند دانسته های خود را بر اساس منطقی جدید، نظم دهند. بر اساس همین ویژگی است که دین اسلام می گوید: همه مسلمانان باید اصول دین را بر اساس فهم و درک درست بنا کنند و از تقلید در آنها بپرهیزند.

و با اینکه حس استقلال طلبی افزایش می یابد و افراد احساس می کنند می توانند به صورت مستقل دیدگاه های خود را بیان کنند. به همین دلیل انتظار دارند دیگران به حرف های آنها توجه کنند و به آنها اهمیت دهند.

اینها روحیات فطری و خدادادی است که موجب شکوفایی شخصیت می شود. اگر با این روحیات به درستی رفتار نکنیم و یا زیاده روی کنیم، انحرافات فکری و اخلاقی زیادی در کمین ما خواهد بود؛ به عنوان مثال اگر برای یافتن پاسخ های مسألات مهم دینی، به افراد ناآگاه و یا کسانی که اعتقادات صحیحی ندارند، مراجعه کنیم، جز سرگردانی و گمراهی نتیجه ای نخواهیم گرفت.



### بلوغ شرعی

بلوغ شرعی سه نشانه دارد؛ اگر فقط یکی از این نشانه ها در کسی ظاهر شود، او به بلوغ رسیده است:

- ۱ روییدن موها بر برخی قسمت های بدن.
  - ۲ فعال شدن برخی هورمون ها در بدن که نشانه های آن در پسران و دختران متفاوت است.
  - ۳ رسیدن به سن بلوغ؛ این سن برای پسران چهارده سال و شش ماه و پانزده روز و برای دختران هشت سال و هشت ماه و بیست و یک روز است.
- وقتی اتیان به سن بلوغ شرعی می رسد، انجام تکالیف شرعی بر او واجب می شود؛ از جمله این تکالیف نمازهای پنج گانه، روزه و غسل های واجب هستند.

استخوان نخکرم می تواند پدیدارهای مثلش امروز و هفته های پیش و جنینی، از موزه هسل های واجب به دانش آموزان خود نشان دهد. جهت کسب اطلاعات تیزه در باره نمونه های تولید شده از بیگانه، بیشتر می گویا معروف مراجعه کنید.

## ♦ ایجاد آمادگی برای انجام تکالیف

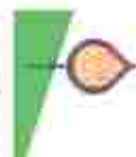
انجام تکالیف شرعی قبل از بلوغ واجب نیست؛ اما خوب است پیش از رسیدن به بلوغ - یا که یک پدر و مادر - وظایف دینی خود را فرایگیریم و با تمرین این تکالیف، علاوه بر بهره‌مندی از پاداش الهی، آمادگی کافی را در خود ایجاد کنیم.

تکرار و تمرین دستورات دینی قبل از رسیدن به بلوغ، آن قدر اهمیت دارد که اهل بیت علیهم‌السلام فرزندانشان را از خردسالی با وظایف دینی آشنا می‌کردند و از آنان می‌خواستند به اندازه توانشان به این تکالیف عمل کنند.<sup>۱</sup>

کودکی که قبل از رسیدن به بلوغ شرعی به انجام اعمال دینی عادت کند، به راحتی می‌تواند بعد از تکلیف شدن (در سنبل جوانی) واجبات دینی اش را به جا آورد.

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ لزوم عبادت در جوانی می‌فرماید:

محبوب‌ترین آفریده‌ها نزد خداوند جوان نورسیده و یا فرزندی است که جوانی و شادایی اش را در اطاعت خداوند سپری می‌کند. خداوند به چنین کسی نزد فرشتگانش افتخار می‌کند و می‌فرماید: این است بنده واقعی من.<sup>۲</sup>



## ♦ راه شناخت تکالیف دینی

نماز، روزه، خمس و زکات، حج، پرهیز از گناهان و... نمونه‌هایی از تکالیف دینی ما مسلمانان است. انجام صحیح این احکام، سعادت دنیا و آخرت ما را به دنبال دارد. حال چگونه می‌توانیم این تکالیف را به درستی انجام دهیم؟

یکی از راه‌های دستیابی به نحوه صحیح انجام این وظایف، تحصیل علوم دینی است. در هر زمان، افرادی برای کسب دانش و تخصص به حوزه‌های علمیه می‌روند و پس از سال‌ها تحصیل، مطالعه و تحقیق در علوم دینی به تخصص دست می‌یابند. به افراد متخصص در دین، مجتهد یا فقیه می‌گویند. مجتهدان می‌توانند تمام احکام دینی را به دست بیاورند و شیوه صحیح انجام دستورات خداوند را در هر عرصه شرعی روشن کنند.

۱- کنز، ج ۳ ص ۲۰۹

۲- اعلام النبیین، ص ۱۲۰

به نظر شما، آیا رسیدن به درجهٔ اجتهاد برای همگان امکان‌پذیر است؟  
اگر همه نمی‌توانند مجتهد شوند، پس راه شناخت وظایف و تکالیف دینی چیست؟



### مراجعه به مجتهد (تقلید)

راه شناخت احکام، مراجعه به متخصص در احکام دین است که به این کار، تقلید گفته می‌شود. به مجتهدی هم که دارای شرایط زیر باشد و مردم برای یادگیری احکام به او مراجعه می‌کنند، مرجع تقلید می‌گویند.  
مرجع تقلید باید شرایطی داشته باشد. برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ۱ | زنده باشد.
  - ۲ | شیعه دوازده امامی باشد.
  - ۳ | عادل باشد؛ یعنی به واجبات دینی عمل کند و از گناهان دوری کند.
  - ۴ | اعلم باشد؛ یعنی از سایر مجتهدان داناتر باشد.
- شناخت مرجع تقلید، برای عالمان دینی امکان‌پذیر است و مردم می‌توانند با مشورت آنان مرجع تقلید خود را انتخاب کنند.

### فعالیت کلاسی

الف) از میان انواع تقلید کدام درست و کدام نادرست است؟

جاهل از جاهل: .....

جاهل از عالم: .....

عالم از جاهل: .....

ب) با توجه به شرایط مراجعه تقلید، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱ | از دو نفر مجتهد، یکی از آنها داناتر و دیگری مدن تر است، آیا مردم می‌توانند

از هر کدام که بخواهند تقلید کنند؟ چرا؟

۲ کمالی که اعمال به بلوغ می‌رسند، آنها می‌توانند از مرجعی که از دنیا رفته است، تقلید کنند؟ چرا؟

### خودت را امتحان کن

۱ نشانه‌های بلوغ شرعی را به صورت خلاصه بیان کنید.

۲ توضیح دهید از چه زمانی باید فراگیری تکالیف شرعی را آغاز کرد؟ چرا؟

۳ تقلید در احکام شرعی به چه معنی است؟ توضیح دهید.

۴ سه مورد از شرایط مرجع تقلید را بیان کنید.

### پیشنهاد

به کمک خانواده، دین و روحانی محل، مرجع تقلید خود را انتخاب کنید.



تو در «تکلیف» را به سوی من باز کردی  
 تا از این در به جمع بندگان خوب تو بیوندم،  
 پس مرا موفق به کاری کن که رضایت تو در آن است.  
 خدایا اکنون من تشنه محبت تو شده‌ام،  
 خدایا! من دست‌های خود را به سوی تو گرفته‌ام،  
 و همه امید و آرزوی من این است که مرابری کنی،  
 تا تکالیفی که بر عهده‌ام گذاشته‌ای، به خوبی  
 انجام دهم.  
 خدایا! اگر گاهی از سر غفلت از تو دور می‌شوم،  
 مرا به سوی خودت بازگردان.

تو هم اگر بخواهی می‌توانی چند جمله یا پروردگارت  
 سخن بگویی:

.....  
 .....





در قزو شگاه‌های لوازم خانگی همراه هر وسیله یک دفترچه راهنما قرار دارد. این دفترچه شیوه استفاده صحیح از وسیله، راه‌های تمیز کردن آن و حتی برطرف کردن برخی از خرابی‌های ساده را نیز یاد داده است. این دفترچه‌های راهنما را مسازندگان آن نوشته‌اند که از هر کس دیگری به آن وسیله آگه‌تر بوده‌اند.

اکنون ببینیم!

چرا مسازندگان، دفترچه راهنما را کنار وسیله‌ها قرار می‌دهند؟

اگر کمالتی که می‌خواهند از این وسیله‌ها استفاده کنند، این دفترچه‌ها را کنار بگذارند و به آنها توجه نکنند، ممکن است چه اتفاقی برای وسایلمان بیفتد؟

### فعالیت کلاسی

به نظر شما، آیا کسی که ما آسمان‌ها را آفرینده، برای زندگی سعادت‌تشدانمان ما نیز دفترچه راهنما فرستاده است؟

خداوند آفریننده ماست و بیشتر از هر کسی می‌داند که چه چیزی برای ما زیان‌آور و چه چیزی مفید است؛ به همین دلیل، او به ما آموخته است چگونه زندگی کنیم. از چه چیزی دوری کنیم و به چه کارهایی بپردازیم.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

خداوند حکیم هر چیزی را که برای سلامتی مردم زیان‌آور باشد و موجب هلاکت و نابودی آنان شود، حرام کرده و آنچه را برای سلامتی آنها مفید باشد، حلال کرده است.



یکی از مواردی که خداوند ما را به اجتناب و دوری از آنها دستور داده، نجاسات است. رعایت نظافت و دوری از نجاسات، نه تنها موجب سلامتی جسم و روح ما می‌شود، بلکه مقدمه و شرط قبولی برخی عبادات نیز هست.

## آشنایی با احکام نجاسات

در اینجا با مشی مورد از نجاسات آشنا می‌شویم:

- ۱ خون:** خون در بدن انسان مایع ارزشمندی است که بدون آن، زندگی غیر ممکن است. اما خون بعد از خارج شدن از بدن نجس محسوب می‌شود و باید از تماس با آن خودداری کرد. علاوه بر خون انسان، خون حیواناتی که خون جفنده دارند نیز نجس است.
- ۲ و ۳ ادرار و مدفوع:** مراد زائد و مستی بدن که خطرناک و بیماری‌زا هستند. به صورت ادرار و مدفوع از بدن خارج می‌شوند. این مراد نجس هستند. به همین دلیل باید محل دفع ادرار و مدفوع را با آب شست و مشر داد. این کار علاوه بر اینکه برای سلامتی ضروری است، برای به جا آوردن نماز، واجب است.

خوب است بدانیم، اضرار و مدفوع حیوانات حرام گوشتی که خون جفته دارند، مانند گریه و مویش نیز نجس است؛ اما اضرار و مدفوع حیوان های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند نجس نیستند. **۴ و ۵** **سگ و خوک:** تمام اجزای بدن سگ و خوک (عرو، ناخن، پوست و استخوان) و رطوبت های آن نجس است.

از سگ می توان برای نگهداری ویبا شکار استفاده کرد، ولی باید محل نگهداری آن، دور از محل زندگی انسان باشد.



امام صادق (ع) می فرماید:

سگ مشکزی را در خانه ات نگهداری نکن، مگر اینکه بین تو و او ذری باشد (محل زندگی او جدا باشد).



**۶** **شراب:** شراب و هر مایع مستی آوری نجس است، قرآن کریم نوشیدن شراب را (چه کم و چه زیاد) حرام اعلام کرده و یکی از بزرگ ترین گناهان شمرده است.<sup>۱</sup>

## مطهرات

هر چیزی که با دو مورد از مطهرات که امیابی نجس شده زاپاک می کنند، آشنا می شویم:

### ۱۱ آب

یکی از نعمت های ارزشمندی که خداوند به انسان بخشیده آب است. آب مرچشمه زندگی است و بدون آن هیچ موجود زنده ای باقی نمی ماند. خداوند آب را طوری آفریده است که هم پاک است و هم پاک کننده است.

۱. بحار انوار ج ۲، ص ۵۲.

۲. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اشْرَبُوا مِنْ مَعِينِنَا وَلَا تَحْسَبُوا مَعِينَنَا إِنَّا بَعْدَ ذَلِكَ نَعْلَمُ» (س، مائده: ۶۹).



از آسمان، آبی پاک و پاک کننده فرود آوردیم.

آب یا راکد است یا جاری، و آب راکد نیز یا گرم است یا قلیل.



آب جاری آبی است که از زمین می‌جوشد و جریان دارد مانند آب چشمه، قنات و رودخانه، آب باران نیز حکم آب جاری را دارد.  
 اگر مقدار آب حداقل ۳۸۴ لیتر باشد، به آن آب گرم گفته می‌شود، همانند آب منبع، حوض و استخر که به این مقدار برسد، آب لوله‌کشی ساختمان‌ها، حکم آب گرم را دارد زیرا به منبع آب شهر یا رومنتا متصل است که مقدار آن بیش از آب گرم است.

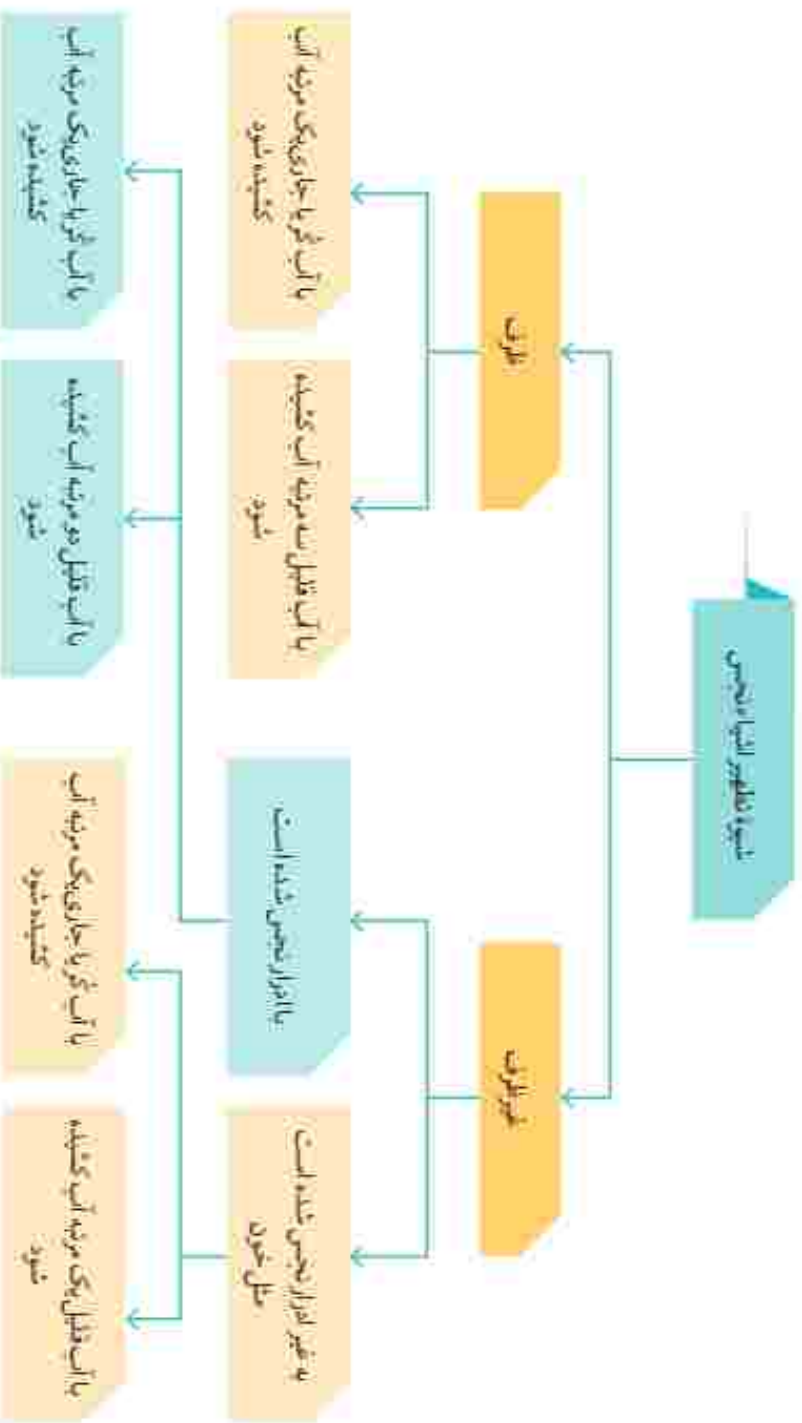




آب جاری و گر در بر خورد با نجاست، نجس نمی شود، مگر اینکه به وسیله نجاست، رنگ یا بویش تغییری کند؛ مثلاً رنگ خون را به خود بگیرد. اگر مقدار آب از ۳۸۴ لیتر کمتر باشد، به آن آب قلیل گفته می شود، مانند آب لیوان، پارچ و آفتابه. آب قلیل اگر با چیز نجس برخورد کند، نجس می شود؛ گرچه نجاست اندک باشد، مثل آنکه ذره ای خون در منقل آب بریزد.

### شیوه تطهیر با آب

برای پاک شدن چیزهایی که نجس شده اند، ابتدا باید نجاست را برطرف کنیم، سپس آن را زیر شیر آب بگیریم یا در آب جاری فرو ببریم. به طوری که آب به تمام جاهای نجس شده برسد. نمودار صفحه بعد شیوه تطهیر امیاء نجس با آب قلیل و گر را نشان داده است:



ظرفی را که سنگ لیسیده یا از آن آب خورده است، باید ابتدا خاک مال کرده، سپس آن را دوباره شست تا پاک شود. این ظرف بدون خاک مال کردن پاک نمی شود.

#### ۱۲۴ زمین

هرگاه کف پا یا کف کفش هنگام راه رفتن نجس شود، اگر راه رفتن را به مقداری ادامه دهیم که آلودگی ها برطرف شده، پاک می شود؛ بنابراین زمین یکی از مظهرات است که کف پا و یا نه کفشی را که به وامظه راه رفتن نجس شده باشد، پاک می کند؛ البته با چهار شرط؛ اول: خورد زمین پاک باشد، دوم: زمین خشک باشد، سوم: حین نجاست، با راه رفتن روی زمین کاملاً برطرف شود، چهارم: زمین سبزه زار، موکت یا فرش نباشد.

#### فعالیت کلاسی

گزینه های درست را با علامت ✓ و گزینه های نادرست را با علامت ✗ مشخص کنید.

	۱ اگر بدن ما با امدار آلوده شده، کافی است محل آن را با دستمال تمیز پاک کنیم.
	۲ ظرف نجس با دو بار آب قلیل ریختن پاک نمی شود.
	۳ اگر کف پای ما نجس شده باشد، ما راه رفتن روی موکت یا فرش پاک نمی شود.
	۴ ظرفی را که سنگ لیسیده است با دو بار شستن پاک می شود.

## خودت را امتحان کن



۱) اگر بدن انسان یا خون نجس شود چگونه می توان آن را تطهیر کرد؟

۲) زمین چه چیزهایی را می تواند پاک کند؟

۳) برای پاک کردن چیزهایی که نجس شده اند ابتدا چه باید کرد؟



پروردگارا!

تو را سپاس می گویم که مرا آفریدی؛  
و مرا مسلمان قرار دادی.

و هر آنچه را برای سلامتی ام لازم بود به من  
آموختی؛

و آب و پاک و پاک کننده قرار دادی.

خدایتدا! از هر ناپاکی که سلامتی ام را به خطر  
می اندازد

به تو پناه می برم.

به من زندگی پاکیزه عطا کن.

ای دوستدار پاکیزگان.

تو هم اگر بخوای می توانی چند جمله یا پروردگارت  
سخن بگویی:

.....  
.....







## وقت دیدار

گویا از آسمان آتش می بارد، زمین مثل تنور داغ و میوزان است، چند روزی است که در محاصره‌الد و دشمن نمی گذارد از رود فرات آبی بردارند. حالا تشنگی خودش را بیشتر نشان می دهد و تحمل آن در این گرمای طاقت فرما سخت و جانکاه شده است. لیلک اندک یاران مشجاع و با ایمان امام حسین علیه السلام، با عشق به شهادت به میدان لبرد می روند و پس از نبردی دلآویزانه، به شهادت می رسند.

خورشید که به میانه آسمان می رسد، یکی از یاران حضرت پیش می آید:

♦ وقت نماز است. دوست دارم پیش از شهادت با شما نماز بگیرم.

امام با لیختنی دلنشین می فرماید: نماز را یاد کردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد.

الله اکبر، الله اکبر...

فرزند امام «علی اکبر» ایاز می گوید: سپس نماز پرمشکوه ظیور عاشورا آغاز می شود.

امام با عده‌ای اندک از اصحاب به نماز می ایستد و چند تن از یاران نیز برای محافظت از نمازگزاران در برابر آنها صف می کشند.

دشمنان با دیدن این صحنه در گرما گرم نبرد، می خندند و آنها را مسخره می کنند. آن گاه کمان‌ها را با خشم می کشند و سپس بارانی از تیر بر روی بهترین جنگجویان خدا باریدن می گیرد.

گویا شیطان قلب تعاشق نماز امام حسین و یارانش را ندارد. نماز که پایانی می یابد، دو تن از یاران امام، آسمانی می شوند.

آنها شهیدان راه نماز و امام هستند.

از نماز فقیر عاشق و رقی امام حسین علیه السلام و پسرانش چه می آموزیم؟

## اهمیت نماز

برای داشتن نماز آن قدر نزد خداوند آرز شدند است که آن را به تمام پیامبرانش آمرخت و از آنان خواست مردم را نیز به برپا داشتن نماز متعارف کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

«آنگاه که انسان با ایمان، به نماز می ایستد تا پایان نمازش خداوند به او توجه می کند و رحمتش را بر من او می گستراند، فرشتگان اطراف او را می گیرند و به لومی گن بشد ای نمازگزار! اگر می دانستی مورد توجه چه کسی قرار گرفته ای و بنا چه کسی مناجات می کنی، هرگز نماز را رها نمی کردی!»

خوب گوش کن! می شنوی؟ ...

بشاید به سری نماز  
بشاید به سری رستگاری  
بشاید به سری بهترین عمل

حَمِي عَلِي الصَّلَاةِ  
حَمِي عَلِي الفَّلَاحِ  
حَمِي عَلِي خَيْرِ العَمَلِ

آیا شایسته است هنگامی که خداوند ما را به گفتگوی با خود می خواند و اجازه مناجات با خود را به ما می دهد، ما کار دیگری را ترجیح دهیم؟

از کتاب حج، ص ۲۴۵

امام باقر علیه السلام درباره ارزش نماز اول وقت می فرماید:

«نمازی که در اول وقت خوانده شود، به صورتی درخشان به سوی صاحبش برمی گردد و می گویند: تو مرا خوب حفظ کردی، خداوند هم تو را حفظ کند.»<sup>۱</sup>



کسی که نمازش را بدون دلیل به تأخیر بیندازد، دعوت خداوند در پرتالی نماز را مسک شمرده و به آن بی احترامی کرده است. نماز اول وقت موجب نزدیکی هر چه بیشتر انسان به خداوند و دوری از شیطان می شود.

پیامبر اکرم فرموده است:

پروزدگارستان می فرماید هر کسی به نمازهای پنج گانه اش اهمیت دهد و آنها را در وقت خود بخواند، من قول می دهم در روزی که به ملاقات من می آید او را به بهشت ببرم.<sup>۲</sup>



شاید از خودمان بپرسیم چگونه چنین چیزی ممکن است؟  
پاسخ این سؤال را می توانیم در قرآن کریم بیابیم:

وَنَمَازًا بِهِ يَادَارُ  
كَلِمَةً يَدْعُوكَ مِنْهَا  
وَرِشْتِيهَا يَبَازُ مِي دَارِ

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>۳</sup>



برپا داشتن درست و به موقع نماز، موجب می شود انسان از گناهان و ریشتی ها دور شود. هر قدر انسان از گناه دور شود به بهشت نزدیکتر می شود.

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۱۴۸.

۲- مستدرک المفهرج، ج ۹، ص ۱۱۰.

۳- سنن عسکریه، ج ۱، ص ۳۵۸.

## واجبات نماز

صدای اذان در فضای مدرسه پخش می‌شود...

الله اکبر، الله اکبر...

رحیم با اذان همه را به اقامه نماز دعوت می‌کند. مسعود و رضا وضو گرفتند و به نمازخانه رفتند. حاج آقا پارسا امام جماعت مدرسه در محراب رویه‌روی بچه‌ها نشسته بود و با کمالی که وارد نمازخانه می‌شدند سلام و احوالپرسی می‌کرد. رضا و مسعود هم بعد از سلام و احوالپرسی با حاج آقا، در صف اول نشستند. رضا که از روزش خسته شده بود، به مسعود گفت: ای کاش می‌شد همین‌طور نشسته نمازمان را بخوانیم. مسعود جواب داد: خوب نشسته بخوان، اینکه اشکالی ندارد. اگر هم مشک داری از حاج آقا بپرس. رضا رویه حاج آقا کرد و پرسید: پیشمید حاج آقا! ما می‌توانیم نمازمان را نشسته بخوانیم؟



آقای پارسا گفت: «ایستادن یکی از واجبات نماز است و نمازگزار باید تا جایی که برایش امکان دارد نمازش را ایستاده بخواند. فقط کسانی می‌توانند نمازمان را نشسته بخوانند که به دلیل ناتوانی یا بیماری نمی‌توانند ایستند.»

رضا گفت: «ببخشید حاج آقا، اگر کسی بخواند یک نماز درست بخواند باید چگونه نماز بخواند؟ آقای پارسا گفت: «هنگامی که رویه قبله می‌ایستد، ابتدا قصد می‌کند برای خوشنودی خداوند (قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ) نماز می‌خواند سپس «الله اکبر» می‌گوید. بعد سوره حمد و یک سوره دیگر از قرآن را می‌خواند و در ادامه، به اندازه‌ای که دستش به زانوهایش برسد خم می‌شود و ذکر رکوع را می‌گوید «سُبْحَانَ رَبِّكَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» بعد می‌ایستد، سپس دوبار سجده می‌کند و ذکر سجده را می‌گوید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»

رضا پرسید: آیا به جای «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» می‌توان سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» گفت؟

♦ به فرقی نندازد. رکعت دوم را هم مانند رکعت اول می‌خوانیم و پس از سجده دوم می‌نشیم و می‌گیریم:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَسْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». سپس اگر نماز دو رکعتی می‌خوانیم باید بگوییم:  
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» و نماز به پایان می‌رسد.

و اگر نمازمان سه یا چهار رکعتی باشد، بعد از صلوات بلند می‌شویم و در رکعت‌های سوم و چهارم یک سوره حمد به تنهایی می‌خوانیم و یا سه مرتبه آیه‌ت می‌گوییم: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

علاوه بر این، باید تمام کارهای نماز را به ترتیب و بدون فاصله انجام دهیم.

در این هنگام مسعود پرسید: اگر قنوت در رکعت دوم واجب نیست؟

♦ اگر چه قنوت در نماز ثواب بسیاری دارد و عا می‌توانیم دعاهای یمن را در آن از خداوند بخوانیم ولی قنوت در نماز واجب نیست.

در این هنگام آقای منیر جلو آمد و گفت: بچه‌ها بهتر است بقیه سؤال‌هایتان را برای وقت دیگری بگذارید تا نماز اول وقت به تأخیر نیفتد.

واجبات نماز پانزده مورد است که عبارتند از:



۱ نیت	۲ نیت	۳ تکبیر الاحرام
۴ رکوع	۵ سجده	
۶ قرائت	۷ ذکر	۸ تشهد
۹ سلام	۱۰ ترتیب	۱۱ سوالات

یک بار دیگر صحبت‌های آقای پارسا را با دقت بخوانید و با کمک معلم خود، جای هر کدام از واجبات فوق را در متن مشخص کنید.

از بین واجبات پانزده‌گانه‌ای که گفته شد، پنج مورد اول، ارکان نماز نامیده می‌شود. ارکان، قسمت‌هایی از نماز است که اگر نمازگزار آنها را فراموش کند یا به اشتباه، اضافه انجام دهد، نمازش باطل خواهد شد. ولی اگر واجبات دیگر را فراموش کند یا به اشتباه، اضافه انجام دهد، نمازش باطل نخواهد شد.



امام صادق (ع) همواره مراقب و دلسوز شاگردان و یاران خود بود و تعالیم دینی و اخلاقی را با مهر بلنی به آنها گوشزد می‌کرد. روزی آن حضرت از یکی از یاران خود خواست در حضورش یک نماز دو رکعتی بخواند. از آنکه فرصت خوبی برای اصلاح اشکالات نماز خود یافته بود، دو رکعت نماز خواند.

امام به او فرمود: شبیهت نیست یاران ما این گونه نماز بخوانند. آنگاه حضرت خود به پا خاست و دو رکعت نماز برای آموزش او اقامه کرد:

نماز امام با آرامش و سکون بود. به اطراف خود نگاه نمی‌کرد و تمام تمرکز ایشان بر نماز بود. اعمال نماز را با دقت و پشت سرهم انجام می‌داد. نماز امام سرشار از خضوع و خشوع در برابر پروردگار بود.



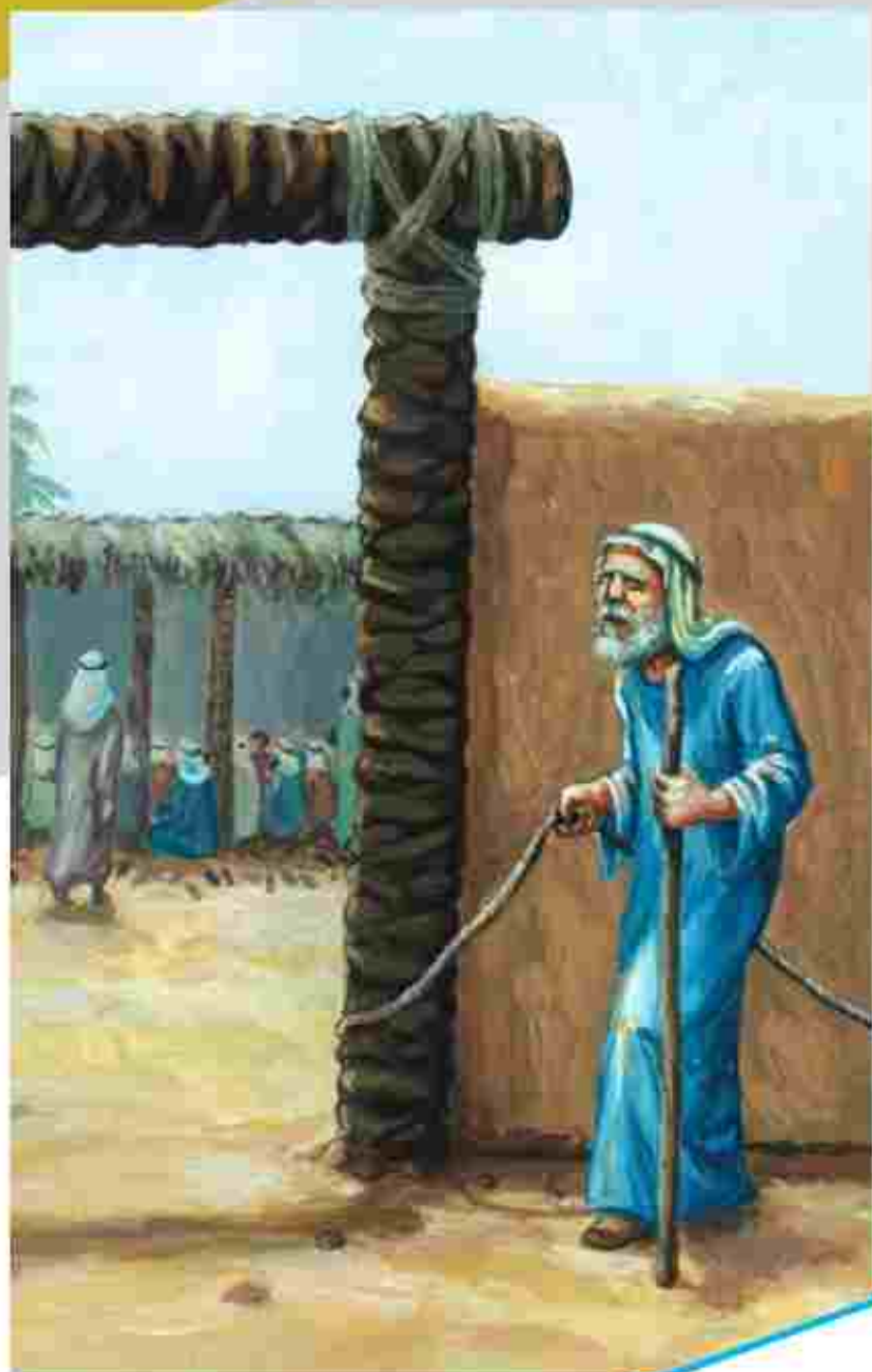
## خودت را امتحان کن

- ۱) ارکان نماز چندتا است؟ به ترتیب آنها را نام ببرید.
- ۲) کسی که به نمازهای پنج گانه اش اهمیت دهد و آنها را اول وقت بخواند، چه پاداشی خواهد داشت؟
- ۳) فرشتگان به نمازگزار با ایمان چه می گویند؟

## پیشنهاد

در حضور پیر یا امام جماعت یا پدر و مادر خود، یک نماز دو رکعتی کامل بخوانید و از آنها بخوانید اشکالات نماز شما را بر طرف نمایند.

من با تمام وجود به تو روی آورده‌ام،  
 و دانسته‌ام که نیاز خواهی انسان از نیازمندان،  
 نشانه کم خردی است؛  
 چه بسیار دیده‌ام مردمی را که از غیر تو عزت  
 طلبیده‌اند  
 و ذلت نصیبشان شده است؛  
 و توانگری را نزد دیگران جسته‌اند  
 و به تنگدستی رسیده‌اند.  
 ای سرور و آقای من،  
 تنها تویی که حاجتم را برآورده می‌سازی.  
 پیش از آنکه دیگری را بخوانم، تنها تو را می‌خوانم  
 و بس،  
 چرا که تنها امیدم تویی.



وقت اذان که می‌شده، با حضرت به صدای اذان مسجد گوش می‌داد. از اینکه نمی‌توانست در نماز جماعت شرکت کند و ثواب بزرگی را از دست می‌داد ناراحت بود.



تا اینکه یک بار با زحمت فراوان و با کمک عابران خود را به پیامبر اکرم ﷺ رساند و گفت:

♦ ای رسول خدا! من ناپیدا هستم و نمی‌توانم در نمازهای جماعت شرکت کنم. تکلیف من چیست؟

♦ خانم‌هاست؟

♦ چند کوزه‌ای با مسجد فاصله دارد.

♦ از خانه‌ات تا مسجد طناب بیند و هنگام نماز طناب را بگیر و به مسجد بیا.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا پیامبر اکرم همه مردم - حتی افراد نابینا - را به شرکت در نماز جماعت تشویق می‌کرد؟

پیامبر اکرم ﷺ همواره نماز را به جماعت اقامه می‌کرد و مسلمانان نیز بر اساس دعوت ایشان آن چنان به نماز جماعت پایبند بودند که گویی نماز به صورت جماعت و دسته جمعی واجب شده است و نماز فردی حالت خاص و استثنایی داشت. کامل‌ترین دین آسمانی، از مؤمنان می‌خواهد نه تنها در کارهایشان همپایی و اتحاد داشته باشند، بلکه بسیاری از عبادت‌هایشان را نیز به صورت گروهی انجام دهند.

ایام رضا علیه السلام درباره ارزش نماز جماعت می‌فرماید:

هر رکعت نماز جماعت به اندازه دویست و هفتاد رکعت نماز که به تنهایی خوانده می‌شود ارزش دارد.



نماز جماعت یکی از زیباترین و ارزشمندترین نمونه‌های همدمی مسلمانان با یکدیگر است. وقتی ما همگی در صف‌های منظم و شانه به شانه یکدیگر می‌ایستیم و به رزق و نیاز یا معبود خود می‌پردازیم، قلب‌هایمان بیشتر به خداوند توجه پیدا می‌کند و خداوند همه ما را مورد لطف و رحمت بیشتری قرار می‌دهد. به همین دلیل مستحب است نمازهای واجب به جماعت خوانده شود و شایسته نیست انسان بدون غلظت نماز جماعت را ترک کند. نماز جماعت این قدر ارزشمند است که مستحب است برای شروع نماز جماعت صبر کرد و اگر کسی نمازش را به تنهایی (فردی) خوانده باشد و بعد نماز جماعت شروع شود، بهتر است نمازش را دوباره به جماعت بخواند.



### فقالبت کلاسی

به نظر شما برگزاری نماز به صورت جماعت، چه فایده‌های دیگری می‌تواند داشته باشد؟

### احکام نماز جماعت

نماز جماعت دارای احکامی است که در اینجا با برخی از آنها آشنا می‌شویم:

۱ | مأموم نباید تکبیر الاحرام را پیش از امام جماعت بگوید.

\* موسس شیعه جعفری، ۲۰۰۱  
۱. مأموم به کسی می‌گوید که به امام جماعت خطا می‌کند.



۱۲ در نماز جماعت باید غیر از حمد و سوره همه قسمت های نماز را خودتان بخوانید، ولی اگر به رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت برسید، باید حمد و سوره را خیر و تان بخوانید.

۱۳ اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است، به نماز جماعت برسید، باید تکبیرة الاحرام بگویید و به رکوع بروید.

۱۴ اگر به رکعت دوم نماز جماعت برسید، اقتدائی کنید (یعنی یا گفتن تکبیرة الاحرام به نماز جماعت می پیونید) و قنوت و تشهد را با امام جماعت می خوانید. احتیاط آن است (بهر است) که موقع خواندن تشهد به حالت نیم خیز بنشینید، یعنی انگشتان دست و مینه پا را به زمین بگذارید و زانوها را بلند کنید. همچنین باید بعد از تشهد با امام برخیزید و حمد و سوره را بخوانید و در رکعت دوم نمازتان که رکعت سوم نماز جماعت است، بعد از دو سجده بنشینید و تشهد را بخوانید و برخیزید.

۱۵ اگر به اشیاء پیش از امام جماعت، سر از رکوع بردارید، چنانچه امام هنوز در رکوع باشد، باید به رکوع برگردید و با امام سر بردارید. (در این صورت زیاده شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی کند.)



### آشنایی با سایر احکام نماز جماعت

۱ بعد از تکبیر امام، اگر صف جلو آمده نماز باشد و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده می تواند تکبیر بگوید.

۲ اگر موقعی که نمازگزار مشغول نماز مستحی است جماعت برپا شود، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود.

۳ مأذون باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود را با امام یا کسی بعد از امام به جا آورد.

۴ مستحب است صف های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یکدیگر باشد.

۵ مستحب است بعد از شنیدن «قد قامت الصلاة» بالمؤمنین برخیزند و اگر در صف های جماعت جا باشد، مکروه است کسی تنها ایستد.



نیشتر بدانیم

## قطره در دریا

♦ آقا اجازه، همه آمده اند، با شما می شویم می نفری

آنوبس به راه می افتد، من هم مثل احمد برای اولین بار است که در راهپیمایی رون  
قدس شرکت می کنم.



هر قدر به محل نماز جمعه نزدیکتر می شویم جمعیت بیشتر می شود، احمد هم

مثل من با تعجب به این جمعیت انبوه چشم دوخته است. در طول مسیر، صندوق های میاره



کمیته‌های مردم به برادران و خواهران فلسطینی را جمع آوری می‌کنند. خبرنگاران هم از مردم قبلم  
و عکس می‌گیرند.

صدائی شعار تمام قضا را پر کرده است. در بین جمعیت مردی نوشته‌های بزرگ «مرگ بر اسرائیل»  
زاین مردم پخش می‌کند. یا چندتا از بچه‌ها جلوی می‌رویم. آنها را می‌گیریم. حالا من و احمد  
هم مثل بقره، «مرگ بر اسرائیل» خودمان را بالا گرفته‌ایم.

وارد محل نماز جمعه می‌شویم و در یکی از صفت‌ها می‌نشینیم. کم‌کم صدائی شعارها قطع  
می‌شود و امام جمعه به جایگاه می‌آید و خطبه نماز جمعه را شروع می‌کند.

آیه سخنان امام جمعه قبل از قرائت نماز جمعه خطبه می‌گردد.



اوپس از ستایش خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم و اهل بیت او علیهم السلام، مردم را به تقوا دعوت می‌کند و سپس درباره مسائل اخلاقی و اجتماعی صحبت می‌کند. آن‌گاه سوره کوچکی از قرآن را می‌خواند و روی منقلب می‌نشیند.

می‌ایستد و به اجمل می‌گردد بلند شود، الان نماز شروع می‌شود. احمد به من نگاهی می‌کند و می‌گوید مگر فراموش کردی؟ دیروز که آقای هادی بنور احکام نماز جمعه را توضیح می‌داد، گفت: نماز جمعه دو خطبه دارد. الان هم امام جمعه باید بلند شود و خطبه بعدی را بخواند. این دو خطبه به اضافه دو رکعت نماز جمعه، جایگزین نماز ظهر می‌شود. بنابراین دو خطبه جزء نماز جمعه است.

در این هنگام آقای هادی پور به ما اشاره می‌کند که موقع خطبه‌ها مدامت باشیم و گوش کنیم. ایام جمعه در خطبه دوم هم به ستایش خداوند و صلوات بر پیامبر و دعوت مردم به پرهیزکاری می‌پردازد و سپس درباره مسائل مختلف ایران و جهان صحبت می‌کند و در آخر هم یا خواندن سوره‌ای کوتاه، خطبه را تمام می‌کند. حالا همه در صف ایستاده‌ایم و منتظریم که نماز جمعه شروع شود.

الله اکبر؛ تکبیر الاحرام...

تلویزیون تصاویر راه‌پیمایی امروز را نشان می‌دهد، احساس بزرگی می‌کنم. من هم یکی از این جمعیت‌اندازه‌ایم که از مردم بی‌دفاع و مظلوم فلسطین حمایت کرده‌ام. روز قدس مسالی یک باره در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود، ولی نماز جمعه هر هفته برگزار می‌شود.

### شیوه اقامه نماز جمعه

نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است و به ترتیب زیر اقامه می‌شود:  
پس از تکبیر الاحرام امام جمعه، ما نیز تسبیح می‌کنیم و الله اکبر می‌گوییم. سپس هنگامی که ایام جمعه حمد و سوره نماز را می‌خواند ما سکوت می‌کنیم. پس از حمد و سوره امام، قنوت می‌خوانیم. سپس به رکوع می‌رویم و بعد سجده‌ها را به جماعت آوریم و برمی‌خیزیم.

در رکعت دوم نیز هنگام قرائت حمد و سوره امام منکوث می‌کنیم. پس از حمد و سوره امام، به رکوع می‌رویم و بعد از برخاستن از رکوع، به همراه امام قنوت می‌خوانیم و پس از قنوت به سجده می‌رویم و سپس تشهد و سلام طهارت را می‌خوانیم.

## غسل جمعه

یکی از کارهایی که مستحب است قبل از ظهر روز جمعه انجام شود، غسل جمعه است. مستحب است قبل از شرکت در نماز جمعه غسل جمعه به جا آورد. در اینجا با شیوه انجام غسل آشنا می‌شویم:

غسل کردن چهار مرحله دارد.

- ۱ ابتدا باید نیت کنیم. یعنی قصد داشته باشیم برای خوشنودی خداوند غسل کنیم.
- ۲ سپس باید سر و گردن خود را کاملاً بشوییم (البته در این مرحله لازم نیست وقتی که سرمان را می‌شوئیم داخل گوش و بینی و دهانمان را بشوییم؛ بلکه شستن همان مقداری از سر و صورت که دیده می‌شود، برای غسل کافی است).
- ۳ پس از شستن سر و گردن، باید طرف راست بدن را شست و بشویم؛ یعنی از بالای شانه راست تا کف پای راست را کاملاً بشوییم. در این مرحله باید طرف راست شکم، سینه و کمر، تمام پای راست و تمام دست راست شسته شود.
- ۴ پس از این مرحله، باید طرف چپ بدن را نیز مانند طرف راست بدن کاملاً شست و بشویم.

به یاد داشته باشیم تمام غسل‌های واجب و مستحب (که یا بخشی از آن در درس الفتحار بتذکی آشنا شدید) به همین صورت انجام می‌شود و تنها نیت‌های آنها با یکدیگر متفاوت است.

در غسل باید آب به تمام اعضای بدن برسد. بنابراین اگر چیزی به بدن چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد، باید قبل از شروع غسل، آن را برطرف کنیم. برای اینکه مطمئن شویم هر طرف کاملاً شسته شده، لازم است کمی از طرف دیگر را نیز در هر مرحله شست و بشویم.



## خودت را امتحان کن

۱) نماز جمعه چگونه خوانده می‌شود؟

۲) در نماز جماعت مأموم باید غیر از ..... و ..... همه قسمت‌های نماز را خودش بخواند.

۳) شیوه انجام غسل را توضیح دهید.

## پیشنهادهای

آنچه در درس خواندید، گزارشی از اولین تجربه حضور یک دانش‌آموز در راهپیمایی و نماز جمعه برد، شما هم می‌توانید یکی از خاطرات حضور خود در نماز جمعه را بنویسید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.



ای خدایی که به ما توفیق دادی  
 تا در تنهایی و جمع با تو سخن گویم.  
 مرا توفیق حضور در نمازهای جماعت عطا کن،  
 ای که مسجد را گرامس ترین خانه قرار دادی،  
 یاری ام کن تا در خانه ات با تو سخن گویم.  
 خدایا مرا پیرو امام حسین علیه السلام قرار ده،  
 کسی که در ارج نیر یازان دشمن نیز،  
 نماز خود را به جماعت خواند.

تو هم اگر بخواهی من توانی چند جمله با پروردگارت  
 سخن بگویی

.....  
 .....

سال گذشته با ویژگی‌های دانش آموز نمونه آشنا شدیم. دانستیم که اولاً وقت خود را خوبی استفاده می‌کند، به معلمش احترام می‌گذارد و در زندگی انسان منظمی است. همچنین دانستیم که چگونه با تلاش می‌توان موفق شد و برای موفقیت، داشتن نظم ضروری است. در درس «راه تندرستی» نیز با راه‌های حفظ سلامتی آشنا شدیم. در این فصل با سایر صفات اخلاقی آشنا می‌شویم که زندگی را زیباتر و موفق‌تر می‌سازد:

♦ **درس دوازدهم (نشان عزت):** زندگی سعادت‌مندانه و پر افتخار در این دنیا نیازمند عمل به دستورات الهی است. یکی از احکام الهی که تأثیر فراوانی در مسالم ماندن ما و جامعه دارد، رعایت پوشش اسلامی است. این درس تأثیر رعایت پوشش اسلامی در مسالم‌سازی زندگی، و مصون ماندن زنان و مردان از تیرهای شیطان را بیان می‌کند.

♦ **درس سیزدهم (بر بال فرشتگان):** در این درس می‌آموزیم کسب دانش آن قدر ارزشمند است که خداوند و پیامبر اکرم همواره مردم را به فراگیری آن دعوت کرده‌اند. کسی که به یادگیری علم می‌پردازد هم محبوب خدا می‌شود و هم پاداش فراوانی از سوی خداوند نصیب او می‌گردد.

♦ **درس چهاردهم (کمال هم نشین):** در این درس می‌آموزیم که چگونه دوست خوب انتخاب کنیم و دوست خوب چه ویژگی‌هایی دارد. این درس سه مورد از ویژگی‌های دوست خوب را معرفی می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: اهل شکر و نیکی بودن، وفای به عهد داشتن، و راستگو بودن.

♦ **درس پانزدهم (مزدوران شیطان):** صفات اخلاقی ناپسند، همانند می‌گروهبانی هستند که به قلعه روح ما نفوذ می‌کنند و ما را از رسیدن به بهشت ربی الهی بازمی‌دارند. این درس دو بیماری اخلاقی و راه مبارزه با آنها را به ما نشان می‌دهد.



فصل پنجم

اخلاق



در روز بیشتر تا پایان مسابقه عکاسی باقی نمانده بود و من هنوز موضوع مناسبی برای عکاسی پیدا نکرده بودم.

آن روز در راه مدرسه نگاهم به باغچه کنار پیاده‌رو افتاد. گل‌های رز سفید، حسرتی و قریب در میان سبزه‌های زیبا و شاه‌باب خوردنهایی می‌گرفتند.

چلوثر رستم و از نزدیک به آنها نگاه کردم. گل‌ها بهترین موضوع عکاسی بودند، اما حیثیت که در بین هم‌راهم نبود، با خودم گفتم: فردا حتماً دوربین را با خودم می‌آورم و چند عکس زیبا از گل‌ها می‌گیرم.

فردای آن روز، زودتر از همیشه از خانه بیرون آمدم و با اشتیاق به طرف باغچه گل‌ها به راه افتادم. چند قدم تا باغچه بیشتر باقی نمانده بود که ناگهان از تعجب سر جابم میخ‌کوب شدم. روی زمین پر بود از گلپیک‌های پژمرده و برگ‌های سبز رنگی که از ساقه جدا شده بودند! از آن بوته‌های زیبای گل به جز چند ساقه خالی چیزی باقی نمانده بود. اندوهی تمام وجودم را فراگرفت. آن روز تا ظهر در فکر سر توشت درختک گل‌ها بودم.

فردای آن روز در راه مدرسه ...

انگار دارم خواب می‌بینم؛ یک بوته بزرگ پر از گل‌های زیبای محفندی، آن هم در نزدیکی گل‌های پریز شده دیروز، با خودم فکر کردم که چطور ممکن است دست‌های بی‌رحمی تمام گل‌های آن بوته را پزیر کرده باشند، ولی هیچ آسیبی به این گل‌های شاه‌باب و باظرافت نرسانده باشند.

خوب که دقت کردم دیدم پاسخ من تنها یک کلمه بوده: پرچین!



به نظر شما باغبانی که اطراف بوته گل را حصار می کشد، آیا آن را زندانی می کند؟  
 این اقدام باغبان برای چه کسی سودمندتر است؟  
 همه ما تلاش می کنیم از اشیای ارزشمند و گران بهای خود در برابر خطرها و آسیب ها محافظت  
 کنیم. قراردادن اشیای گرانبهاتر در گاوصندوق نمونه ای از این مراقبت هاست.

### فعالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید و نمونه هایی دیگری از این مراقبت های  
 عاقلانه را بیان کنید.

## آرامش و امنیت

یکی از دستورهایی حکیمانه خداوند که سلامتی روح ما انسان ها را در پی دارد، حکم  
 حجاب است. آفرندگان دانا و توانا که از هر شخص دیگری به نقاط قوت و ضعف ما آگاهتر  
 استند، می فرمایند:

ای پیامبر،

به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان

بگو

که خود را با حجاب نپوشانند

این مناسبتر است، تا [به عفت]

شناخته شوند

و مورد آزار واقع نگردند

و خدا آمرزنده و مهربان است.

بِأَنفِهَا النَّسِيُّ

قُلْ لَأَرَوُاجُكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ

بُدْمِينَ عَالِيَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ

فَلَا يُؤْذَنَ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا





این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که مهم‌ترین فایدهٔ حجاب، در امان ماندن از آزار و اذیت افراد سودجو و هوسران است. نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که بیشترین آزار و اذیت‌ها در باره دختران و زنانی است که پوشش مناسبی ندارند و خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می‌دهند. این افراد بدون آنکه خودشان توجه دلشده باشند با تحریک انسان‌های مُست‌زاده و مریض، خود را در دامی می‌اندازند که میراث‌جویی جز حسرت و پشیمانی ندارد.

### فعالیت کلاسی

کسی که می‌تواند به زودی از این دنیا خواهد رفته معنی می‌کند در مناجات پایانی عمرش، مهم‌ترین کارها را انجام دهد و مهم‌ترین حرف‌ها را بزند. مطالب زیر بخش‌هایی از وصیت‌نامه شهدای دوران دفاع مقدس است که مدتی قبل از شهادت نوشته‌اند. این متن را بخوانید و به سوالات انتهای آن پاسخ دهید.

♦ «حفظ حجاب شما حفظ خون تمامی شهداست و شاید به خاطر همین است که تمامی دشمنان اسلام معنی دارند حجاب را از زنان مسلمان بگیرند.» (شهید عباس شهدی، سال شهادت ۱۳۶۵)

♦ «خواهرم حجاب خود را حفظ کن و همیشه در زندگی خود حضرت زهرا علیها السلام و دیگر ائمه را الگویی خود قرار ده و با رعایت حجاب خود از خون من و دیگر شهدا پاسداری کن.»

(شهید سید اسدالله اسدی پور، سال شهادت ۱۳۶۲)

♦ «از تمامی خواهران دعوت می‌کنم نگاه دارند یا سهل انگاری در اعمالشان. قلب این میله بزرگوار حضرت زهرا علیها السلام را آزوده کنیم و روز قیامت در صحرائی محشر در مقابل ایشان شرمند و خجالت زده باشیم.»

(شهید سید ابوالفضل حسینی، سال شهادت ۱۳۶۴)

♦ «و تو ای خواهرم! همچون زینب قریباگر و عکرم بخش پیام من باش و حجابیت را حفظ کن که مباحی چنان تو بیش از سرخی خویق من تن مستکبران را می‌لرزاند.» (شهید عباس مختاری، سال شهادت ۱۳۶۲)

به نظر شما چرا شهدا تا این مقدار بر حفظ حجاب تأکید داشتند؟ اکنون وظیفه ما در برابر فداکاری آنان در شکر جانشان برای حفظ اسلام چیست؟  
 ♦ حال شما و وضعیت نامه این شهید را کامل کنید: «قطره قطره خون شهیدان این پیام را می‌دهد که خراهران، .....  
 (شهید خنید باقری، سال شهادت: ۱۳۶۲).

گوجه شهید  
حمید باقری



اینزنگنه از کتابه گونده برطوخن وضعیت نامه شهیدان نقل اوله ججه.

## مسئولیت مشترک

حفظ حجاب از دستورات مهم اسلام است و هیچ مائمی برای رشد و پیشرفت نیست؛ برای همین امروزه در میان نخبه‌های علمی کشور، دختران عقیم و محجبه بسیاری دیده می‌شوند که گواہ بر این مدعا است، اما آیا این تنها مسئولیت زنان است و مردان برای حفظ سلامت پاکتانی جامعه مسئولیتی ندارند؟

یکی از مسئولیت‌های مردان، همانند زنان حفظ پوشش مناسب است، شاید سؤال شود مگر مردان نیز همانند زنان باید پوشش مناسب داشته باشند؟ بله، همانطور که زنان حدود پوشش دارند، مردان نیز حدود پوشش دارند. دین اسلام، هر کاری که مردان یا زنان را به گناه اندازد، حرام می‌داند. پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن‌نما، سخن گفتن یا لحنی که دیگران را تحریک کند، پوشیدن لباس‌هایی که انسان را در جامعه انگشت‌نمایی کند و انجام هر رفتاری که توجیه نامحرمان را به سوی انسان جلب کند حرام است و در تمام این موارد فرقی بین مردان و زنان نیست.

علاوه بر این مردان و زنان در حفظ حیا و عفت به یک‌اخر توصیه شده‌اند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ	ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو
يَعْتَصُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ	چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند،
وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ	و اقدام جنسی خود را [از گناه] حفظ نمایند،
ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ	که این برای آنان پاکیزه‌تر است!
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	زیرا خداوند به آنچه می‌کند آگاه است.
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ	و به زنان مؤمن [نیز] بگو
يَعْتَصِرْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ	چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند،
وَيَحْفَظْنَ أَرْوَاحَهُنَّ	و اقدام جنسی خود را [از گناه] حفظ نمایند،
وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ	و زینت خود را آشکار نکنند،
إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا	جز آن مقدار [مانند گردی صورت] که نمایان است.

این آیه‌ت به روشنی نشان می‌دهد که حفظ پوشش به تنهایی برای سلامت جامعه کافی نیست و تمام افراد چه مرد و چه زن باید با رفتار و گفتار خود، حیا و عفت را رعایت کنند.

به نظر شما چرا خداوند در این آیات هر یک از مردان و زنان را به صورت جداگانه مخاطب خود قرار داده و این راهنمایی را برای هر دو گروه تکرار کرده است؟

چند نکته مهم:

۱. پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دست‌ها (از سج تا انگشتان) برای زنان واجب است.



۲. افراد محرم برای زنان عبارت‌اند از:

پدر، شوهر، پسر، برادر، پدر بزرگ، پدر شوهر، عمو، دایی، پسر برادر، پسر خواهر، پسر پسر، پسر دختر و نوه‌ها. به غیر از اینها تمام مردان برای زنان نامحرم هستند و زن نباید در حضور آنان بدون پوشش اسلامی ظاهر شود.

۳. افراد محرم برای مردان عبارت‌اند از:

مادر، زن، دختر، خواهر، مادر بزرگ، مادر زن، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر و نوه‌ها. به غیر از اینها تمام زنان برای مردان نامحرم هستند.

### خودت را امتحان کن

۱. با توجه به آیات قرآن کریم، مهم‌ترین فایده حجلب برای بانوان چیست؟

۲. مسئولیت مشترک مردان و زنان برای حفظ پاکي جامعه چیست؟

## ارزش فرمان خدا!

یکی از اصلی ترین مخالفان حکم حجاب، سببناستمداران فاسد و هوسرانی هستند که اهداف خود را در بی عفتی زنان می بینند. آنها تلاش می کنند به هر وسیله ای که شده (از تبلیغات رسانه ای گرفته تا تصویب قوانین ضد حجاب و سخت گیری به زنان محجبه) جامعه را به سوی بی حجابی و برهنگی سوق دهند.

اخراج دختران با حجاب از مدارس و دانشگاه ها یکی از این اقدامات است که در برخی کشورها مانند فرانسه صورت می پذیرد. آنچه می خوانید نامه دختر ۱۰ ساله ای به نام راضیه نادران است که به دلیل به سر داشتن رومری از تحصیل در مدرسه محروم شده است.

اولین سالی که ماه قرانسه آمدیم، مرا برای اینکه رومری داشتهم به مدرسه راه ندادند. من یک سال تمام در خانه ماندم و درس هایم را هم در خانه خواندم. در سال دوم، بعد از بحث های زیاد بالاخره قبول کردند که من با حجاب به مدرسه بروم.

در این سال همراه درس های فرانسه ای به فراگیری درس های ایرانی در منزل اضافه دادم. اما امسال با اینکه معلم من پذیرفت که من با رومری در کلاس حاضر شوم، اما مدیر مدرسه شروع به سخت گیری دوباره حجاب من کرد. او هر روز برای بابایم نامه می داد و از او می خواست که اجازه دهد من بی حجاب به مدرسه بروم. اینگار که من حجابم رایه زود پدرم به سر می کنم!

بالاخره در آخرین نامه نوشته: اگر راضیه رومریش را بردارد دیگر حق آمدن به مدرسه را ندارد.

او این نامه را صبح به من داد و بعد از ظهر وقتی برای آوردن کتابها و دفتر هایم به مدرسه رفتم، دیدم مثل فرمانده پادگان با تعدادی از معلم ها جلوی در ایستاده بود و به خیال اینکه من می خواهم به کلاس بروم با عصبانیت و خشم گفت: «تعالنا راضیه تعالنا»

من در آن موقع خیلی ناراحت شدم و بغض گلویم را گرفت. ولی با این حال به

او گفتیم: برای برداشتن کیفم آمده‌ام، من از آن روز، دیگر به مدرسه نمی‌روم و در خانه درس‌هایم را ادامه می‌دهم، اما این برخورد بد و بی‌ایمانه مدیر را هرگز فراموش نمی‌کنم.



پس از آن خبرنگار تلویزیون فرانسه در مصاحبه‌ای از من پرسید: آیا باز هم می‌خواهی به حجاب ادامه دهی؟ گفتم: حجاب بر من واجب است، من از ۹ سالگی حجاب داشتم‌ام و تا آخر عمر هم حجاب داشتم، من بازی کردن با بچه‌ها و مدرسه رفتن را دوست دارم، ولی دینم و حجابم را از همه بیشتر دوست دارم و حاضریم در خانه تنها باشم ولی خدا از من راضی باشد.

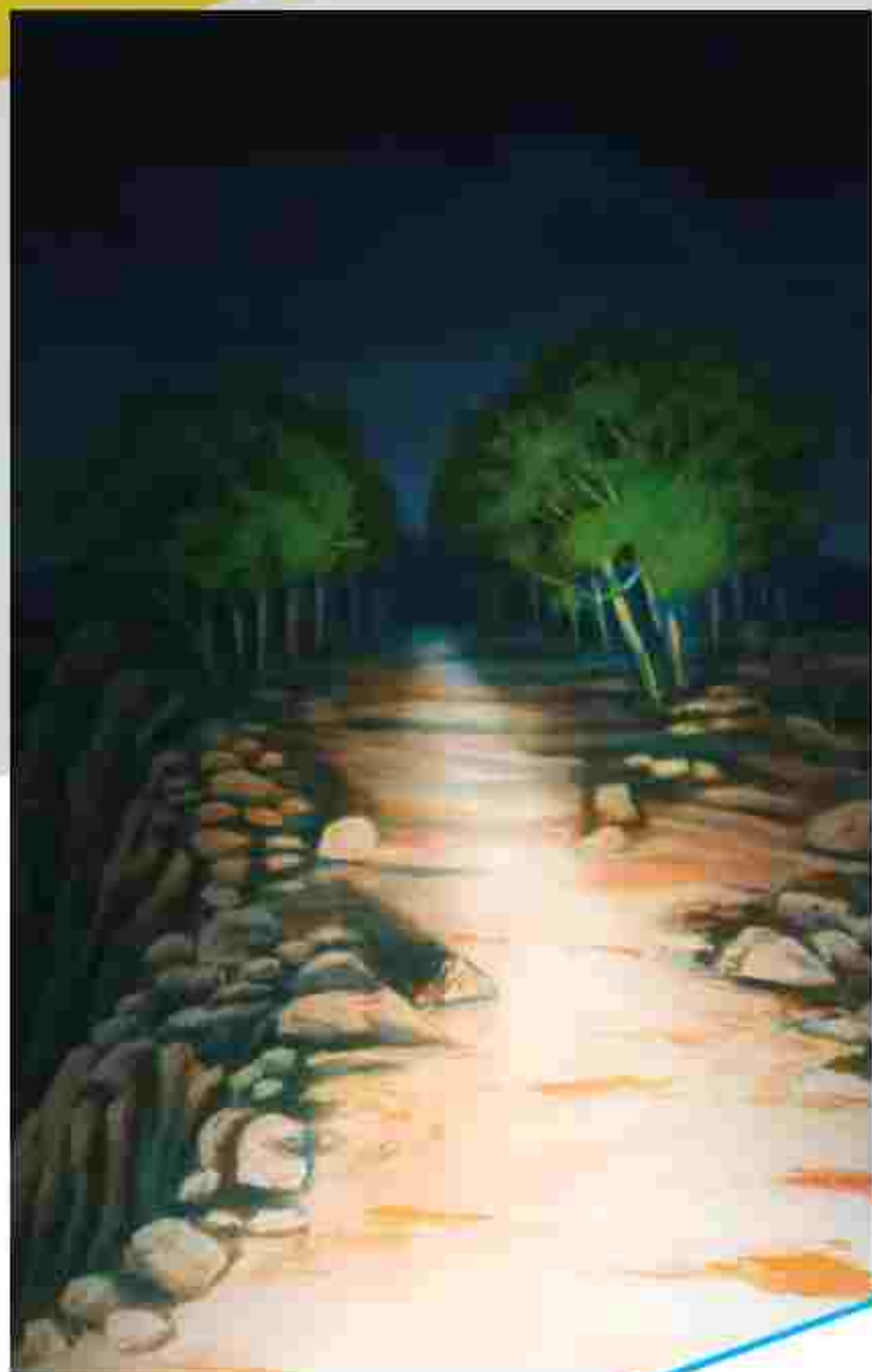
به دخترهای مسلمان می‌گویم که از این سر و ضداهای فرانسوی‌ها و میامت‌های ضد اسلام‌شان نترسند و به مبارزه خود ادامه دهند که حتماً پیروزی از آن ماست.»

راضیه نادران ده ساله از کلرمون فرانسه





از تو می خواهیم برای من خیر و نیکی برگزینی!  
 پس بر محبت و آل او درود فرست  
 و از هر چیز برترین را نصیب ما فرما،  
 و به ما الهام کن آنچه نیک و درست است،  
 بدانیم و عمل کنیم.  
 پس پریشانی و دودلی را از قلب ما بزدایی،  
 در دل ما انداز تسلیم تو باشیم،  
 و کار ما را به آن سرانجام که نیک تر و پسندیده تر  
 است پایان ده؛  
 زیرا تو بهترین چیزها را می بخشی،  
 هر چه بخواهی همان می کنی، و  
 تو بر هر کاری توانایی.



درس سیزدهم

## بربال فرشتگان

غده‌ای مشغول دعا و نیایش بودند و نماز مستحبی می‌خواندند. عده دیگری نیز در گروهی از مسجد مشغول گفت‌وگویی علمی و یادگیری مسائل دینی خود بودند. در همین هنگام پیامبر اکرم ﷺ وارد مسجد شد. همه مشتاقانه می‌خواستند ببینند که پیامبر خدا کدام گروه را برای هم نشینی انتخاب می‌کند. حضرت محمد ﷺ با مهریابی به حاضران در مسجد نگاه کرد و فرمود:



این افراد همگی مشغول انجام کارهای نیک هستند، اما خداوند مرا برای تعلیم و آموزش مردم فرستاده است.

ایشان این سخن را فرمود و به جمع علم‌جویان پیوستند.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا پیامبر اکرم در مسجد، هم نشینی با گروهی را انتخاب کرد که به کسب علم و دانش مشغول بودند؟

## ارزش علم آموزی و عالم

پیامبر خدا در جامعه ای به پیامبری برگزیده شد که کسی به علم و دانش اهمیت نمی داد و تنها تعداد اندکی از مردم توانایی خواندن و نوشتن داشتند. در این شرایط بود که ایشان با تشریح مؤمنان به فراگیری دانش می فرمود:

ای مردم، بدانید کسی که به دنبال فراگیری دانش است، با هر قدمی که برمی دارد، در کارنامه اعمالش ثواب یک سال عبادت نوشته می شود. فرشتگان بال هایشان را زیر پای او می گسترانند و زمینی که زیر پای اوست برایش از خداوند مقربان آموزش می طلبد.<sup>۱</sup>

رسول خدا دستور می داد تا هر امیری که به دو نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد شود. ایشان همواره عالمان را برتر از کسانی می دانست که بدون علم و دانش عبادت می کنند. زیرا (ایشان می فرمود):

هنگامی که شیطان تلاطم می کند مردم را با عقاید و تفکرات قریب کارانه از راه درست منحرف کند. این عالمان هستند که متوجه انحراف می شوند و جلوی آن را می گیرند.<sup>۲</sup>

### فعالیت کلاسی

به این روایات که از رسول اکرم و امیر عوالمان علیه السلام به دست ما رسیده است توجه کنید و آنها را به موضوع مرتبط با آن وصل کنید.

۱. فراگیری دانش بر هر مسلمانی واجب است.<sup>۳</sup> **زندگی همیشگی**
۲. در برابر کسی که از او علم می آموزد، فروتن باشید.<sup>۴</sup> **ثروت واقعی**
۳. علم و دانش گنجی است پایان ناپذیر.<sup>۵</sup> **تواضع نسبت به معلم**
۴. آنان که اهل علم و دانش اند حتی پس از مرگشان زنده اند.<sup>۶</sup> **علم آموزی برای همه**

۱- کفریح، ص ۳۰

۲- منه الصید، ص ۱۰۰

۳- کفریح، ص ۳۶

۴- قرآن حکم، ص ۴۶

۵- زمین حکم و اسرار، ص ۴۶

۶- کفریح، ص ۳۶

اکنون اگر بخواهید با خداوند معجزان سخن بگویید و از او چیزی بخواهید چه می‌گویید؟  
خداوند دلتا در قرآن کریم به پیامبر خود می‌فرماید:

**وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا**  
بگو، پروردگارا، دانش مرا بیفزاد.

آیا می‌دانید دلیل این همه سفارش و تأکید دین اسلام بر کسب دانش چیست؟

امام صادق علیه السلام درباره ارزش دانش می‌فرماید:

کسی که کارهایش را بدون دانش و بینش انجام می‌دهد، مانند کسی است که به بیراهه می‌رود، هر چه سریع‌تر حرکت کند، از مقصدش دورتر می‌شود.

بنابراین تنها کسانی می‌توانند به اهداف خود برسند که نسبت به راه خود، علم و آگاهی داشته باشند؛ چرا که پیدا کردن راه درست زندگی، بدون دانش و بینش، امکان‌پذیر نیست.

### اسلام شکوفاگر علم

مسلمانان که راه سعادت خود را از پیامبر و خاندان پاکش آموخته بودند، با عمل به سفارش‌های آنها، تلاش جستجوی ناپذیری را برای کسب دانش آغاز کردند؛ به‌عنوان مثال، بیش از چهار هزار نفر، در مجالس گوناگون در مس امام صادق علیه السلام شرکت می‌کردند و هر گروهی به یادگیری یکی از رشته‌های علمی مشغول بودند؛ شاگردانی که بعدها، دانشمندان بزرگی شدند و نام برخی از آنها هنوز در بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ جهان شنیده می‌شود.

جابر بن حیان (پدر علم شیمی) یکی از این چهار هزار شاگردی بود که سال‌ها نزد امام صادق علیه السلام کسب علم می‌کرد.

به یاد داشته باشیم، موفقیت‌های علمی مسلمانان همواره در زمان‌هایی روی می‌داد که در کنار توجه جدی به کسب علم و دانش، از احکام و تعالیم اسلامی غفلت نمی‌کردند.

مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، علم چیست؟  
پیامبر فرمود: سکوت کردن.

- ◆ سپس چه؟
- ◆ گوش فرا دادن.
- ◆ بعد چه؟
- ◆ به خاطر سپردن.
- ◆ بعد از آن چه؟
- ◆ به آن عمل کردن.
- ◆ سپس چه؟
- ◆ آموزش آن به دیگران.

درباره این حدیث ارزشمند در کلاس گفت و گو کنید و توضیح دهید چاره جایی در مراحل کسب دانش چه نتایجی به همراه دارد.

یکی از درخشانترین چهره‌های تاریخ علم و دانش جهان، محمد بن موسی خوارزمی است. از این دانشمند مسلمان، کتاب‌های بسیاری در موضوعات متنوعی، جغرافیا و ریاضیات به جای مانده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دو کتاب «فن محاسبه» و «جبر و معادله» اشاره کرد.

خوارزمی این کتاب‌ها را برای تاجران، کثرتعداد و مأموران دولتی که زمین‌ها را برای کشاورزان، اندازه‌گیری و تقسیم می‌کردند نوشته وی در این کتاب‌ها برای اولین بار به آموزش مسأله‌های ریاضی پرداخت که تا آن زمان در تاریخ این علم بی‌سابقه بود. شیوه محاسبات کسری و اعشاری و تقسیم‌های این اعداد از جمله ابتکارهای وی است. کتاب‌های خوارزمی سیصد سال بعد در اروپا منتشر شد و اروپایی‌ها که برای اولین بار با این شیوه از محاسبات ریاضی آشنا می‌شدند، نام این علم را الگوریتم (برگرفته از نام الخوارزمی) نهادند.

طی سال‌های اخیر که به کسب علم و دانش توجه ویژه‌ای شده است، شاهد پیشرفت‌های بزرگی در زمینه‌های مختلف علمی بودیم. به عنوان مثال دانش آموزان ایرانی در اولین دوره المپیاد جهانی ریاضی با وجود مشکلات زیاد جنگ تحمیلی توانستند از کشورهای زیادی پیشی بگیرند. این موفقیت مقدمه‌ای برای درخشش دانش آموزان در سایر رشته‌ها بود. تلاش پیگیر معلمان و



دانش آموزان به همراه استعدادهای خدادادی جوانان مسلمان کشورمان، به سرعت نام ایران را دوباره بر سر زبان دانش پژوهان دنیا گذاشت؛ به نحوی که تاکنون بیش از چهارصد مدال طلا، نقره و برنز از المپادهای بین المللی علمی کسب شده است. همچنین کشورمان صاحب فناوری در ساخت و پرتاب ماهواره همراه با موجود زنده به فضا شده است و دانشمندان جوان کشورمان به فناوری پیچیده هسته‌ای دست یافته‌اند. اینها تنها گوشه‌ای از موفقیت‌های جوانان این کشور در همین مدت کوتاه است. موفقیت‌هایی که در سایه بازگشت مایه راهمایی‌های ارزشمند اسلام صورت گرفته است.



♦ به دلیل مشکلات مالی، قادر به تأمین هزینه تحصیل در دیوید هیبرستان نبود، اما این مسئله مانع از ادامه تحصیل وی نشد. علاقه به کسب علم و دانش باعث شد هر روز، مباحثی را برای جبران هزینه تحصیلی‌اش به صورت جانی کنار کند.

♦ در زمانی که تنها شش درصدا از شرکت کنندگان در کنکور می‌توانستند وارد دانشگاه شوند، او در دانشگاه فنی تهران و چند دانشگاه دیگر پذیرفته شد و از آن میان، تحصیل در رشته مهندسی بالایش نفی در دانشگاه نفت آبادان را انتخاب کرد.

♦ چند سال قبل از انقلاب، در آمویق انزلیم به خارج کشور جهت ادامه تحصیل شرکت کرد، قرار بود ابتدا ۲۰۰ نفر در این آزمون پذیرفته شوند از مابقی این



پیش از انقلاب

۲۰۰ نفر، هشت نفر از طریق آزمون‌های اختصاصی متعدد، جهت اعزام به خارج از کشور انتخاب شوند. وی جزء ۲۰۰ نفری بود که در مرحله اول پذیرفته شدند و پس از گذراندن آزمون‌های مختلف به عنوان نفر سوم از هفت نفر انتخاب شد. اما در نهایت به دلیل مذهبی بودن از پذیرش وی جلوگیری شد.

مهندس محمد جواد کندگویان از جمله جوانان مؤمن و انقلابی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عمر خویش را در جهت خدمت به مردم به کار گرفته. وی پس از مدتی با توجه به تخصص، تعهد و تجربه‌ای که داشت به عنوان وزیر نفت در دولت شهید رجایی انتخاب گردید. در دوران دفاع مقدس در کنار کارگران و مهندسان و در نزدیکی صحنه‌های پرخطر جنگ برقی حفظ تولید نفت، در پالایشگاه‌های کشور تلاش بسیاری کرد و در یکی از بازدیدهای خیره‌انگه‌ای مناطق جنگی به همراه معاونانش به اسارت دشمن درآمد. وی در زندان‌های بغداد زیر شکنجه‌های بی‌رحمانه در خیمان یعنی مانند کوه مقاومت کرد و سرانجام پس از سال‌ها اسارت، غر پداله به شهادت رسید.

### خودت را امتحان کن

۱. عالمان چگونه مردم را از الحرافه نجات می‌دهند؟
۲. بیشترین پیشرفت‌های علمی مسلمانان در چه زمانی روی داده است؟ با یک مثال آن را توضیح دهید.
۳. انجام کارها بدون دانش و بیش از چه نتیجه‌ای به دنبال دارد؟

### پیشنهاد

در باره زندگی و آثار علمی یکی از دانشمندان مسلمان تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلامی بنویسید.

دانش مرا بیقرای؛  
 چرا که دانش، بهتر از داری است.  
 دانش مرا پاس می دارد،  
 در حالی که داری را من باید پاس بدارم،  
 داری با بخشیدن گامته می شود،  
 اما دانش با انشاق رشد می کند، و به برگ و بار  
 می نشیند.  
 خداوند!  
 یاری ام کن تا همواره دانش را که گمشده مؤمن  
 است بیاموزم.

برگرفته از کتاب «یاد شیرین دوست» با  
 استفاده از کلمات تصاریف البلاغه.





زمین از دست به خوبی رهاستم

گلی خردشوی در حمام روزی

که از بوی دلاویز تو معتم

بدر گفتم که مشکین یا عبیری

ولیکن عدلتی یا گل نشستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

وگر نه من همان خاکم که هستم

کمال هم نشین در من اثر کرد



### فعالیت کلاسی

با توجه به شعر بگویند، دوستان و هم نشینان چگونه بر یکدیگر تأثیر می گذارند؟

بعضی از ما همین‌که مشخصی را چند مرتبه در خیابان، مدرسه، صفا اتوبوس و یا مکان‌های دیگر ببینیم و از او خوشمان بیاید، یا او دوست می‌شویم و بدون هیچ تحقیقی او را هم نشین خود می‌سازیم. این روش انتخاب می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛ چرا که ما به خوبی نمی‌دانیم دوست تازه ما چه ویژگی‌های رفتاری دارد.

برای آنکه بهترین دوستان را انتخاب کنیم، چه باید بکنیم؟

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

پیش از آنکه کسی را به دوستی برگزینی، او را امتحان کن و گرنه بدون آنکه خودت بدانی، به هم نشینی با بدان گرفتار خواهی شد.



به نظر شما چگونه می‌توانیم دوستانمان را امتحان کنیم؟  
 در اینجا به سه ویژگی مهم که می‌توان با آنها دوستان خوب را شناسایی کرده، می‌پردازیم:

#### ۱۱ اهل نماز و نیکی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دوستان خود را در [داشتن] دو ویژگی نیاز دارید، اگر در آنها بود [با آنان هم نشین شوید] و اگر نداشتند [حتماً] از آنان دوری کنید، از آنان دوری کنید، از آنان دوری کنید، ... [نزل] رعایت اوقات نماز و [دیگری] نیکی به هم نرسان در سختی و راحتی.



یک بار دیگر حدیث را با دقت بیشتری بخوانید، در اینجا امام جمله‌ای را سه بار تکرار کرده است، علت این تکرار چیست؟

چرا امام با این همه تأکید ما را از دوستی با کسانی که به نماز بی‌توجه‌اند و یا به فکر دیگران نیستند، بازمی‌دارد؟

به یقین کسی که به فرمان خالق جهان و خواسته او برای اقامه نماز بی‌توجه است، به ما و خواسته‌های ما نیز توجهی نخواهد کرد. در سخن امام در کنار توجه به نماز، کمک به دیگران نیز آمده است. به نظر شما کسی که فقط در ایام خیرش در کنار انسان است اما در مواقع سختی و به هنگام نیاز، او را به حال خود رها می‌کند، دوست خوبی است؟

دوست آن دلم که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی



به نظر شما چرا اهل نمان بودن تا این حد در انتخاب دوست مهم دانسته شده است؟ در باره این موضوع در کلاس گفت‌وگو کنید.

#### ۱۲۴ وفای به عهد

وقتی به کسی قول می‌دهید تا کاری را برایش انجام دهید؟  
وقتی با کسی قرار می‌گذارید تا همدیگر را در جایی ببینید؟  
حتی وقتی با خودشان عهد می‌کنید که...  
در همه این موارد شما قولی داده‌اید و باید به آن وفا کنید.  
خداوند وفای به عهد را نشانه ایمان می‌داند و می‌فرماید:

قَدْ أَلْفَحَ الْمُؤْمِنُونَ

... وَالَّذِينَ هُمْ

لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

به راستی که مؤمنان رستگاران شدند،

... کسانی که آنان

امانت‌ها و پیمان خویش را رعایت می‌کنند.

آیا تا به حال برایتان پیش آمده است که کسی به شما قولی بدهد ولی به آن عمل نکند؟

در چنین شرایطی نسبت به آنچه احساس می‌کنید؟

اگر ایاز هم به شما قولی بدهد آیا به سختی اعتماد می‌کنید؟

وقتی کسی به شما قولی می‌دهد ولی به آن عمل نمی‌کند، مانند این است که جعبه بزرگی را

در کلافی زیبا ببندد و به عنوان هدیه برای شما بفرستد. وقتی هدیه به دستتان می‌رسد موجب

خوشحالی شما می‌شود، اما هنگامی که آن را باز می‌کنید می‌بینید خالی است و هیچ چیز داخل

آن نیست.

در این حال، چقدر آزرده خاطر و ناراحت می‌شوید؟  
این همان احساسی است که در هنگام بدقولی به انسان دست می‌دهد.  
بایست بودن به قول و وعده، موجب می‌شود دوستی پایدار نتواند.

اعبر المؤمنین ﴿۱۱﴾ در این باره می‌فرماید:

«بر دوستی کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند، اعتماد نکن.»



### فعالیت کلاسی

بر اساس روایت فوقه، افراد بدقول و پیمان شکن، چگونه دوستان خود را از دست می‌دهند؟

من از سال‌ها پیش او را می‌شناسم. پیش از آنکه به پیامبری مبعوث شود، آن وقت‌ها من چوپان بودم و گوسفندان مردم را به صحرا می‌بردیم. او هم گاهی گله‌ای را به چراگاه می‌آورد.  
یک روز که هر دو گوسفندمان را به صحرا برده بودیم، به او گفتم: باید کم کم به فکر چراگاه دیگری باشیم. اینجا دیگر علف چندانی ندارد...  
او تپه‌ای را در دوز دست‌ها نشانم داد و گفت: پشت آن تپه هم علف‌زاری هست. اگر می‌خواهی فردا صبح هر دو گله‌هایمان را به آنجا می‌بریم.  
گفتم: باشد، پس قرار ما فردا صبح زود بالای همان تپه...  
فردای آن روز، با صدای گوسفندان از خواب بیدار شدم. خورشید بالا آمده بود. پادم آمد که با او قرار داشتم. از جا پریدم. با عجله‌ای به صورت زدم و گوسفندان را به راه گذاختم.

بسیار با ایمان

با خود گفتیم گمان نمی‌کنم بردن این گوسفندها دیگر فایده‌ای داشته باشد. گوسفندهای او تا حالا دیگر از آن علفزار چیزی باقی نگذاشته‌اند، ولی چاره‌ای ندارم. هر قدر که مانده باشد، بهتر از هیچ است. این حیوانات گرسنه را که نمی‌توانم همین‌طور رها کنم.

وقتی با گوسفندان بالایی تپه رسیدم، از تعجب سر جابم میخ‌کوب شدم! محقق‌العین گوسفندانش را همان‌جا نگاه داشته بود و نگذاشته بود وارد علفزار شوند.

به او گفتم: پس چرا آنها را به دامنه علفزار نبردی؟

گفت: قرار ما این بود که با هم گله‌هایمان را بچرانیم.



### ۳۴ راست‌گویی

آیا انسان می‌تواند با کسی دوست باشد، ولی هیچ اعتمادی به او نداشته باشد؟

به نظر شما کدام ویژگی بیش از هر چیز دیگر موجب اعتماد می‌شود؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

برای اینکه کسی را به درستی بشناسید، تنها به مولای بی‌دین و کفر و منحور نمازش نگاه نکنید.

بلکه به ولعت‌گیری و امانت‌داری او بنگرید. کسی که نبالش ولعت‌گر باشد، اعمالش نیز نیک نخواهد شد.



این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که «خورشید همیشه پشت ابر نمی ماند»؟  
 کسی که کار اشتباهی انجام داده است، برای جبران آن اشتباه فقط یک بار باید عذرخواهی  
 کند، اما اگر برای مخفی کردن اشتباهش یک دروغ بگوید، دومین اشتباه را هم مرتکب شده  
 است و... تا اینکه خورشید واقعیت از پشت ابر دروغ بیرون می آید؛ حادثه‌ای که در انتظار همه  
 دروغ‌گورهاست.

اینجاست که معنای سخن حکیمانه امیرمؤمنان «% بهتر معلوم می شود که فرمود:

«حقیقت راست‌گویی نجات است و عاقبت دروغ‌گویی، خسرت و پشیمانی. نتیجه دروغ‌گویی  
 در دنیا خورای و در آخرت عذاب جهنم است»<sup>۱</sup>



بسیاری از دروغ‌های بزرگ، نتیجه دروغ‌هایی است که به شوخی گفته می‌شود. وقتی انسان  
 عادت می‌کند به شوخی دروغ بگوید، بعد از مدتی بدون اینکه خودش بداند، گرفتار اخلاق  
 زشت دروغ‌گویی می‌شود. لوکم کم در میان دوستانش به دروغ‌گویی مشهور می‌شود و آبرو و  
 اعتبارش را از دست می‌دهد و ناخودآگاه به گناهان بزرگ دیگر نیز گرفتار می‌شود.

### خودت را امتحان کن



۱) کدام دو ویژگی است که اگر در کسی نبود باید از او پرهیز کرد؟

۲) راست‌گویی چه تأثیری بر اعمال انسان دارد؟

۳) یکی از ویژگی‌های مؤمنان که آنان را مستگاری می‌سازد چیست؟

ای راست‌گوترین راست‌گویان و ای مهربان‌ترین  
مهربانان!

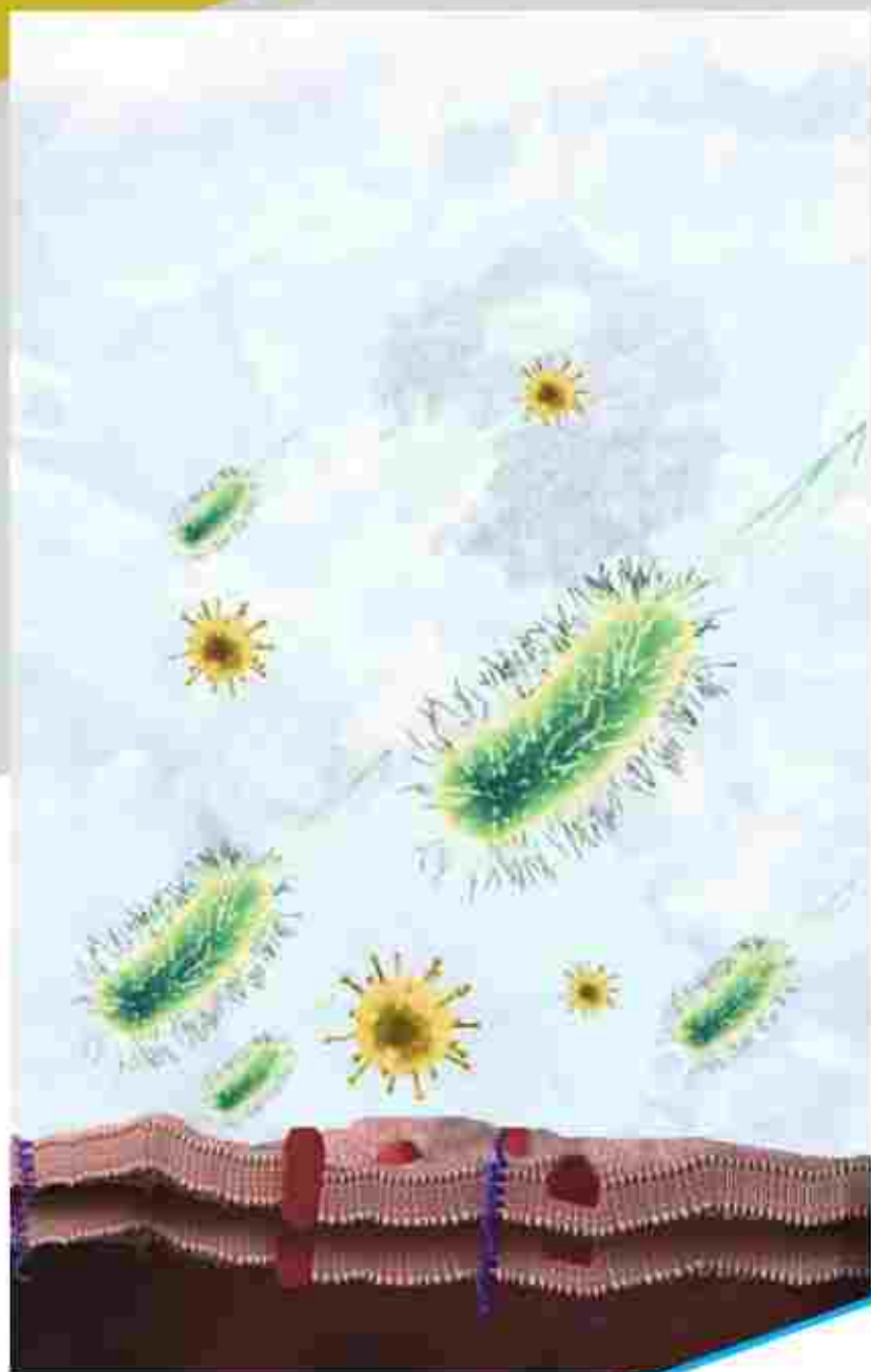
سخنانی گفته‌ام که راست نبودند؛  
و عهدهایی که به آنها وفا نکردم؛  
و خود می‌دانم که بد کرده‌ام.

اکنون به تو پناه می‌برم

از اینکه باز راست نگویم و به آنچه گفته‌ام عمل  
نکنم!

پس خطاهایم را ببخش و مرا یاری کن تا جبران  
تعمایم؛

یاری‌ام کن تا آنچه بد است، هرگز انجام ندهم؛  
و مرا از نمازگزاران واقعی قرار ده.





## مزدوران شیطان

سال گذشته در درس علوم با میکروب‌ها، چگونگی ورود آنها به بدن و نیز بازه‌های پیشگیری و مقابله با آنها آشنا شدیم.

دیدیم که میکروب‌ها با به خطر انداختن سلامتی ما، قدرت و کارایی بدن را کاهش می‌دهند، همچنین یاد گرفتیم که گریچه (گلبول)‌های سفید وظیفه مبارزه با میکروب‌ها و نابود کردن آنها را دارند.

بنابراین جسم ما به وسیله میکروب‌ها تهدید می‌شود و در صورت رعایت نکردن بهداشت، یا عدم پرهیز از غذاهای نامناسب و آلوده، به انواع بیماری دچار می‌شود.

حال، به نظر شما اخلاق و روح ما نیز در معرض ابتلا به میکروب‌ها و آلودگی‌ها قرار دارد؟ آیا در این دنیا چیزهایی هست که سلامتی اخلاقی ما را تهدید کند؟

واقعیت این است که اخلاقی ما نیز به وسیله برخی رفتارها و عادت‌های ناپسند تهدید می‌شود. رفتارهایی همچون دروغ‌گویی، تبلی، غیبت، نامرزا گفتن و ... همانند میکروب به جان اخلاقی ما می‌افتد و اگر در بچسیم و با این عادت‌ها و رفتارهایی نادرست مبارزه نکنیم ممکن است زندگی خود را تباه نماییم و به بهشت زیبایی خداوند نرسیم. کسی که مبتلا به اخلاقی‌های ناپسند می‌شود در واقع مریض است و باید برای مداوای خود چاره‌اندیشی کند.

عامل اصلی انتشار میکروب‌های اخلاقی شیطان است. شیطان به وسیله آنها به درون روح ما نفوذ می‌کند و در صورت مقابله نکردن، ما را در صفت یلین به مستکاری و بهشت جاویدان شکست می‌دهد.

حال برای چند لحظه به خودت فکر کن، چگونه فردی هستی؟  
 راست گوی؟ امانت دار؟ کوشا؟ و... یا بد اخلاقی؟ بددهن؟ عیجیل؟ بی حال؟ دروغ گوی؟ و...  
 فکرمی کنی کدام یک از این ویژگی ها، میکروب های نفرتناک شیطان هستند؟  
 کدام یک از این رفتارها همچون گوچه (گلول) سفید، محافظ اخلاق شما هستند؟  
 تاکنون چقدر توانسته ای با این میکروب ها مبارزه کنی و خودت را از برابر آنها محفوظ کنی؟  
 این درس به معرفی برخی از رفتارها و عادات های ناپسند می پردازد که به دنبال آسیب زدن به  
 اخلاقی نیکویی شما هستند.

#### ۱۴ | عجله

گاهی در حالی که خیلی عجله داریم دنبال چیزی می گردیم؛ در چنین شرایطی حتی اگر آن چیز  
 در کنار ما هم باشد، معمولاً نمی توانیم آن را پیدا کنیم. می دانید چرا؟  
 وقتی دچار شتابزدگی می شویم، نمی توانیم خوب فکر کنیم و به همین دلیل از تصمیم گیری  
 صحیح باز می مانیم و هر تصمیمی می توانیم بگیریم اشتباه بزرگ باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

پشیمانی انسان عجول از همه  
 مردم بیشتر است؛ زیرا عقل او  
 وقتی به کفکش می آید که دیگر  
 کار از کار گذشته باشد.



انسان عجول با مشکل دیگری به نام  
 دوباره کاری نیز روبرو است؛ زیرا  
 کاری که با عجله و بدون دقت انجام  
 می دهد، بی نتیجه خواهد بود و دوباره  
 مجبور است وقت و نیروی خود را  
 صرف انجام درست همان کار کند.

دخترانکم می ۲۲۲



## اندیشه؛ راه درمان

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت ای رسول خدا، به من اندرزی دهید.

♦ اگر تو را اندرز دهم به آن عمل می کنی؟

♦ بانه.

♦ آیا واقعاً عمل می کنی؟

♦ بانه.

وقتی این پرسش و پاسخ برای متوسلین بارنگزار شد،

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

هرگاه تصمیم گرفتی کاری کنی، اول به شیخه و عاقبت آن خوب بیندیش، اگر دیدی نتیجه خوبی دارد، به نصیحت عمل کن و اگر دیدی نتیجه اش تباهی و بدی است، از آن صرف نظر کن!



حال آیا عجله و شتاب همیشه و در همه حال ناپسند است؟ آیا مولودی هست که عجله در آنها خوب باشد؟

انسانی را تصور کنید که می خواهد پولی را به عنوان صدقه به مستمندی بدهد، اگر او بعد از تصدیق، فوراً این کار را نکند، شیطان به سراغش می آید و یا بزرگ نشان دادن آن صدقه در دهنش، او را قانع می کند که خودش به آن پول احتیاج بیشتری دارد و الان وقت این کار نیست و ... و با وقتی صدای اذان را می شنویم، بهترین کار این است که کارهای دیگر را احتوقف کنیم و به نماز بایستیم؛ زیرا اگر نماز مان را برای انجام کارهای دیگر به تأخیر بیندازیم، شیطان به طمع می افتد و ما را به کارهای دیگر مشغول می کند و همین طور کارهای دیگر و کارهای بعدی ... به همین دلیل است که در انجام کارهای نیک هرگز نباید تأخیر و کترتاهی کنیم؛ بلکه باید در اولین فرصت آنها را به انجام برسانیم.

توضیح دهید چرا هر یک از موارد زیر عجله و شتاب چه نتایج خوب یا بدی را به دنبال دارد؟

	پاسخ به سوالات امتحانی
	تضمین گیری در کارها
	خیور از خیارها

#### ۱۲۴ | تنبلی

یکی دیگر از آفت‌های اخلاقی که در قلعه روح انسان نفوذ می‌کند، تنبلی و مستی است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

لَا تَنْبَلِي وَبَيْنَ جَانِبِي بِه شِدَّةٌ بِيْرَهِيْرَةٌ زِيْرَا كِهْ اِيْنِ دِي، هِم دُنْيَا رَا اَزْتَر خِرَاهَنْد كِرْفَتْ وَ هِم اَخْرَجَتْ رَا!



انسان شبلی مانند همه، از نعمت‌هایی ارزشمند خداوند برخوردار است؛ اما بدون اینکه برای هدف درستی تلاش کند، عمر، ملاحظاتی و ثقیه نعمت‌هایش را بی‌بهره هدر می‌دهد و از آنها کمتر استفاده می‌کند. او نمازش را به موقع نمی‌خواند، در فرس خوالدن کوتاهی می‌کند، در کارهای خاله به خانواده‌اش کمک نمی‌کند، و به نظافت و پاکیزگی کمتر اهمیت می‌دهد و باین نظمی و بی‌خالی، همواره اطرافیان را به زحمت می‌اندازد.



## راه درمان

برای درمان شبلی چند کار می‌توان انجام داد:

الف) آینده‌نگری: گاهی ما برخی کارها را انجام نمی‌دهیم، فقط به این دلیل که کمی سستی است و بر ایمان زحمت دارد. اما آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که چنین رفتاری چه آینده‌ای را برای ما به همراه دارد؟

ما می‌توانیم درس نخوانیم و وقت‌مان را فقط با بازی و تفریح بگذرانیم، اما در آینده به دلیل نداشتن کاری یا موقعیت مناسب، همیشه در اندوه و حسرت گذشته باشیم.  
 اجیر مژدگان ع می‌فرماید:

هر کس امروز در کارش کوتاهی و سستی کند در آینده به غم و اندوه مبتلا می‌شود.<sup>۱</sup>



**ب) دوستی با انسان‌های کوشا:** همراهی دوستان کوشا و دیدن سعی و تلاش آنها انگیزه بیشتری برای کار و فعالیت ایجاد می‌کند. همچنین مطالعه زندگی انسان‌های موفق که به دلیل سعی و تلاششان در طول تاریخ درخشیده‌اند، می‌تواند انگیزه ما را برای تلاش بیشتر در چندان کند.

**ج) تصمیم قاطع:** گاهی ما به جای اینکه دست به کار شویم و کاری را انجام دهیم، خیال‌پردازی می‌کنیم و فقط می‌گوییم ای کاش این‌طور بشود یا چه می‌شد این‌طور می‌شد و... اما با آرزو و کامیابی و خیال، کارها انجام نمی‌شوند؛ بلکه این خودمانیم که باید به جای امروز و فردا کردن، یک تصمیم جدی بگیریم و با توکل بر خداوند از همین امروز دست به کار شویم. امروز همان فردایی است که دیروز به انتظارش نشسته بودی. به فرموده امام علی ع:

راه درمان سبلی، عزم و اراده محکم و جلی است.<sup>۲</sup>



**د) برنامه‌ریزی:** یکی از گام‌های اساسی مبارزه با سبلی، برنامه‌ریزی است. برای برنامه‌ریزی، پیش از هر چیزی، باید ببینیم کارهایی که در یک شبانه‌روز باید انجام دهیم چیست؟ آنها را در برگه‌ای یادداشت کنیم. سپس کارهایی مهم را از بقیه کارها جدا کنیم. واضح است که باید اول کارهای مهم‌تر را انجام داد و اگر وقتی باقی ماند به کارهای دیگر مشغول شد.  
 به این اصل مهم برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی گفته می‌شود.

۱- شرح توبه، حکمت ۲۳۳

۲- غرر الحکم، ص ۲۹۴



به این روایات توجه کنید:

۱. شما نمی‌توانید به همه کارها، با هم بپردازید، بنابراین وقت خود را به کارهای مهم‌تر اختصاص دهید.<sup>۱</sup>
۲. هر کاری که برای انجام آن، وقتی را معین نکنی دچار تأخیر خواهد شد.<sup>۲</sup>
۳. کسی که خودش را به حساسی از خود عادت دهد، در انجام کارهایش منبسط نخواهد شد.<sup>۳</sup>
۴. کار اندکی که پیوسته انجام شود، بهتر از کارهای بسیاری است که گاهی انجام شوند، و گاهی نشوند.<sup>۴</sup>

در این روایات به اصول برنامه‌ریزی اشاره شده است. با کمک درس «زمان و چگونه مدیریت کنیم» کتاب «تفکر و منبک زندگی» این اصول را استخراج کنید.

- اصل اول: .....
- اصل دوم: .....
- اصل سوم: .....
- اصل چهارم: .....

۱. شرح بیع البیعه ج ۲، ص ۲۱۴  
 ۲. بیع البیعه، حکمت ۲۸۵  
 ۳. ۴۳، عزرائلی



۱ چرا انسان عجول نمی تواند تصمیم های درستی بگیرد؟

۲ دوازده عقابله با عجله و مشتاقی زندگی را بنویسید.

۳ توضیح دهید مشخصات نسیب چگونه دنیا و آخرت خود را از دست می دهد؟



به تو پناه می‌بریم از وسوسه‌های شیطان رانده  
شده؛

و تکیه کردن بر دروغ‌ها و قریب‌های او؛  
و افتادن در دام‌های او؛

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛  
و در دل‌های ما راه ورود برای شیطان نگذار؛  
خدایا! هر باطلی را که شیطان در چشم ما می‌آورد،  
به ما بستانان؛

و چون شناسانندی، ما را از آن بازدار؛  
و بیابوزان که چگونه با او نبرد کنیم؛  
از خواب غفلت بیدارمان کن تا به او نگراییم؛  
و یا عوفیق خود ما را در بیکار با او یاری فرما.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

- إحياء علوم الدين، ابو حامد محمد بن محمد غزالي.
- ارشاد القلوب الى الصواب لبيلى، حسن بن محمد، قم، الشريف الرضى، ١٤١٢ ق.
- اعلام الدين فى صفات المؤمنين، ديلمى، حسن بن محمد، تحقيق مؤسسه آل البيت ع، قم، مؤسسه آل البيت ع، ١٤٠٨ ق.
- امالى، ابن بابويه، محمد بن على، تهران، كتابچى، ١٣٧٤ ش.
- يا من بهرمان باش: با خندى خويش اين گوته سخن بگويم، مهدى خدايى آزالى، قم، وثوق، ١٣٩١.
- بحار الانوار، مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.
- تهذيب الاحكام، طرمى، محمد بن حسن، تحقيق حسن التومى خرمان، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاحمال، ابن بابويه، محمد بن على، قم، دار الشريف الرضى للنشر، ١٤٠٦ ق.
- حجتبه دفتر اول (گزيده موضوعى وصيحه نامه شهيد)، مهدى دادجو، تهران، نشر شاهد، ١٣٩٠ ش.
- خندى من، حرف هاى من با خدا، غريب گلهر، تهران، مدرسه، ١٣٨٧ ش.
- عين ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوينى، تحقيق محمد فواد عبدالباقى، بنى جاز، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بنى نا.
- منن التى، طباطبائى، سيد محمد حسين، قم، مؤسسه كتابى، بنى نا.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الجلب، قم، كتابخانه عمومى آية الله مرعشى نجلبى، ١٣٣٧ ش.
- صحيفه مجاديه، على بن حسين شالو، قم، دفتر نشر معارف، ١٣٩٠ ش.

- غزالي الشرايع، ابن بابويه، محمد بن علي، قم، كتابغزوي، ١٣٨٥ق.
- عيون المحكم والعواظ، أبي واسطي، علي بن محمد، محقق حسين جسي بيرجنتي، قم، دارالجليل، ١٣٧٤ق.
- الغارات، ابراهيم بن محمد القمي الكوفي، تحقيق سيد جلال الدين لوموي عذدت، بي جاد بي نا، بي نا.
- غرر الحكم، تسمى آملتي، عبدالواحد بن محمد، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٤١٠ق.
- قرب الامانة، حيدري، عبد الله بن جعفر، تحقيق مؤسسه آل البيت ﷺ، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ١٤١٣ق.
- كافي، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
- الكامل في التاريخ، ابن كثير، دار صادر، بيروت، ١٣٨٤ق.
- كنز العمال، ماضي هندي، تحقيق حيالي، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ق.
- گلستان، معدي شيرازي.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوري، حسين بن محمد تقي، تحقيق مؤسسه آل البيت ﷺ، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ١٤٠٨ق.
- المستدرک على الصحاحين، حاکم نيشابوري، تحقيق يوسف عبدالرحمن مرخلسي، بي جاد بي نا، بي نا.
- مفتاح الجنان، شيخ عباس قمي.
- منية المرید، شهيد ثاني، زين الدين بن علي، تحقيق رضا مختاري، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٩ق.
- نهج البلاغه، علي بن ابي طالب ﷺ، گردآوري سيد رضوي.

- الوافي بالقرينات، صفدي، تحقيق احمد الارناؤوط و تركي مصطفى، بيروت، دار احياء التراث، ١٩٣٠ ق.
- وسائل الشريعة، شيخ حر عاملي، محمد حسن، تحقيق مؤسسه آل البيت للدراسات، قم، مؤسسه آل البيت للدراسات، ١٤٠٩ ق.
- سيد شيرين دوست، مجموعه نيايش هانا الهام از متون ديني، نشر نلدري، تهران، مؤسسه فرهنگي مدرسه برهان، ١٣٩٠ ش.

